

Englishpersian

# MEMORIZING

# 150

# WORDS A DAY

1100 **words**  
you need to know.

ep

اینگلیش  
پرتتیب

[www.EnglishPersian.ir](http://www.EnglishPersian.ir)

504 **absolutely essential**  
**words**

## پیشگفتار:

همیشه یکی از مشکلات دانشجویان و زبان آموزان نداشتن ارتباط مناسب با زبان انگلیسی است به همین خاطر همیشه از این درس گریزان هستند اما ما با روش کدینگ ظاهر دیگری از زبان را به شما نشان خواهیم داد.

در روش کدینگ علاوه بر ارتباط منطقی واژگان با محیط مرسوم اطراف شما، یک تصویر ذهنی از واژه در ذهن شما قرار می دهیم به این صورت که وقتی شما واژه را میبینید در ذهن شما کد واژه نمایان می شود.

این مجموعه شامل تمامی کلمات کتاب های ۱۱۰۰ و ۵۰۴ میباشد. شما میتوانید با توجه به سطح علمی خود هر روز تعدادی از این کلمات را به خاطر بسپارید. با توجه به کاربردی بودن این روش ما به شما توصیه میکنیم که در هر روز ۱۵۰ لغت را حفظ کنید و پس از گذشت دو هفته خواهید دید که تمام کلمات ۱۱۰۰ و ۵۰۴ را فراگرفته اید!

به دلیل سادگی بعضی کلمات این مجموعه از ذکر کد برای حفظ آن خودداری کرده ایم.

**مجموعه یادگیری ۱۵۰ کلمه در روز** برای تمام دوستان با هر سطح علمی، که علاقه به یادگیری لغات مهم زبان انگلیسی دارند و از استفاده از روش های مرسوم کلافه شده اند و یا قصد شرکت در آزمون های کنکور کارشناسی ارشد، تافل و ایلس دارند مفید است.

اراتمند شما گروه آموزشی EnglishPersian (ep)



## abandon

Phonetic	Synonym	Meaning
[ə'bændən]	desert , leave , quit	ترک کردن، رها کردن، تسلیم کردن، واگذاری

کد: آب + اند (and) + دون

کد ۱: فکر کن جوجه ها رو فقط آب و دون (abandon) میدی و ولشون میکنی.

کد ۲: آبادان بودیم برف شدید اومد!! بدون برنامه برگشتیم!!

## keen

Phonetic	Synonym	Meaning
[ki:n]	sharp , eager , intense , sensitive	حساس، قوی، تیز و تند، شدید بودن

کد: آدمایی که کینه ای اند قویترند، حساسترند و رفتارشون همیشه وضعیو تشدید میکنه

## jealous

Phonetic	Synonym	Meaning
['dʒeləs]	invidious	حسود، حسادت آمیز، رشک مند

کد: ژیلاست (jealous) دیگه خودت میشناسی چقدر حسوده!

## Tact

Phonetic	Synonym	Meaning
[tækt]	adroitness , delicacy , discretion	ملاحظه، نزاکت، عقل، حضور ذهن

کد: کسی که یه ذره تاکتیک (tact) داشته باشه همیشه ملاحظه و نزاکت داره!

## oath

Phonetic	Synonym	Meaning
[əʊθ]	vow , curse , Swear-word	قسم خوردن، سوگند

کد: دیر رفتی سرکار جلو اوستا (oath) همش قسم میخوری که ترافیک بود

## vacant

Phonetic	Synonym	Meaning
['veɪkənt]	empty , unoccupied , uninhabited	خالی، بیکار

کد: بیکار نشسته سیگار بهمن و کنتش (vacant) رو خالی میکنه!

## hardship

Phonetic	Synonym	Meaning
['hɑ:rdʃɪp]	trouble , difficulty, suffering	سختی، ذلت، مشقت

کد:

تلفظش تقریبا اینجوریه: hard+shape  
معنی shape شکل دادنه پس شکل دادنه فلزات کار سختیه!

## gallant

Phonetic	Synonym	Meaning
[gə'laɪnt]	Brave, Courageous	شجاع، دلیر، دلاور

کد ۱: گیلانی ها خیلی شجاع اند.  
کد ۲: راننده میتسویشی گالانت شجاع بود.

## data

Phonetic	Synonym	Meaning
['deɪtə]	information , facts	شواهد، اطلاعات

## accustomed

Phonetic	Synonym	Meaning
[ə'kʌstəmd]	strange, unfamiliar	عادت دادن، معتاد ساختن، آشنا کردن

کد: عکاس+تم (accustom)

یه عکاس داریم تو محلمون عادت داره هر سری به گوشیش دست میزنه تمشو عوض میکنه اصلا اعتیاد پیدا کرده به این کار.

## bachelor

Phonetic	Synonym	Meaning
['bætʃələr]	unmarried , unwed	مجرد، لیسانس

بچه لره (bachelor) مجرد بود با اینکه لیسانس داشت!

## corpse

Phonetic	Synonym	Meaning
[kɔ:ps]	a dead body, cadaver	جسد، جنازه

کد: (کور+بس) = (corpse)

جنازه ی کور رو با شامپو بس میشورن!

## conceal

Phonetic	Synonym	Meaning
[kən'si:l]	Hide , Cover	پنهان کردن، نهفتن، پوشاندن

کد: بچه ها میرن اتاق قایم میشن با کنسول (conceal) بازی میکنن.

## dismal

Phonetic	Synonym	Meaning
['dɪzməl]	Dark , depressing , sorrowful	دلتنگ کننده، ملالت آور، پریشان کننده

کد: ببینم اگه یکی بشینه جلوت زار زار گریه کنه و دستمال (dismal) به دست اشکاشو پاک کنه چه حسی داری؟؟!

## frigid

Phonetic	Synonym	Meaning
['frɪdʒɪd]	Very cold , icy , Chill	بسیار سرد، منجمد، دارای اندکی تمایل جنسی

کد: داخل فریزر فریجیده! (frigid)

## inhabit

Phonetic	Synonym	Meaning
[ɪn'hæbɪt]	live in , reside in , settle in	ساکن شدن، مسکن گزیدن

اینها بیت ما ساکن شدن! (عربی!)

## numb

Phonetic	Synonym	Meaning
[nʌm]	deadened, Senseless	بی حس، کرخت، بی حس یا کرخت کردن

به دوستم زنگ زدم حرف میزدم یهو صدا اومد نامبرده (numb) دسترس نیست بی حس شدم.

## peril

Phonetic	Synonym	Meaning
['perəl]	danger , hazard , risk	خطر، مخاطره، به خطر انداختن

کد: پری خیلی لوسه (perilous) ولی با این حال آدم خطرناکی هم هست!



## recline

Phonetic	Synonym	Meaning
[rɪ'klaɪn]	lie , lean , rest	دراز کشیدن

کد: همه باید روی یک لاین دراز بکشین!

## shriek

Phonetic	Synonym	Meaning
[ʃri:k]	Scream , Screech	جیغ، فریاد، فریاد دلخراش زدن

کد: شریکشو دیدم از بس زشت بود جیغ زدم!!!

## sinister

Phonetic	Synonym	Meaning
['sɪnɪstər]	Evil , Wicked , frightening	نحس، نادرست، گمراه کننده

کد: ۳۰ نحسه! (sinister)

## tempt

Phonetic	Synonym	Meaning
[tempt]	invite , seduce , test , persuade	حوس کردن، فریفتن، وسوسه شدن

کد: رفته بودیم عروسی تمپو (tempt) میزد حوس رقص کردیم!

## wager

Phonetic	Synonym	Meaning
['weɪdʒər]	Bet	شرط بندی کننده

کد: کاغذ شرط وی را جر داد (wager)

## Typical

Phonetic	Synonym	Meaning
['tɪpɪkəl]	usual , particular , distinctive	نوع

کد: یه نوع تیپ کل (typical) و خاص و معمولی داشت!

## minimum

Phonetic	Synonym	Meaning
['mɪnəməm]	least , lowest	مینیمم مقدار، کمترین حداقل

## scarce

Phonetic	Synonym	Meaning
[skers]	rare , inadequate , insufficient	نادر، کمیاب، اندک

کد ۱: کرمهای اسکاریس (scarce) رو تو علوم تجربی یادتونه چقد کمیاب بودن!؟

## annual

Phonetic	Synonym	Meaning
['ænju:əl]	once a year	سالانه، یکساله

کد: کارتونی و (annual) سالانه بود.

## persuade

Phonetic	Synonym	Meaning
[pər'sweɪd]	induce , entice , convince	قانع کردن، راضی کردن، ترغیب کردن

کد: دوستمو راضی کردم که تو این کار شرکت کنه پرسوده.

## essential

Phonetic	Synonym	Meaning
[ə'senʃəl]	necessary , important	ضروری، واجب

کد: زمستون اصن شال (essential) ضروریه!

## blend

Phonetic	Synonym	Meaning
[blend]	Mix , integrate	مخلوط شدن، مخلوط، ترکیب

کد: بلند شین مخلوط و قاطی شین!

## visible

Phonetic	Synonym	Meaning
['vɪzəbəl]	observable , noticeable , apparent	دیدنی

کد: زبل (visible) خان دیدنی بود!

## expensive

Phonetic	Synonym	Meaning
[ɪk'spensɪv]	Costly	گران

کد: اکس و پنس (expensive) موی سر گرونه!

## talent

Phonetic	Synonym	Meaning
['tælənt]	genius, ability, faculty	توانایی، استعداد زنی

کد: ته لنت ترمز توانایی ترمز گرفتن داره.

## devise

Phonetic	Synonym	Meaning
[dɪ'vaɪz]	think out , plan , design	تدبیر کردن، اختراع

کد: کافیه اینجوری بخونیدش: the wise  
Wise (عقل)  
آدم عاقل همیشه در حال تدبیر کردن و اختراع کرده.

## wholesale

Phonetic	Synonym	Meaning
['həʊl,seɪl]	extensive, massive	عمده فروشی، به صورت یکجا

کد: از حول سیل عمده فروشی میکنم!!

## Vapor

Phonetic	Synonym	Meaning
['veɪpər]	fog , mist , steam	بخار، مه، تبخیر کردن، چاخان کردن

کد: وافور!!  
وافور وسیله ایه که باهش مواد میکشن!  
خوب اونایی که مواد میزنن وقتی میکشنش: ۱. دود و بخار میده. ۲. چاخان زیاد میکنن!!!

## eliminate

Phonetic	Synonym	Meaning
[ɪ'limə,neɪt]	get rid of, remove, omit	حذف کردن

کد: الی مینا رو حذف کرد و از شرش خلاص شد!!

## villain

Phonetic	Synonym	Meaning
['vɪlən]	Criminal , rascal , mischief , wicked	پست، بدذات

کد: ویلیان ادم پست و بد ذاتیه !

## dense

Phonetic	Synonym	Meaning
[dens]	Compact , Compressed	غلیظ، متراکم، انبوه

## utilize

Phonetic	Synonym	Meaning
['ju:tə,laɪz]	Use , apply , employ	استفاده کردن

کد: ایزا + tell + u !!!

به ایزا (ایزابیل) بگو اگه میخوای از وسیله استفاده کنی! (وسیلشو یه چیز نامربوط خودتون در نظر بگیرین که تو ذهن بمونه)

## humid

Phonetic	Synonym	Meaning
['hju:mɪd]	Damp, moist	خیس، نمناک، مرطوب، بخار دار

کد: هی امید؟؟!! (humid) چرا شلوارت خیس و نمناکه!؟

## theory

Phonetic	Synonym	Meaning
['θiəri]	Belief , idea , notion	تئوری



## descend

Phonetic	Synonym	Meaning
[di'send]	Climb down, swoop down	پایین آمدن، فرود آمدن

کد: شباهت آن با متضادش!  
ascend # descend

## circulate

Phonetic	Synonym	Meaning
['sɜ:rkjə,leɪt]	Orbit, move round	گردش کردن، به گردش درآوردن، بخشنامه کردن

## enormous

Phonetic	Synonym	Meaning
[ɪ'no:rməs]	Huge , giant , immense	بزرگ، عظیم

کد: این ارم است!  
فکر کن یه ارم خشگل و بزرگ به اندازه ای که کل دنیا بینش توی شهرتون دم درتون  
باشه هر روز با افتخار به لهجه اصفهانی به دوستت میگی این ارم (enormous) باشه..

## predict

Phonetic	Synonym	Meaning
[pri'dikt]	foretell , forecast , foresee	پیش بینی کردن، پیش گویی کردن

کد: پری + دیکته!

یه دختر بچه تو محلتون هست بهش میگن پری دیکته! (predict) بخاطر اینکه کلاس  
نمیره و تو خونه میشینه و پیش بینی میکنه معلم چی دیکته میگه و اونو مینوسه!!

## vanish

Phonetic	Synonym	Meaning
['væniʃ]	disappear , fade , dissolve	ناپدید شدن، غیب شدن

کد: وَنیش! و نیش زد و ناپدید شد!

## Tradition

Phonetic	Synonym	Meaning
[trə'diʃən]	Habit , Convention , Custom	سنت، رسم، آداب و رسوم

کد: رسم و سنته که تره توی دیش (dish) = (ظرف) باشه.

## rural

Phonetic	Synonym	Meaning
['rurəl]	rustic , pastoral , bucolic	روستایی، رعیت

کد: خونه ی روستایی رو ریل قطار بود!

## burden

Phonetic	Synonym	Meaning
['bɜ:rdən]	cargo , load , charge	بار، محموله، مسئولیت سنگین، فشار

کد: بار سنگین را بردن!

## campus

Phonetic	Synonym	Meaning
['kæmpəs]	grounds , setting , site	فضای باز، زمین دانشکده و محوطه کالج

کد ۱: کم دانشگاهتو پز بده!

کد ۲: کم پوست (campus) بریز تو فضای دانشگاه.

## majority

Phonetic	Synonym	Meaning
[mə'dʒɔ:rəti]	greater , more , most	اکثریت، بیشین

کد: اکثریت مردم مجارستانی بودند

## assemble

Phonetic	Synonym	Meaning
[ə'sembəl]	come together , bring together	گرد آمدن، جمع شدن

کد: اصن بل (دانشمند) انقد مخش کار میگرد که در عرض ۳۰ ثانیه ی سیستم رو جمع میگرد.

## explore

Phonetic	Synonym	Meaning
[ɪk'splɔ:r]	Survey , examine , Investigate , look into	کاوش کردن، معاینه کردن، تحقیق کردن، کاوشگر

کد: ویندوز اکسپولرر کارش چیه!؟

## topic

Phonetic	Synonym	Meaning
['tɒpɪk]	subject , matter , Talking-point	موضوع، عنوان

کد: مبحث و موضوع ما تاپه یکه!

## debate

Phonetic	Synonym	Meaning
[di'beɪt]	discussion , argument	بحث، مناظره

کد ۱: مباحث سر دو بیت با هم مناظره کردن  
کد ۲: دیبا با تو بحثی ندارم.

## evade

Phonetic	Synonym	Meaning
[i'veɪd]	elude , escape from , get away from	طفره رفتن از، فرار کردن از

کد: ا، و! داره طفره میره

## probe

Phonetic	Synonym	Meaning
[prəʊb]	inquire , search into, examine , investigate	جستجو کردن، به دقت و ارسی کردن

کد ۱: برو به جستجو  
کد ۲: ما تو زندگی همه دنبال مشکلات (problem) میگردیم.

## reform

Phonetic	Synonym	Meaning
[rɪ'fɔ:rm]	Make better , Correct, improve	اصلاح کردن، اصلاح شدن، بهسازی کردن

کد: اصلا رو فرم (reform) نیستم، باید اصلاح بشم!

## Approach

Phonetic	Synonym	Meaning
[ə'prəʊtʃ]	Come near , advance	نزدیک شدن

کد: آب+روش!  
کد: آب رسیده بود روش وقتی نزدیک شدم دیدم رگشو زده کل آب رو خون برداشته!

## detect

Phonetic	Synonym	Meaning
[dɪ'tekt]	find out , discover, notice	کشف کردن، پیدا کردن

کد: دِ تَک!

کد: من بهت میگویم تکه تکه تکه، دِ تَکِه دیگه بگرد مشکلش رو پیدا کن!

## defect

Phonetic	Synonym	Meaning
[dɪ'fekt]	fault , deficiency , error , flaw	کاستی، نقص

## employee

Phonetic	Synonym	Meaning
[,emplɔɪ'i:]	worker , staff , workforce	مستخدم، کارگر

کد ۱: این + پلویی

این چه پلویی درست کرده مستخدمه (کارگر/کارمند)؟؟ تی و جاروشم گذاشته توش!!

کد ۲: این پول یوا!

کارگر و مستخدمتون اومده عیدی بگیره پولو بهش میدی و میگی این پول یو .

## neglect

Phonetic	Synonym	Meaning
[nɪ'glekt]	disregard , ignore, overlook	غفلت کردن

کد: انگل کتاب!

فکر کن یه دوست داری که انگل کتابه! باید ببندیش ازش غفلت کنی کتابارو میخوره همرو!!

## deceive

Phonetic	Synonym	Meaning
[di'si:v]	delude , mislead	گول زدن، فریفتن

کد: شبیه دوسیب (همه قلیونیا!!) تلفظ میشه...  
دوستتو گول نزن واسه قلیون دوسیب، نکن اینکارو!!

## undoubtedly

Phonetic	Synonym	Meaning
[ʌn'daʊtɪdli]	certainly, definitely	بدون شک، مسلم

کد: ریشه ی doubt به معنای شک و تردید و شبهه میباشد  
UN پیشوند منفی ساز است



## popular

Phonetic	Synonym	Meaning
['pɒpjələ]	accepted , prevailing , approved	محبوب، مردمی، عمومی، نامدار، معروف

کد: پاپی یو لار (به سگت میگی پاپی تو مال لار هستی اهل لار هستی ) بنابراین خیلی محبوبی. سگتم جواب میده ممنون!!!

## thorough

Phonetic	Synonym	Meaning
['θʌrəʊ]	complete , Comprehensive , careful	تمام و کمال، کامل

کد: من زورو (thorough) تلفظش تقریبا ز میباشد) رو از اول تا آخر تمام و کمال دیدم!

## client

Phonetic	Synonym	Meaning
['klaɪənt]	customer, shopper	مشتری، موکل

## comprehensive

Phonetic	Synonym	Meaning
[,kɒmpri'hensɪv]	complete , detailed, extensive , thorough	جامع، فراگیرنده

## defraud

Phonetic	Synonym	Meaning
[dɪ'frɔ:d]	cheat, trick, swindle	گول زن، کلاهبرداری کردن

کد: فرهاد؟؟؟  
تو هم کلاهبردار بودی نمیدونستیم؟

## postpone

Phonetic	Synonym	Meaning
[pəʊst'pəʊn]	delay , put off	به تاخیر انداختن، تعویق انداختن

کد: پست پونه را به تاخیر انداختن!

## consent

Phonetic	Synonym	Meaning
[kən'sent]	agree , assent , approve	موافقت کردن، اجازه دادن، رضایت دادن

کد: موافقت کردن که ادمای کم سنت (کنسنت) خسیسن

## massive

Phonetic	Synonym	Meaning
['mæsi:v]	big , Huge , Heavy, Solid , Bulky	بزرگ، سنگین، عظیم

مسیح بزرگ و عظیم بود

## capsule

Phonetic	Synonym	Meaning
['kæpsəl]	medicine , pill , tablet	کپسول، پوشش خود کپسول

## preserve

Phonetic	Synonym	Meaning
[prɪ'zɜ:rv]	protect , guard , look after , maintain	سالم نگهداشتن، حفظت کردن، ایمن کردن

کد: رزرو کردن تا سالم نگه دارن ...

## denounce

Phonetic	Synonym	Meaning
[di'naʊns]	Criticize , Blame accuse , Condemn	سرزنش کردن، نکوهش کردن، محکوم کردن

کد: محکومش کردن که به دین اُنس نداره !!

## unique

Phonetic	Synonym	Meaning
[ju:'ni:k]	single , sole , exceptional peerless	بی نظیر، بی همتا، تک

کد: کار تو یا یو، نیکه=یکتاست  
نکته: خود uni به معنای تک واحد میباشد

## torrent

Phonetic	Synonym	Meaning
['tɔ:rənt]	downpour , flood, stream , tide	سیل، سیلاب، موج، رگبار

کد: شهر تورنتو در کانادا به خاطر سیلاب رفته زیره آب !!

## resent

Phonetic	Synonym	Meaning
[rɪ'zent]	dislike, be resentful about	خشمگین شدن، عصبانی شدن

کد: چند دفعه مسیجتو بفرستی نره عصبانی میشی!

## molest

Phonetic	Synonym	Meaning
[mə'lest]	annoy , bother , disturb , irritate , tease	اذیت کردن، آزار دادن، تجاوز کردن

کد: مال ۳ تا (molest) بدبخت رو بخوری، آزارش دادی و اذیتش کردی

## gloomy

Phonetic	Synonym	Meaning
['glu:mɪ]	dark , dim , cheerless , dismal , cloudy	دلگیر، تاریک، غم افزا

کد: تو هوای ابری گلو میگیره (gloomy)

## unforeseen

Phonetic	Synonym	Meaning
[,ʌnfɔ:r'si:n]	Unexpected , Unplanned , Unpredictable	پیش بینی نشده، غیر منتظره

کد: سین یعنی دیده شده پیشوند آن هم که منفی سازه یعنی دیده نشده.

## exaggerate

Phonetic	Synonym	Meaning
[ɪg'zædʒə,reɪt]	Overstate, embellish, inflate, magnify	سخن مبالغه آمیز، گزاف گویی

کد: اغزا+جرات(هگزان+جرات)

اگه جرات داری به هگزان دست بزن از اسید بدتره!!(هگزان همون تینره که نقاشها استفاده میکنن و همش باهش دستاشونو میشورن)!

## amateur

Phonetic	Synonym	Meaning
['æmətʃər]	non-professional , dabbler , inexperienced	آماتور، غیر حرفه ای

کد: A موتور!

یه موتوری که همش تصادف میکنه غیر حرفه ایه!

## mediocre

Phonetic	Synonym	Meaning
[,mi:di:'əʊkər]	average, ordinary, medium , Commonplace	متوسط، حد وسط، میانه

کد: تلفظ اولش به medium نزدیکه پس معنیش هم میشه!

## variety

Phonetic	Synonym	Meaning
[və'raɪəti]	change, difference	تنوع، گوناگونی

## valid

Phonetic	Synonym	Meaning
['vælɪd]	acceptable , allowed , legal , authentic	صحيح، معتبر

كد: وليد آدم معتبري نيست!

## survive

Phonetic	Synonym	Meaning
[sər'vaɪv]	live , remain	زنده ماندن

كد: سرِ واو(به خاطر حرف واو)  
دوستم سر ي واو نجات پيدا كرد استاد سر كلاس گفت بگو واو تا نكشتمت دوستم  
گفت واو و نجات پيدا كرد!!

## weird

Phonetic	Synonym	Meaning
[wiərd]	mysterious , Unearthly , Odd , strange , Scary	عجيب، خارق العاده

كد: يك ورد خوند در گوشم خارق العاده و عجيب بود!



## prominent

Phonetic	Synonym	Meaning
['prɒmənənt]	Well-Known , notable , important	مهم، برجسته ، والا

کد: Prominent=important

## security

Phonetic	Synonym	Meaning
[sɪ'kjʊrəti]	the feeling of being safe	امنیت، آسایش، اطمینان خاطر

کد: سگ ها ردی (ready) = سگ ها آماده!!  
پلیس شدی چند تا سگ دادن بهت وقتی میگی سگها ردی، همشون میان بهت میگوین  
بریم واسه برقراری امنیت شهر!!

## bulky

Phonetic	Synonym	Meaning
['bʌlki]	large , big, colossal, unwieldy	بزرگ، عظیم الجثه

کد: فکر کن از جلو یکی رد میشی قدش اندازه ی ساختمان ۱۵ طبقهست! بهش فحش  
میدی همچین بهت میگو با کی (bulky) بودی که زمین میلرزه!!

## reluctant

Phonetic	Synonym	Meaning
[rɪ'lʌktənt]	Unwilling , disinclined , Unenthusiastic	بی میل، مخالفت کردن

کد ۱: رولاکند!

(تولاکند!) = اونایی که تو لاکند به هیچی میل ندارن و مخالفت میکنن با همه چی  
کد ۲: ریلکسند! به هیچی مایل نیستن گرفتن خوابیدن و با همه چی مخالفت میکنن

## obvious

Phonetic	Synonym	Meaning
['ɒbvɪəs]	apparent , Clear , Plain, visible	واضح، آشکار، مشخص

کد: آب+ویروس = آب مثل کامپیوتر نیست اگه ویروس بگیره تابلو معلوم میشه یعنی  
قشنگ میشه بینیشون!

## vicinity

Phonetic	Synonym	Meaning
[vɪ'sɪnəti]	neighborhood , environs , proximity	مجاورت، پیرامون، همجوار

کد: وسط نیست (vicinity) همسایشه، همجوارشه!!

## century

Phonetic	Synonym	Meaning
['sentʃəri]	100 years	قرن، سده

کد: علی سنتوری فیلم قرن شد!!

## rage

Phonetic	Synonym	Meaning
[reɪdʒ]	anger , fury , violence , wrath	عصبانی، خشمگین

کد: انقدر عصبانی شد که رگش زد بیرون!!

## document

Phonetic	Synonym	Meaning
['dɒkjəmənt]	Certificate , deed	سند، مدرک

## conclude

Phonetic	Synonym	Meaning
[kən'klu:d]	decide , end , finish, terminate	تمام کردن، تمام شدن

کد: جان کلود کار را تمام کرد

## undeniable

Phonetic	Synonym	Meaning
[,ʌndɪ'naɪəbəl]	certain , Clear , evident , Obvious, Undoubted	غیر قابل انکار

کد: آن دین هابیل غیر قابل انکار بود!

## resist

Phonetic	Synonym	Meaning
[rɪ'zɪst]	defy , oppose , avoid , withstand	مقاومت کردن، دوام آوردن، ایستادگی

کد: باهش صحبت کردم راضیست (resist) که مقاومت کنه ترک کنه!

## lack

Phonetic	Synonym	Meaning
[læk]	be without , need, be short of	نبودن، فقدان، احتیاج، کسری

کد ۱: چی باعث میشه دلت لک بزنه؟! نبودن کسی یا چیزی  
کد ۲: یه سریها لک ندارن تو صورتشون!

## ignore

Phonetic	Synonym	Meaning
[ɪg'no:r]	disregard, neglect, overlook	نادیده گرفتن

کد: یه نور با شدت خیلی زیاد به چشمات میتابه دوستت میاد کتابی بهت میگه هیچی نیست، این نور را نادیده بگیرید!!

## challenge

Phonetic	Synonym	Meaning
['tʃælɪndʒ]	summon, defiance, defy	به مبارزه طلبیدن، به چالش گرفتن

کد: چالش

## miniature

Phonetic	Synonym	Meaning
['mɪniətʃər]	little , mini , minute, small , tiny	مینیاتور

## source

Phonetic	Synonym	Meaning
[sɔ:rs]	Origin , root , beginning	منبع، منشاء، سرچشمه

کد: سس منبع تمام چربی هاست!

## excel

Phonetic	Synonym	Meaning
[ɪk'sel]	better , do best , predominate	برتری داشتن، بهتر بودن

کد: نرم افزار اکسل برتری داره و بهتره از بقیه نرم افزارای آفیسه!

## feminine

Phonetic	Synonym	Meaning
['feməni:n]	ladylike , girlish , womanish , delicate	زنان، جنس زن

کد: زنان بیشترشون اهل فومن اند!!

## mount

Phonetic	Synonym	Meaning
[maʊnt]	Climb , ascend, rise , go up	سوار شدن، صعود کردن

کد: با مانتو سوار اسب شد به کوه صعود کرد!

## compete

Phonetic	Synonym	Meaning
[kəm'pi:t]	Challenge , Contend , contest , rival	رقابت کردن، مسابقه دادن

کد: با دوستان همیشه رقابت میکنی که کامپیوترت بهتر باشه!

## dread

Phonetic	Synonym	Meaning
[dred]	fear , be afraid of , quail	ترس، بیم، وحشت

کد ۱: همه ی ما از مرده (dead) میترسیم!  
کد ۲: از آدم دریده باید ترسید!!

## masculine

Phonetic	Synonym	Meaning
['mæskjəlɪn]	male , brave , gallant , manlike , manly , mannish	مردانه

کد: مسکو+لاین!  
خط مسکو به لاین فقط مردانه است!!

## menace

Phonetic	Synonym	Meaning
['menɪs]	threat , danger , hazard , annoyance, nuisance	تهدید، تهدید کردن

کد: (اصفهانی) مین است تهدید کردن تهدید  
تو جبهه داری قدم میزنی یه اصفهانی داد میزنه سر جات وایسا جلوت مین ست !



## tendency

Phonetic	Synonym	Meaning
['tendənsɪ]	inclination , readiness , bias , disposition	علاقه، تمایل، میل، توجه

کد: تند دنسی (dance) علاقه داری تند برقصی!!

## underestimate

Phonetic	Synonym	Meaning
[,ʌndər'estəmit]	minimize , miscalculate , Undervalue	دست کم گرفتن، ناچیز پنداشتن

کد ۱: Understand شدن رو نباید چیزی کمی تخمین زد و نادیده گرفت!  
کد ۲: underestimate = دست کم گرفتن

## victorious

Phonetic	Synonym	Meaning
[vɪk'tɔ:riəs]	Champion , first , Conquering , Undefeated	پیروز، فاتح

کد: ویکتوریا همیشه برنده همیشه!

## numerous

Phonetic	Synonym	Meaning
['nu:mərəs]	many , several , Various	بیشمار، بسیار، زیاد، بزرگ، پرجمعیت

کد ۱: نام روس! بجز نام، جمعیت و وسعت روسیه زیاده!  
کد ۲: نیمروس! (به نیمرو هم میتونید ربطش بدید مثلاً یه آشپزخونه تو شهرتون نیمرو درست کرده به اندازه ی میدون خیلی بزرگ)

## flexible

Phonetic	Synonym	Meaning
['fleksəbəl]	adaptable, Variable, bendable , elastic	خم شو، قابل انعطاف

کد: فولکس ماشین جمع و جوریه و قابل انعطاف که به راحتی خم میشه!

## evidence

Phonetic	Synonym	Meaning
['evədəns]	proof, sign, documentation	شاهد، مدرک جمع کردن

## solitary

Phonetic	Synonym	Meaning
['sɒlə,teri]	alone , lonely , sole , only	گوشه نشین، تنها، انفرادی

کد: زن سلیطه تنها و گوشه گیر بود!

## vision

Phonetic	Synonym	Meaning
['vɪʒən]	eyesight , sight , perception , imagination	قدرت دید، دید، بینایی

کد: بینایی و دید ما ویژه هست.

## frequent

Phonetic	Synonym	Meaning
[fri'kwent]	many , numerous, common , constant , usual	مکرر، پی در پی

## glimpse

Phonetic	Synonym	Meaning
[glɪmpʃ]	glance , peep , peek	دید، نگاه گذرا، نگاه آنی

کد: نگاه آنی تو گلیم! پس یک نگاه اجمالی به ما بیانداز!

## recant

Phonetic	Synonym	Meaning
[ri:'kænt]	late , current , fresh , new	گفته های خود را تکذیب کردن، حرف خود را پس گرفتن

## decade

Phonetic	Synonym	Meaning
['dekeɪd]	ten years	ده ساله، دهه

کد: دهکده ده ساله شد!

## hesitate

Phonetic	Synonym	Meaning
['hezə,teɪt]	be uncertain , delay , be undecided , pause	مردد بودن، دو دل بودن، حس تردید

کد: هی (he) زود ایت (ate) بعضیها وقتی دو دل اند و مردد به یه چیزی همش در حال غذا خوردن هستند!!

## absurd

Phonetic	Synonym	Meaning
[əb'sɜ:rd]	funny , silly, meaningless , Unreasonable	بی منطق، پوچ، مزخرف

کد: تا حالا دیدین کسی با آب سرد چایی درست کنه؟!  
خوب یه چیزی بی معنی و نامعقول و مزخرفه دیگه !

## conflict

Phonetic	Synonym	Meaning
['kɒnflɪkt]	Combat , fight , discord, difference,	درگیری، دعوا، مشاجره

کد: کنفو درگیری داره!

## minority

Phonetic	Synonym	Meaning
[mɪ'nɔ:rəti]	less than half	مینیم

## fiction

Phonetic	Synonym	Meaning
['fɪkʃən]	story , fable , fancy , fantasy	بی اساس، دروغ، خیال، پندار

کد: تو فکرشن (fiction) هنوز نساختنش ولی داستان خیالیه!

## ignite

Phonetic	Synonym	Meaning
[ɪg'naɪt]	Burn , Catch fire , set fire , spark off	آتش زدن، روشن کردن، آتش گرفتن

## abolish

Phonetic	Synonym	Meaning
[ə'bɒlɪʃ]	cancel , destroy , eliminate, put an end to	منسوخ شدن، برانداختن

کد: ی بالش!  
قبلا کسی میومد خونتون یه بالش بهش میدادین ولی الان این مساله کلا منسوخ شده  
چون تنوع مبل و راحتی زیاد شده!

---

## urban

Phonetic	Synonym	Meaning
['ɜ:rbən]	city, civic, town, metropolitan	شهری، مدنی، اهل شهر، شهرنشین

کد: روز اربعین همه شهریا میان بیرون!

---

## population

Phonetic	Synonym	Meaning
[,pɒpjə'leɪʃən]	inhabitant, residents, community	جمعیت

کد: People همشون جمع شن Population درست میشه!

## frank

Phonetic	Synonym	Meaning
[fræŋk]	direct , honest , open , outspoken, truthful	رک

کد: فرانک زن رک گویی است.

## pollute

Phonetic	Synonym	Meaning
[pə'lu:t]	Contaminate , dirty , spoil , stain	آلوده کردن

کد: پولت را آلوده نکن!

## reveal

Phonetic	Synonym	Meaning
[ri'vi:l]	disclose , display , show, announce, broadcast	آشکار کردن، معلوم کردن، فاش کردن

کد: طبق روال (reveal) کاریمون همه چی رو باید معلوم و فاش کنیم!



## prohibit

Phonetic	Synonym	Meaning
[prəu'hɪbɪt]	forbid , inhabit , ban , prevent	ممنوع کردن، تحریم، منع

کد: پُرْهیبِت! (prohibit)  
دختری که پر از هیبت و شکوه بود رو از ورود به شهر ممنوع کردند!

## urgent

Phonetic	Synonym	Meaning
['ɜ:rdʒənt]	Instant , important, critical	ضروری، فوری

کد: تلفظش به اورژانسی شبیه میباشد!

## adequate

Phonetic	Synonym	Meaning
['ædəkwɛɪt]	enough, sufficient, satisfactory	کافی

کد: In Kuwait everything is adequate!  
همه چی تو کویت به اندازه و کافیه!!

## decrease

Phonetic	Synonym	Meaning
[di'kri:s]	diminish , lessen , abate , lower , cut down	کاهش، کاستن

کد: مخالف increase

## audible

Phonetic	Synonym	Meaning
['ɔ:dəbəl]	Clear , loud , distinct , appreciable , able to be heard	شنیدن ، رسا ، قابل شنیدن

کد: Audio صدا رو میشنویم!

## journalist

Phonetic	Synonym	Meaning
['dʒɜ:nəlɪst]	Columnist , Commentator , Correspondent	روزنامه نگار

کد: روزنامه نگارا رو دیدی همشون ژورنال دستشونه!

## famine

Phonetic	Synonym	Meaning
['fæmɪn]	Starvation , Scarcity, Shortage , Hunger	خشکسالی ، قحطی ، کم آبی

کد: فومن چندین بار خشکسالی و قحطی اومده!

## revive

Phonetic	Synonym	Meaning
[rɪ'vaɪv]	animate , recover, restore, Come back to life	زنده شدن ، دوباره روح پیدا کردن

## commence

Phonetic	Synonym	Meaning
[kə'mens]	Begin , Start , initiate	شروع کردن، آغاز کردن

کد: طلا فروشها کارشون رو با طلای کم انس (commence) شروع میکنن!

## observant

Phonetic	Synonym	Meaning
[əb'zɜ:rvənt]	alert , attentive , watchful , perceptive	مراقب، هوشیار

کد: آپ (up) + سروان

اونایی که درجشون بالاتر از سروانه همیشه باید هوشیار و مراقب باشن !

## identify

Phonetic	Synonym	Meaning
[aɪ'dentə,fai]	Know, distinguish, recognize	شناختن، شناسایی کردن

کد: ای دونت یو فاین!

I don't ( know) you fine خوب نمیشناسمت!

## migrate

Phonetic	Synonym	Meaning
['maɪgreɪt]	emigrate , move , immigrate	مهاجرت کردن

کد ۱: مارگارت مهاجرت کرد!

کد ۲: قاچاقی مهاجرت نکن میگیرد (migrate) پلیس!!

## vessel

Phonetic	Synonym	Meaning
['vesəl]	Ship , Boat , Container	رگ، مجرا، لوله، آوند

کد: کار هر نوع رگ و مجرا و لوله وصل (vessel) کرده!

## persist

Phonetic	Synonym	Meaning
[pər'sɪst]	insist , Continue , Carry on , Stand firm	اصرار، پافشاری

## hazy

Phonetic	Synonym	Meaning
['heɪzi]	misty , smoky , cloudy , foggy , Unclear , obscure, vague , Uncertain	مبهم، نامعلوم

کد: هیزی (hazy) و همه رفتارات مبهم و نامعلومه!

## gleam

Phonetic	Synonym	Meaning
[gli:m]	Beam, Brightness, flash , ray	نور دادن، سوسو زدن، سوسو

کد: کف اتاق یک گلیم انداخته ایم. این گلیم با گلیمهای معمولی فرق می کند. این گلیم یک گلیم فوق مدرن است زیرا از آن برای نورپردازی و خلق صحنه های هنری استفاده می شود. به این صورت که در تاریکی مطلق، این گلیم سوسو می زند

## editor

Phonetic	Synonym	Meaning
['editər]	Person Who prepares a publication	ادیتور، ویرایشگر، ویراستار

## unruly

Phonetic	Synonym	Meaning
[ʌn'ru:li]	adversary , competitor , challenger	یاغی، سرکش

کد: Un+rule+y

Rule که میدونید قانون همیشه un پیشوند منفی سازه و y در اینجا صفت سازه که

میشه

## rival

Phonetic	Synonym	Meaning
['raɪvəl]	adversary , competitor , challenger	هم آورد، حریف، رقیب

کد: ریوالدو همیشه تو رقابت با رونالدو بود!!

## violent

Phonetic	Synonym	Meaning
['vaɪələnt]	forceful , brutal , furious , Uncontrollable	شدید، قوی

کد: وای یور لنت!

والای یور لنت (لنت ترمزت) خیلی قویه ترمز که میکنم شدید استوپ میشه ماشین!

## brutal

Phonetic	Synonym	Meaning
['bru:təl]	barbarous , cruel , savage , beastly	وحشی، بی رحم، حیوان، صفت

کد: برو تال (قدبلند = tall)

با یه نفر آدم قد بلند ۲ متری دعوات میشه تو رو حسابی میزنه! تو زورت بهش نمیرسه داد میزنی برو تال (وحشی) برو تال (وحشی)!

## opponent

Phonetic	Synonym	Meaning
[ə'pəʊnənt]	rival , challenger , adversary , antagonist	مخالف، ضد

کد: همون opposite یا مخالف میباشد.

## brawl

Phonetic	Synonym	Meaning
[brɔ:l]	quarrel , argument , battle , fight	دادو بیداد، سروصدا کردن، جنجال

کد: برو علی (brawl) دادو بیداد نکن!

## duplicate

Phonetic	Synonym	Meaning
['du:pləkit]	Copy , facsimile , double	دو نسخه ای، المثنی، تکراری



## vicious

Phonetic	Synonym	Meaning
['viʃəs]	evil , wicked , savage, dangerous	شریر، فاسد، تبه‌کار

کد: تقریباً مثل وحشی اس (به قول اصفهانی‌ها) تلفظ میشه و کسی هم که وحشیه همش دنبال شر میگرده!

## whirl

Phonetic	Synonym	Meaning
[wɜ:rl]	revolve , turn , spin , circle	چرخیدن، چرخش

کد: Very+long  
فکر کن رفتی ورزش کنی یه میدون هست به اندازه ی شهر بزرگ خیلی طولانیه (very long) و همه دارن دورش میچرخن!

## underdog

Phonetic	Synonym	Meaning
['ʌndər,dɒg]	the oppressed	تو سری خور

کد: Under+dog  
سگی که باخته تو دعوا با سگهای دیگه همش رو زمین میشینه (سگهایی که بردن روی تخت میشینن!) و تو سری میخوره!

## thrust

Phonetic	Synonym	Meaning
[θrʌst]	press , push , force , ram	انداختن، پرت کردن، فشار ، نیرو ، زور

کد: شبیه تراس تلفظ میشه!  
یارو مرده رو با فشار و زور از تراس (thrust) پایین انداخت!

## bewildered

Phonetic	Synonym	Meaning
[bi'wɪldəd]	Confused , puzzled , surprised , baffled	گیج کردن، سردر گم کردن

کد: Be+wild(er)  
حیوون وحشی باشه بهتره تا گیج باشه و سر در گمت کنه!

## Expand

Phonetic	Synonym	Meaning
[ɪk'spænd]	increase , enlarge, develop, extend	گسترش یافتن، پهن کردن، توسعه دادن

کد: اکس تو کشور پهن و پخششده دیگه! (expand)

## alter

Phonetic	Synonym	Meaning
[ˈɔːltər]	change , adapt , adjust , vary , modify	جابجا کردن، تغییر دادن

کد: التر رو با والتر جابجا کن تو خط حمله !

## mature

Phonetic	Synonym	Meaning
[məˈtʊər]	ripe , full-grown , complete , Well-thought-out	رشد کردن، بالغ

کد: ماه چهر = ماه چهره = mature  
آدم وقتی بالغ و کامل باشه رشد میکنه و ماه چهره س!

## sacred

Phonetic	Synonym	Meaning
[ˈseɪkrɪd]	Holy , Blessed , divine , religious	مقدس، روحانی، خاص

کد: کافیه اینجوری بخونیدش: secret  
خوب آدم همیشه رازشو (secret) به انسانهای مقدس (sacred) میگه دیگه!

## revise

Phonetic	Synonym	Meaning
[rɪ'vaɪz]	change , alter , correct , update , edit , reconsider	اصلاح کردن، تجدید نظر کردن

کد: ریواس!

ریواسهای حیاطمون اصلا خوب نیستن باید اصلاح شن حتما!

## pledge

Phonetic	Synonym	Meaning
[pledʒ]	promise , bond , assurance , guarantee, oath	گروگان گرفتن، در گرو، ضمانت

کد: دوستم با خانومش رفته بود پلاژ بانوان کیش... دوستم هم رفته بود داخل مامورها  
گروگان گرفته بودنش که چرا داخل محوطه بانوان رفته!

## casual

Phonetic	Synonym	Meaning
['kæʒʊəl]	chance, random accidental	اتفاقی، تصادفی، مشتری

کد: خیاطی کژال رو به طور اتفاقی سر کوچمون دیدم!

## pursue

Phonetic	Synonym	Meaning
[pər'su:]	follow , carry on , keep on	تعقیب کردن، دنبال کردن

کد: چشمات خیلی پرسوءِ (pursue) از طرف پلیس بین الملل میان دنبالت می‌گن  
بیا استخدامت کنیم دیگران رو تعقیب و دنبال کن (انقد چشمات پرسوء که تا ۱۰  
کیلومتر رو راحت میبینی و تعقیب میکنی)!!

## unanimous

Phonetic	Synonym	Meaning
[ju:'nænəməs]	one , in accord , united , harmonious	همدل ، یکسو ، همراه ، هم رای

کد: یونان و مصر از همون اول با هم همدل و همراه بودن!

## fortunate

Phonetic	Synonym	Meaning
['fɔ:rtʃənɪt]	lucky , advantageous , successful	خوشبخت، خوش شانس، خوشحال

کد: پرچونه (fortunate) دقت کردین اون دوستایی که خیلی پرچونه هستند خوش  
شانس ترند و آخرش از همه خوشبخت تر میشن؟!

## pioneer

Phonetic	Synonym	Meaning
[,paɪə'niər]	leader , innovator , pacemaker	پیشقدم، پیشگام

کد: پای نیره همیشه جلوست پیشقدمه (ی پاش دو متر از خودش جلوتر میره!)

## innovator

Phonetic	Synonym	Meaning
['ɪnə'veɪtər]	fresh , clever , inventive , modernizing	نو آور ، بدعت گذار

## slender

Phonetic	Synonym	Meaning
['slendər]	thin , slim , slight , little	بلند، باریک، ضعیف

کد: ایسلند یا بلند قد و باریک و ضعیف اند!

## surpass

Phonetic	Synonym	Meaning
[sər'pæs]	better , exceed, leave behind	پیش افتادن از، بهتر بودن از

کد: پیشوند sur در برخی مواقع معنی super رو میدهد، با توجه به این نکته و اینکه هممون با معنی pass آشنا هستیم، حالا با کنار هم گذاشتن super و pass میتونیم، behind Leave رو برای خودمون تداعی کنیم.

## vast

Phonetic	Synonym	Meaning
[væst]	great , enormous , huge , massive , tremendous	وسیع، پهناور، عظیم

کد: هر چی داری بریزی وسط (vast) یه چیز عظیم و پهناوری درست میشه!

## doubt

Phonetic	Synonym	Meaning
[daʊt]	Be Uncertain , distrust	شک و شبهه ، تردید

کد: شک داشتم دات (doubt) کام (com) بزارم یا دات آی آر (ir)

## capacity

Phonetic	Synonym	Meaning
[kə'pæsəti]	size , volume , ability , capability	ظرفیت، گنجایش

کد: کاپ سیتی!

والیبالیستهای ما شهرو پر از کاپ کردن که دیگه جا نداره و ظرفیت پره!

## penetrate

Phonetic	Synonym	Meaning
['penə,treit]	enter , infiltrate , bore, understand, grasp , seep	نفوذ کردن، داخل کردن

کد: Pen+interate

فرو کردن خودکار تو دست کسی کار درستینست

## pierce

Phonetic	Synonym	Meaning
[piərs]	perforate , bore , enter, penetrate	شکافتن، سوراخ کردن، فرو بردن نوک خنجر

کد: پیراس (pierce) تو اصفهان یه مرد پیراس (پیرمرد) که نمیتونه نفس بکشه نوک خنجر و فرو کردن تو گلوش و کل بدنشو شکافتن و سوراخ سوراخ کردن که بتونه تنفس کنه!



## accurate

Phonetic	Synonym	Meaning
['ækjərɪt]	correct , exact , right , precise	دقیق، صحیح، دقت

کد: اه کورید؟! !!

تو یه شرکت تولیدی کار میکنی یه لحظه حواست پرت میشه از کنار دستگاه رد میشی پات به سیم میخوره و دستگاه خراب میشه! مدیر عامل تو و دوستتو صدا میکنه میگه: اه کورید (accurate)؟! چرا دقت نمیکنید؟

## microscope

Phonetic	Synonym	Meaning
['maɪkrə,skəʊp]	an instrument with a lens for making objects larger so that one will be able to see them	میکروسکوپ

## grateful

Phonetic	Synonym	Meaning
['greɪtʃəl]	thankful , appreciative , obliged	سپاسگزار، ممنون، متشکر

## cautious

Phonetic	Synonym	Meaning
['kɔːʃəs]	careful , guarded , watchful , alert	هوشیار، مواظب

کد: Caution! کوشن؟؟  
فکر کن چندتا دزد حرفه ای گرفتن دادن دست تو بعد میان میبینن کسی نیست و  
دزدا در رفتن! بهت میگن کوشن پس؟ چرا مراقبت نکردی؟ حواست کجا بوده؟

## confident

Phonetic	Synonym	Meaning
['kɒnfədənt]	certain , assured , sure , self-confident	مطمئن، دلگرم

## appeal

Phonetic	Synonym	Meaning
[ə'pi:l]	attraction , charm , beauty , apply , ask , beg	درخواست، التماس

کد: از شرکت apple التماس میکنم یه آیفون بده به من!

## addict

Phonetic	Synonym	Meaning
[ə'dɪkt]	adherent , buff , enthusiast , fan	معتاد، اعتیاد، عادت

کد: عادی+گت!

یه معتاد در حالت عادی وقتی کت شلوار میپوشه کتش رو میزاره تو شلوارش!!

## wary

Phonetic	Synonym	Meaning
['weəri]	Cautious , attentive, Watchful	احتیاط، بسیار محتاط

کد: war که میشه جنگ، درسته؟ پس کسی که میره جنگ باید خیلی احتیاط کنه!

## aware

Phonetic	Synonym	Meaning
[ə'weər]	Knowing , realizing , awake , Conscious	آگاه

کد: اون آواره از همه چیز آگاه است

## misfortune

Phonetic	Synonym	Meaning
[mis'fɔ:rtʃən]	bad luck , ill-lucked , grief , disaster , tragedy	بدبخت، بدشانس

کد: Mis پیشوند منفی سازه. به کلمه ی fortunate مراجعه کنید! (اونایی که پرچونه اند خیلی خوش شانسن و آخرشم خوشبخت میشن)!

## avoid

Phonetic	Synonym	Meaning
[ə'vɔɪd]	Abstain from , avert , escape , evade , prevent	اجتناب کردن

کد: ای ووووووی داوود چرا از خوردن داروهات اجتناب کردی؟

## wretched

Phonetic	Synonym	Meaning
['retʃɪd]	miserable , pitiful, Unfortunate	پست، بدبخت، بیچاره، ضعیف حال

کد: اینجور کدبندی کنیم لغت رو rich = ثروتمند! آدمی که ثروتمند باشه باید به بدبختها کمک کنه!

پس تو ذهنت اینوداشته باش: Wretched # rich

## keg

Phonetic	Synonym	Meaning
[ke'g]	Barrel	چیز ناقابل

کد: این کیک ناقابل!

## nourish

Phonetic	Synonym	Meaning
['nʌrɪʃ]	feed , nurture , foster , support	غذا دادن، قوت دادن

کد: No+rish محرمه ی مسجد دارن نذری میدن جلوش یه تابلوی بزرگ زدن  
no rish یعنی کسایی که وارد میشن ریش نداشته باشن، چون غذا بهشون نمیدیم!

## harsh

Phonetic	Synonym	Meaning
[hɑ:rʃ]	rough , coarse , Unpleasant , severe , cruel	درشت، خشن، زننده

کد: هاری شدید!  
یه سریها هاری شدید گرفتن که عوارضش کلا فرق داره تو این هاری آدما به شدت  
درشت و خشن و زننده میشن!

## quantify

Phonetic	Synonym	Meaning
['kwɒntə,faɪ]	amount , sum , total	مقداری، کمیت را معلوم کردن

کد: کوانتومی!

## opt

Phonetic	Synonym	Meaning
ɒ[pt]	choose , select , pick	انتخاب کردن، برگزیدن

کد: فعلِ option

## tragedy

Phonetic	Synonym	Meaning
['trædzɪdɪ]	Unhappiness , misfortune , disaster, adversity	تراژدی، نمایش حزن انگیز

## pedestrian

Phonetic	Synonym	Meaning
[pə'destriən]	foot-traveler , walker	پیاده ، وابسته به پیاده روی

کد: پیاده ست ریحان!

## glance

Phonetic	Synonym	Meaning
[glæns]	glimpse , look , peek , peep, Browse , Skim	نگاه سریع، برانداز کردن

کد: یک نگاه سریع به این الگانس ببینداز

## budget

Phonetic	Synonym	Meaning
['bʌdʒɪt]	allowance , cost , finance , funds	بودجه

کد: با جِت آمد تا بودجه را تقسیم کند.

## nimble

Phonetic	Synonym	Meaning
['nɪmbəl]	agile , active , quick , alert, light-footed	چست و چابک ، زرنگ ، فرز

کد: نیم+بیل!

یه انسان غیر طبیعی میبینی که نصفش آدمه و نصفش بيله! خیلی فرزه بالا پایین میپره و این ور اونور میدوئه!

## manipulate

Phonetic	Synonym	Meaning
[mə'nɪpjə,leɪt]	Handle , treat skillfully	اداره کردن، دست به عمل شدن

کد: مانی پولتو بردار برو خودتو اداره کن و دست به عمل شو!

## reckless

Phonetic	Synonym	Meaning
['reklɪs]	daring , careless , heedless , hasty , mindless , wild	بی پروا، بی باک، بی ملاحظه، بی اعتنا

کد: به قول اصفهانیا کسی که رُکس! (reckless) بی پرواست



## horrid

Phonetic	Synonym	Meaning
['hɔ:ɾɪd]	terrible , frightful , awful , dreadful , Horrible	وحشتناک، ترسناک

کد: هارید؟! قیافه هاتون خیلی ترسناک شده بعد از هاری گرفتن!

## rave

Phonetic	Synonym	Meaning
[reɪv]	rage , roar , babble , ramble	دیوانه شدن، غوغا ، جارو جنجال راه انداختن

کد: راوی (نقل کننده داستان) غوغا به پا کرد!

## economical

Phonetic	Synonym	Meaning
[,i:kə'nɒmɪkəl]	frugal , thrifty , provident , labor-saving	اقتصادی

## lubricate

Phonetic	Synonym	Meaning
['lu:brə,keɪt]	grease , oil , anoint	روان سازنده، چرب کردن، لیز کردن

## ingenious

Phonetic	Synonym	Meaning
[ɪn'dʒi:njəs]	inventive , clever , adroit , creative	دارای قوه ی ابتکار، هوش، مخترع

کد: تلفظش خیلی شبیه (engineer) مهندسه!  
و میدونیم که همه مهندسا هوش و نبوغ دارن و همشون هم مخترع اند!

## harvest

Phonetic	Synonym	Meaning
['hɑ:rɪvɪst]	Collection crop , Harvest-time , Harvesting , produce	خرمن، محصول، هنگام درو، نتیجه، حاصل

کد: هر + وسط  
هر چی هست بریز وسط یه خرمن درست کنیم!

## abundant

Phonetic	Synonym	Meaning
[ə'bʌndənt]	ample , in plenty , plentiful	بسیار فراوان، وافر

کد ۱: آبادان شهره وفور!!  
کد ۲: متولیدین آبان ماه زیادند!

## uneasy

Phonetic	Synonym	Meaning
[ʌn'i:zi]	impatient , nervous , Unquiet	ناراحت، مضطرب، پریشان

کد: un پیشوند منفی سازه! Easy که همه میدونن میشه راحت و آسان، پس uneasy معنی مخالفشو داره.

## calculate

Phonetic	Synonym	Meaning
['kælkjə,leɪt]	Compute , count estimate , reckon	حساب کردن

کد: کل کل کردن! بچه ها سر حساب کردن کل کل میکنند!

## absorb

Phonetic	Synonym	Meaning
[əb'zɔ:rb]	assimilate , consume , take in , suck up	جذب کردن، فروبردن

کد: آب سرب رو به خودش جذب میکنه!

## estimate

Phonetic	Synonym	Meaning
['estəmit]	assessment , computation , estimation	تخمین زدن ، ارزیابی کردن، برآورد کردن

کد: اس تیمته!!(استقلال)  
اگه اس تیمته برآورد کن و گل زدنشونو تخمین بزنی!

## morsel

Phonetic	Synonym	Meaning
['mɔ:rsəl]	bite , bit , Slice , piece , crumb mouthful	لقمه، تکه، یک لقمه غذا

کد: اون لقمه مال رسوله بده بهش!

## quota

Phonetic	Synonym	Meaning
['kwɒtə]	Cut , share , portion , allocation	سهمیه، سهم

کد: به دوستت میگی کوووو تا سهم یارانه ی مارو بدن!!

## threat

Phonetic	Synonym	Meaning
[əret]	danger , hazard , peril , warning , risk	تهدید، تهدید کردن

کد: تیلیت!!  
آبگوشتو زیاد تیلیت نکن تهدیده واسه قلبت!!

## ban

Phonetic	Synonym	Meaning
[bæn]	prohibit , disallow, forbid interdict	قدغن ، بازداشتن، ممنوع کردن

کد: قبلا تو بهم زلزله اومد همه بن شدن از رفتن به بم؟

## panic

Phonetic	Synonym	Meaning
['pænik]	alarm , fear , horror, Scare	وحشت، ترس، اضطراب

کد: پنکه!

فکر کن از پنکه آویزونت کنن چه حسی بهت دست میده؟! ترس!

## appropriate

Phonetic	Synonym	Meaning
[ə'prəʊpriɪt]	proper , relevant , suitable	اختصاص دادن، برای خود برداشتن

## emerge

Phonetic	Synonym	Meaning
[ɪ'mɜ:rdʒ]	Come out , Come up , turn up	پدیدار شدن، بیرون آمدن

کد: معراج!

همه منتظرید کنار کوه تا معراج از غار بیاد بیرون و ببینیدش!

## jagged

Phonetic	Synonym	Meaning
['dʒæɡɪd]	barbed pointed , toothed , rough	دندانه دار، ناهموار

کد: فکر کنید یه ژاکت (jagged) پوشیدی انقد ناهموار و دندانه داره که میخوای خفه شی!

## linger

Phonetic	Synonym	Meaning
['lɪŋgə]	wait , stay , dally , idle , remain	مردد، منتظر ماندن، درنگ کردن

کد: لنگر!  
داری میرسی به ساحل شک داری که کجا لنگر بندازی!

## ambush

Phonetic	Synonym	Meaning
['æmbuʃ]	trap , hiding , waylaying	کمین کردن

کد: عمو بوش!! همش کمین کرده کی به ایران حمله کنه!

## crafty

Phonetic	Synonym	Meaning
['kræftɪ]	tricky , sly , cunning , shrewd	حيله گر، فریبنده ، با مهارت

کد: کجا رفتی؟ (crafty) باز! چقد حيله گری!!

## defiant

Phonetic	Synonym	Meaning
[dɪ'faɪənt]	aggressive , bold , darling , challenging	جسور، مبارز

## vigor

Phonetic	Synonym	Meaning
['vɪgər]	strength , activity, energy , force	قدرت، نیرو، توان، زور

کد: اونایی که فیگور میگیرند زورشون زیاده!



## perish

Phonetic	Synonym	Meaning
['perɪʃ]	expire , collapse , pass away , die	مردن، هلاک شدن

کد ۱: پریشون و نگرانه از مردن و هلاک شدن میترسه!  
کد ۲: آدم تو دوران پریش به هلاکت میرسه!

## fragile

Phonetic	Synonym	Meaning
['frædʒəl]	Breakable , brittle, Crisp , frail , weak	شکننده ، ترد و نازک

کد: شکستنی فرجایل  
یه مغازه بلوری و شکستنی میبینی روش نوشته شکستنی فرجعی!!!

## captive

Phonetic	Synonym	Meaning
['kæptɪv]	caged , confined , imprisoned , prisoner	اسیر، گرفتار

کد: Cup of tea  
فکر کن اسیرت کردن هرچی میگی فقط cup of tea کسی بهت اهمیت نمیده!

## prosper

Phonetic	Synonym	Meaning
['prɒspər]	Succeed , thrive , advanced , Bloom , flourish	کامکار شدن ، پیشرفت کردن ، موفق شدن

کد: پر سوپور!  
شهری که پر از سوپور باشه به موفقیت میرسه و پیشرفت میکنه!

## devour

Phonetic	Synonym	Meaning
[di'vaʊr]	eat , swallow , consume , gormandize	بلعیدن ، حریصانه خوردن

کد: دیوار!  
دیوار خونمون خیلی آب میبلعه و جذب خودش میکنه!

## plea

Phonetic	Synonym	Meaning
[pli:]	petition , defense, request	درخواست ، دادخواست، منازعه ، تقاضا

کد: همون please میشه!

## weary

Phonetic	Synonym	Meaning
['wiəri]	very tired , fatigued , exhausted	خسته ، بیزار ، کسل شدن

کد: (wear) پوشیدن  
اگه تا یک سال یه لباس بیوشی لباس تکراری میشه و مردم ازت خسته میشن و  
کسل کننده میشی!

## collide

Phonetic	Synonym	Meaning
[kə'laɪd]	Crash , bump , Clash , Smash	تصادف کردن ، به هم خوردن

کد ۱: کلایدر من و اسپایرمن به هم خوردن تصادف کردن!  
کد ۲: با کلید ماشین (سوئیچ) نباید موقع رانندگی بازی کرد چون باعث تصادف میشه.

## verify

Phonetic	Synonym	Meaning
['verə,fai]	Corroborate , Confirm , Validate , prove	وارسی کردن ، بازبینی کردن

کد: وارسی

## anticipate

Phonetic	Synonym	Meaning
[æn'tɪsə,peɪt]	look forward to , expect , foresee	پیش بینی کردن

کد: آن + تی (چای = tea) + ۳۰ + فوت (واحد اندازه گیری)  
معنی: با دوستانتون نشستید یه جعبه کارتون چای جلوتونه هرکی یه پیش بینی میکنه  
حجمش چقدره؟! یدفعه یکی میگه: آن تی سی فوته! (anticipate)

## dilemma

Phonetic	Synonym	Meaning
[dɪ'lemə]	difficulty , perplexity , plight	معمای پیچیده، وضعیت دشوار

کد: به قول افغانیا دیل ما (دل ما)!  
افغانیا میگن دیل ما میخواد ازین وضعیت دشوار دربیایم! و مسئله ی چندینو چندساله  
ی کشورمون حل بشه!

## merit

Phonetic	Synonym	Meaning
['merɪt]	advantage , asset, Goodness	سزاوار، شایستگی، لیاقت

کد: مریت (مِری تو)  
مریت (مِری تو) از شایسته ترین قسمت‌های بدنته!

## detour

Phonetic	Synonym	Meaning
['di:tʊr]	Byroad , Byway , Bypass , Bypass	انحراف، منحرف شدن

کد: d+tourist

دقت کردین همیشه توریستها از راه اصلی منحرف میشن و جاده انحرافی رو میرن چون نمیشناسن خوب جاده رو؟

## confirm

Phonetic	Synonym	Meaning
[kən'fɜ:rm]	ratify , approve , Corroborate , Verify , prove , make certain	تایید کردن، تصدیق کردن

## transmit

Phonetic	Synonym	Meaning
[trænz'mɪt]	Carry , broadcast	انتقال دادن، عبور دادن، فرستادن

کد: تریلیهای ترانزیت کارشون چیه؟! انتقال دادن بار از جایی به جایی دیگه.

## relieve

Phonetic	Synonym	Meaning
[rɪ'li:v]	make less, release free , ease , calm , Comfort	خلاص شدن از درد، تسکین، کاهش دهن

کد: Re+live

فکر کن دوباره متولد شی! از همه دردا خلاص میشی و خیالت راحت و آسوده است که از دردا کم شده!

## baffle

Phonetic	Synonym	Meaning
['bæfəl]	puzzle , perplex , bewilder , amaze , astound	گیج کردن، گمراه کردن

کد: بوفالو رو باید گیج و گمراهش کنی که بهت ضربه نزنه!

## warden

Phonetic	Synonym	Meaning
['wɔ:rdən]	Keeper , guard , administrator , governor	نگهبان، سرپرست، ناظر

کد: سرپرست ها و نگهبانها خیلی واردن (warden) و مهارت دارن به کارشون!!

## acknowledge

Phonetic	Synonym	Meaning
[æk'nɒlɪdʒ]	admit , accept , avow Confess , recognize	تصدیق کردن، تایید کردن

## justice

Phonetic	Synonym	Meaning
['dʒʌstɪs]	fairness , justness, legitimacy , rightfulness	عدالت، انصاف

کد: just+true!

## delinquent

Phonetic	Synonym	Meaning
[dɪ'lɪŋkwənt]	Offender , Criminal , Careless , neglectful	متخلف، مرتکب، جنایت

## reject

Phonetic	Synonym	Meaning
[rɪ'dʒekt]	refuse , disallow , eliminate , repel , veto	رد کردن و نپذیرفتن

## deprive

Phonetic	Synonym	Meaning
[dɪ'praɪv]	denude , dispossess , rob	محروم کردن، بی بهره کردن

De+private (خصوصی) کد:

دوستت میاد به وسیله های خصوصیت دست میزنه تو deprive اش میکنی از اومدن به خونتون!

## spouse

Phonetic	Synonym	Meaning
[spaʊs]	mate , wife , husband , better , half	همسر، زن یا شوهر

کد: (اسی+پز)

چرا انقدر اسی پز همسرشو واسه ما میده هااا!؟!



## vocation

Phonetic	Synonym	Meaning
[vəʊ'keɪʃən]	profession , Occupation , business , job , work , trade	شغل ، کسب و کار

## unstable

Phonetic	Synonym	Meaning
[ʌn'steɪbəl]	changeable , Unpredictable , Unsteady	بی پایه ، بی ثبات ، لرزان

کد:اون+استبل(استبل برای اسب)!

اون استبلی که شما درست کردین بی پایه و بی ثباته چون همش میلرزه!

## homicide

Phonetic	Synonym	Meaning
['hɒmɪ,sɑɪd]	murder , killing , slaying	قتل، آدم کشی

کد: حامی سعید رو کشت!

## penalize

Phonetic	Synonym	Meaning
['pi:nə,laɪz]	punish , Correct , discipline	تاوان، جریمه، تنبيه کردن

کد: تو محوطه ی جریمه کسی خطا کنه تاوانش پنالتیه!

## beneficiary

Phonetic	Synonym	Meaning
[,benə'fɪʃɪ,erɪ]	heir , heiress , inheritor	ذینفع ، بهره بردار

کد: به نفعش داری (beneficiary) کار میکنی! حتما ذینفعشی!

## reptile

Phonetic	Synonym	Meaning
['reptail]	Crocodile , lizard , newt	حیوان خزنده ، آدم پست

## rarely

Phonetic	Synonym	Meaning
['reərli]	seldom , hardly , infrequently	به ندرت، خیلی کم

کد: رو ریلی!

واسه آدم خیلی کم پیش میاد که رو ریل باشه (منظور با قطار به مسافرت بره هر ماه یا هر هفته) در کل واسه همه به ندرت این اتفاق میفته!

## forbid

Phonetic	Synonym	Meaning
[fər'bid]	prohibit , ban , inhibit , prevent	ممنوع کردن، اجازه ندادن، قدغن کردن

کد: ۴ بید!

۴ تا درخت بید تو محل دارید که قدغن کردن کسی بهش نزدیک بشه! ممنوعه این کار!

## logical

Phonetic	Synonym	Meaning
['lɒdʒɪkəl]	analytical , reasonable , wise	منطقی

کد: لا+جیک!

بین چند نفر عرب نشستی که چوب و چماق دستشونه بهت میگن لاجیک (logical) (صدات در نیادا!). پس منطقیه که حرف نزنی!

## exhibit

Phonetic	Synonym	Meaning
[ɪg'zɪbɪt]	display , show , reveal , offer , exhibition	نمایش دادن ، در معرض نمایش گذاشتن

کد: اکسی بید!

اکسی بود که اکس خورده بود و نمایش در میاورد تو کوچه !

## proceed

Phonetic	Synonym	Meaning
[prə'si:d]	advance , act , Carry on	حرکت کردن ، پیش رفتن

کد ۱: پروسه ی شرکت خیلی خوب پیشرفت میکنه.

کد ۲: از من پرسید و گذاشت رفت!

## precaution

Phonetic	Synonym	Meaning
[prɪ'kɔ:ʃən]	Caution , Prudence	احتیاط کردن، پیش بینی کردن

کد: Pre+caution

پری+کاشان پری جان رفتی کاشان احتیاط کن!!

## extract

Phonetic	Synonym	Meaning
[ɪk'strækt]	extort , elicit , evoke , draw , out	استخراج کردن ، خارج کردن

کد: اکس+تو+رگ!!

رفتم پیش دوستم هر چی قرص اکس زده بود تو رگش بیرون کشیدم!!

## prior

Phonetic	Synonym	Meaning
['praɪər]	previous , precedent , anterior , former	مقدم، اولی، پیشتاز

کد: پیر+یار!

کسی که به پیرها کمک میکنه مقدم و پیشتاز بر همه است در اون دنیا!

## embrace

Phonetic	Synonym	Meaning
[ɪm'breɪs]	Claps , Cuddle , Huge	بغل کردن، در آغوش گرفتن، آغوش

کد: امبرِس !!

اصفهانیه بهت میگه اون که تو بغلت گرفتی امبرس (انبره)!

## valiant

Phonetic	Synonym	Meaning
['væljənt]	Brave , Courageous , Unafraid , fearless	شجاع ، دلاور

کد: والیان از همه شجاع تره!

## partial

Phonetic	Synonym	Meaning
['pɑ:rʃəl]	incomplete , fractional , imperfect	طرفدار ، علاقه مند

کد: پارشال از مارشال طرفدارش کمتره!

## fierce

Phonetic	Synonym	Meaning
[fiərs]	aggressive, savage, wild	درنده ، حریص ، خشم آلود

کد: فرزا!

انقدر فرز بود و خشمگین که حریصانه اونو درید!

## detest

Phonetic	Synonym	Meaning
[dɪ'test]	Hate , abhor , abominate , dislike	نفرت کردن ، تنفر داشتن از ، بیزار بودن

## sneer

Phonetic	Synonym	Meaning
[sniər]	derision , gibe , jeer , Scoff , deride , Scorn	مسخره کردن، تمسخر ، پوزخند زدن

کد: اوس نریمان (sneer)  
اوستا نریمان همه رو مسخره میکنه با اینکه خودش مسخرس!

## scowl

Phonetic	Synonym	Meaning
[skaʊl]	frown , glare , grimace , lower	اخم، ترش رویی، اخم کردن، ابرو درهم کشی

کد: هر موقع میرفتیم اسکول (school) اخمها در هم بود!!

## encourage

Phonetic	Synonym	Meaning
[ɪn'kʌrɪdʒ]	Hearten , Cheer , nerve , Comfort	تشویق کردن، دلگرم کردن

کد: این کرج!  
بچه های کرج همیشه باید تشویق شن!

## consider

Phonetic	Synonym	Meaning
[kən'sɪdər]	regard , examine , study , Contemplate	ملاحظه کردن، تفکر کردن

کد: Can see door!  
حالا که دارم فکر میکنم و دقت میکنم میتونم در رو ببینم!

## vermin

Phonetic	Synonym	Meaning
['vɜ:rmin]	parasites , pests	جانوران و حشرات موذی، جانور افت

کد: تو شهر ورامین (vermin) جانوران و حشرات موذی زیادند!



## wail

Phonetic	Synonym	Meaning
[weɪl]	weep , cry , whimper , Blubber	نالہ ، شیون ، ماتم گرفتن، نالہ کردن

کد: ویالون ساز غمگینه که هر موقع استفاده میشه صدای ناله میاد.

## symbol

Phonetic	Synonym	Meaning
['sɪmbəl]	Badge , emblem , logo , token	نشان ، علامت

## authority

Phonetic	Synonym	Meaning
[ə'ɒ:rəti]	power , dominion, Right, authorization	اختیار، اجازه ، قدرت

کد: اسارتی!

هیچ کسی نمیتونه بهت بگه اسارتی ! یعنی اجازه و اختیارشو نداره بگه!

## neutral

Phonetic	Synonym	Meaning
['nu:trəl]	impartial , indifferent , disinterested	خنثی ، بی طرف

کد: تو علم شیمی یه الکترون داریم یه پروتن یه نوترون  
که نوترون خنثی است (neutron)

## trifle

Phonetic	Synonym	Meaning
['traɪfəl]	little , bit , dash , drop , jot	کم بها ، ناچیز ، بازیچه قرار دادن

کد: برج ایفل رو که میشناسی؟؟ یه برج کنارش هست به نام تریفل! که ناچیزه و  
قیمتشم کمه و بازیچه ی برج ایفله!

## architect

Phonetic	Synonym	Meaning
['ɑ:rkɪ,tekt]	engineer , Creator, designer	معمار، معماری کردن

کد: ارک + تک  
این مهندس معماره ارک(آپن) میزنه که تو دنیا تکه!

## matrimony

Phonetic	Synonym	Meaning
['mætrə,məʊni]	marriage , nuptials , wedlock	ازدواج، نکاح، زناشویی، عروسی

کد: اگه ازدواج کنی متری مانی (پول) در میاری!  
صبح پاشی میبینی ۵۰ متر تراول ۵۰ تومنی تو اتاقته!

## baggage

Phonetic	Synonym	Meaning
['bæɡɪdʒ]	bags , belonging , luggage, suitcase	بار و بنه مسافر ، بار سفر

کد: میخوای بری مسافرت، هر چی اسباب و بارو بنه داری میزاری تو کیف (bag) و راهی میشی!!

## squander

Phonetic	Synonym	Meaning
['skwɒndər]	waste , lavish , Consume	ولخرج، تلف کردن، اسراف کردن

کد: اسکندر (squander) ولخرج و و اسراف کار بود!

## abroad

Phonetic	Synonym	Meaning
[ə'brɔ:d]	Overseas , in foreign parts , out of country	خارج، خارج از کشور، وسیع

کد: آب رود (abroad)!!  
آب رودهای ایران به خارج از کشور میره!

## fugitive

Phonetic	Synonym	Meaning
['fju:dʒɪtɪv]	escape , runaway, refugee	فراری، تبعیدی

کد: تعداد کمی (few) فراری خودشونو به شکل هواپیما جت (gitive) درآوردن و بالای خونه ی شما تبعید شدن همش دارن میچرخن تو هوا و سرو صدا میکنن!!!

## calamity

Phonetic	Synonym	Meaning
[kə'læmətɪ]	disaster , catastrophe , adversity	بلا، بدبختی، بیجارگی، مصیبت

## pauper

Phonetic	Synonym	Meaning
['pɔ:pər]	beggar , tramp , cadger , sponger	گدا ، بینوا

کد: گداها تو این سرما پاپر(پابرهنه) میگردند حتی تو برف!

## envy

Phonetic	Synonym	Meaning
['envi]	jealously , covetousness , covet , begrudge	حسادت ، رشک

کد: n تا ویروس (envy)

دوستت کامپیوترش n تا ویروس داره هر موقع میاد پیشت ویروسا دنبالشن! بهت حسودیش میشه که کامپیوترت ویروس نداره همش میخواد چندتا ویروس پرت کنه تو سیستمتم!!

## collapse

Phonetic	Synonym	Meaning
[kə'laeps]	Breakdown , downfall , fail in	غش کردن، سقوط کردن، متلاشی شدن

کد: کلا پسته بخوری متلاشی میشی! حالت بد میشه و غش میکنی!

## prosecute

Phonetic	Synonym	Meaning
['prɒsə,kju:t]	Sure , Bring to trial , litigate , Carry on	تحت تعقیب، دنبال کردن، پیگرد قانونی

کد: پرسکوت! (پراز سکوت)  
دزدی که فرار کرده بود پرسکوت (با ساکتی و آرامی تمام) پلیس ها دنبالشن و تعقیبش میکنند!

## bigamy

Phonetic	Synonym	Meaning
['bɪgəmi]	Having two wives or two husbands	دو زن داری ، دو شوهر داری

کد: دو زن (یا شوهر) داری بی گمی (بی غمی !!) !

## possible

Phonetic	Synonym	Meaning
['pɒsəbəl]	probable , likely	مقدور ، امکان داشتن

کد: پاس+بیل  
آیا امکان داره تو بازی فوتبال بیل بهت پاس بده؟؟؟!!

## compel

Phonetic	Synonym	Meaning
[kəm'pel]	force , oblige	مجبور کردن، وادار کردن

کد: دولت اهالی شهر دو وادار کرده کمپلت (complete = کامل) بزنی بیرون!

## awkward

Phonetic	Synonym	Meaning
['ɔ:kwərd]	Clumsy , embarrassing , Unpleasant	زشت، خامکار، ناشی

کد: آکسفورد

یه همسایه پیرزن زشت داریم از دانشگاه آکسفورد اومدن دنبالش چون هرچی زشت و ناشی تو دنیا هست اکسفورد درس میخونن!!

## venture

Phonetic	Synonym	Meaning
['ventʃər]	risk , endanger , hazard , dare	جرات، مخاطره، جسارت

کد: جرات داری ماشین مارو پنجر(ونچر پینجر) کنی موقعی که حرکت میکنه!؟

## awesome

Phonetic	Synonym	Meaning
['ɔ:səm]	amazing , awful , wonderful	هیبت ، حرمت ، وحشت آور

کد: آسمان!

همه در مورد هیبت و حرمت و وحشتناک بودن آسمون میدونن لازم به توضیح نیست!

## guide

Phonetic	Synonym	Meaning
[gaɪd]	leader , counselor, lead , conduct	راهنما، رهبر، راهنمایی کردن

کد: یاد کلمه ی god میفتیم که راهنما و رهبر همه چیز و همه کسه!

## quench

Phonetic	Synonym	Meaning
[kwentʃ]	quell , extinguish , suppress	فرونشاندن ، دفع کردن

کد: کنج! (quench)

رفتم کنج اتاق نشستم خشمم رو دفع کردم!



## betray

Phonetic	Synonym	Meaning
[bɪ'treɪ]	mislead , deceive	خیانت کردن، فاش کردن، آشکار کردن

کد: باتری!

باتری رو از جیبم برداشت و رفت بیرون فاش کرد و بهم خیانت کرد!

## utter

Phonetic	Synonym	Meaning
['ʌtər]	Speak , express , say , make known	مطلق، کامل، گفتن، به زبان آوردن

کد: آتاری (utter)

بچه ها وقتی آتاری بازی میکنند باید سکوت مطلق باشه! چقدرهم با هم جرو بحث میکنند و چرند و پرند به زبون میارن!

## pacify

Phonetic	Synonym	Meaning
['pæsə,fai]	Calm , quiet , allay	آرام کردن، تسکین دادن

## respond

Phonetic	Synonym	Meaning
[rɪ'spɒnd]	answer , reply	پاسخ دادن ، واکنش نشان دادن

کد: ریز پوند! (respond)  
چند تا ریز پوند (پوند) بهش دادم چون به سوالم پاسخ داد!

## beckon

Phonetic	Synonym	Meaning
['bekən]	attract , invite	اشاره ، اشاره کردن با دست و صدا زدن

کد: بهش اشاره بکن بیاد بریم

## despite

Phonetic	Synonym	Meaning
[dɪ'spaɪt]	in spite of , against	با وجود، با اینکه ، کینه ورزیدن

کد: دست و پات!  
دست و پاتو میبندم که حسودی نکنی با وجود اینکه بچه خوبی هستی!

## disrupt

Phonetic	Synonym	Meaning
[dis'rʌpt]	Upset , disturb , break up	منقطع کردن، در هم گسیختن

## rash

Phonetic	Synonym	Meaning
[ræʃ]	outbreak , hives , hasty careless	تند، عجول، بی پروا

کد: چرا ایرانیان واسه رفتن به مازندران و رشت (rash) انقدر عجولند؟!

## rapid

Phonetic	Synonym	Meaning
['ræpɪd]	quick , fast , swift	سریع ، تند

کد: با راپید (rapid) در نقشه کشی خیلی تندتر میتونی نقشه بکشی!

## exhaust

Phonetic	Synonym	Meaning
[ɪg'zɔ:st]	use up , tired out , deplete	اگزوز، خسته کردن، خروج(بخار)

کد: یه همسایه دارید وقتی میخواد صبح ها بره سر کار اگزوز ماشینش انقدر دود میده بیرون که کل شهرو دود بر میداره، همه ازش خسته شدن!!

## severity

Phonetic	Synonym	Meaning
[sɪ'verətɪ]	Strictness , Harshness	سختی، شدت، خشونت

کد: کسی که تو سختیها باهات بمونه سرورته (severity)! وگرنه تو خوشی که همه باهاتن!

## feeble

Phonetic	Synonym	Meaning
['fi:bəl]	Weak , frail	ضعیف، کم زور، سست

کد ۱: این لغت رو اینجوری بخونید: few+ball  
ball به معنای گلوله هم هست. پس کسی که تو جنگ کمتر گلوله داشته باشه  
ضعیفتره!!

کد ۲: میزان فیبر غذا کم باشه دستگاه گوارشمون ضعیف میشه!



## miserly

Phonetic	Synonym	Meaning
['maɪzərli]	Stingy , mean , beggarly	خسیس ، چشم تنگ

کد: میرزاعلی (miserly) خیلی خسیسه!!

## monarch

Phonetic	Synonym	Meaning
['mɒnərɪk]	King , emperor , queen , ruler	پادشاه ، ملکه

کد: مونا+رک!  
مونا خیلی رک بود به خاطر همین پادشاه (ملکه) شد!

## Outlaw

Phonetic	Synonym	Meaning
['aʊtlɔ:]	exile , outcast , criminal ban , forbid	یاغی ، قانون شکن

کد: Out+law

## promote

Phonetic	Synonym	Meaning
[prə'məʊt]	advance , help , advertise	ترفیع دادن ، ترقی دادن

کد: پروما (فروشگاه زنجیره ای) مقام کارکنانش رو ترفیع داد!

## undernourished

Phonetic	Synonym	Meaning
[,ʌndər'nʌrɪʃt]	malnourished	سوء تغذیه

کد: زیر (under) نورشدید (undernourished) آدم سوء تغذیه میگیره!

## illustrate

Phonetic	Synonym	Meaning
['ɪlə,streɪt]	Clarify , Show , picture demonstrate	توضیح دادن ، با مثال روشن ساختن

## disclose

Phonetic	Synonym	Meaning
[di'skləʊz]	Uncover , reveal , show	فاش کردن ، آشکار کردن

کد: Disco+lose

وقتی میری دیسکو همه عقلشونو از دست میدن (lose) و رازشونو آشکار میکنی!

## excessive

Phonetic	Synonym	Meaning
[ɪk'sesɪv]	extreme , inordinate , extravagant	مفرط ، بیش از اندازه

کد: Excess=extra

## disaster

Phonetic	Synonym	Meaning
[di'zæstər]	Calamity , misfortune , Catastrophe	بدبختی، بلا، مصیبت



## censor

Phonetic	Synonym	Meaning
['sensər]	Blue-pencil , Bowdlerize	سانسورچی مامور سانسور سانسور کردن

## culprit

Phonetic	Synonym	Meaning
['kʌlprɪt]	Offender , guilty , wrong-doer	مجرم ، مقصر

کد: کالپریت کبریتی!  
یه سری مجرم ها هستن که فقط با کبریت کار دارن کارشون اینه که با کبریت  
زندگیتو به آتیش میکشن!

## juvenile

Phonetic	Synonym	Meaning
['dʒu:vənəl,]	infant , childish , youngster , infantile , youthful	جوان ، نوجوان

کد: معنی رو تو خود کلمه داره (جوون)

## bait

Phonetic	Synonym	Meaning
[beɪt]	lure , allurement	خوراک دادن ، طعمه دادن، دانه

کد: خونتون (به عربی بیت = bait) هر صبح که پا میشی صدتا کبوتر وایسادن و سرو صدا میکنن تا بهشون طعمه بدی و خوراک بدی (دانه بدی) !!

## insist

Phonetic	Synonym	Meaning
[ɪn'sɪst]	persist , stress , emphasize	اصرار کردن ، پافشاری کردن

کد: بابات میخوات سیستمو بیرون بزاره. تو با التماس میگی بابا فقط این سیستم (insist) !!

## toil

Phonetic	Synonym	Meaning
[toɪl]	drudgery, donkey work , hard work	مشقت ، کار پرزحمت ، زحمت کشیدن

کد: از بس کارش پرزحمته که دستش تاول (toil) زده!

## blunder

Phonetic	Synonym	Meaning
['blʌndər]	Bloomer , Clanger, stupid mistake , Stumble , Slip up	اشتباه بزرگ

## daze

Phonetic	Synonym	Meaning
[deɪz]	Confuse , bewilder , amaze	گیج کردن، خیرگی

## mourn

Phonetic	Synonym	Meaning
[mɔ:rn]	grieve , sorrow	عزاداری کردن، سوگواری کردن، گریه کردن

کد: مورینیو سرمربی!  
مورینیو مرده کل دنیا رفتن یه شهر همه عزاداری میکنن و گریه میکنن!!

## subside

Phonetic	Synonym	Meaning
[səb'saɪd]	abate , ebb , sink	فروکش کردن، نشست کردن، پایین آمدن

کد: سوبساید ها رو بردارن قیمت همه چی میاد پایین!!

## maim

Phonetic	Synonym	Meaning
[meɪm]	Cripple , disable , incapacitate	صدمه زدن، آسیب، چلاق کردن

کد: میمون (maim)  
اگه زیاد سر به سر میمونها بزاری از قفس میان بیرون و بهت صدمه میزنن و ناقصت  
میکنن و چلاق میشی!

## comprehend

Phonetic	Synonym	Meaning
[,kɒmpri'hend]	grasp , Understand	دریافتن و فهمیدن

## commend

Phonetic	Synonym	Meaning
[kə'mend]	praise , acclaim	فرمان، دستور، حکم کردن

کد ۱: کمند (کم اند)!

تعداد آدمهایی که دستورات خداوند رو تو دنیا اجرا میکنن کمند!  
کد ۲: کماندوها فقط دنبال دستورند که اجراش کنن!

## final

Phonetic	Synonym	Meaning
['faɪnəl]	last , eventual	فینال، پایانی، نهایی

## exempt

Phonetic	Synonym	Meaning
[ɪg'zempt]	free , excuse	معاف، آزاد، مستثنی، معاف کردن

## vain

Phonetic	Synonym	Meaning
[veɪn]	proud , useless , fruitless	بیهوده ، عبث ، بی فایده

کد: وین! (پایتخت اتریش)  
وینی ها خیلی مغرورن و کارهای بیهوده زیاد انجام میدن!

## repetition

Phonetic	Synonym	Meaning
[,repə'tɪʃən]	recurrence , restatement	تکرار ، باز انجام

## depict

Phonetic	Synonym	Meaning
[dɪ'pɪkt]	represent , portray , describe	نمایش دادن به وسیله ی طرح و نقشه

کد: Depicture!

## mortal

Phonetic	Synonym	Meaning
['mɔ:rtəl]	deadly , fatal , lethal	فانی ، از بین رونده

کد ۱: مرتضی علی هم فانیه!  
کد ۲: more+tall هر چقدم که بلند باشی یروز باید بری!

## novel

Phonetic	Synonym	Meaning
['nɒvəl]	new , modern , fresh , strange	نو ، جدید

## occupant

Phonetic	Synonym	Meaning
['ɒkjəpənt]	inhabitant , resident , tenant	ساکن ، مستاجر

کد: تا وقتی که ای کیو پینت (رنگی) باشی (همش تو مخت نقشه بکشی) وضعت  
همینه مستاجری!

## appoint

Phonetic	Synonym	Meaning
[ə'pɔɪnt]	assign , set , determine	تعیین کردن

کد: خود point به معنی نشان دادن (بعنوان فعل) هست که اینجا یک پیشوند به اون اضافه شده و کمی معناشو غلیظتر میکنه! یعنی نشان دادنی که پایداری زمانی بیشتری داره. بنابراین معنای این کلمه، تعیین کردن خواهد بود

## quarter

Phonetic	Synonym	Meaning
['kwɔ:rtər]	region , section , district , accommodate , lodge	یک چهارم

## site

Phonetic	Synonym	Meaning
[saɪt]	location , place , ground	جا ، مکان ، محل



## quote

Phonetic	Synonym	Meaning
[kwəʊt]	Cut , share , portion allocation	ایراد گرفتن ، نقل قول کردن

کد: کویت!

کویتیا همیشه از بقیه ایراد میگیرن و نقل قول میکنن!

## verse

Phonetic	Synonym	Meaning
[vɜ:rs]	poetry , rhyme , stanza	اشعار ، به نظم درآوردن

کد: حرص!

در مورد اشعار حافظ فکر کن ولی حرص نخور!

## morality

Phonetic	Synonym	Meaning
[mə'ræləti]	Chastity , ethics , honesty , virtue	اخلاق ، سیرت

کد: مراد لیته! (morality)

مراد انقدر اخلاقش خوبه که ترشی لیته هاش هم مثل خودش خوب میشن!

## roam

Phonetic	Synonym	Meaning
[rəʊm]	wander , stray	پرسه زدن ، تکاپو ، گشتن

کد: کل اتاقم (room) رو پرسه زدم و جستجو کردم و گشتم!

## attract

Phonetic	Synonym	Meaning
[ə'trækt]	Charm , fascinate	جذب کردن

کد: عطر+اکت (act)  
اکت (act) یا عمل عطر چیه؟؟ کار عطر چیه؟

## commuter

Phonetic	Synonym	Meaning
[kə'mju:ter]	One who travels regularly between home & work	رفت و آمد ، مسافری

کد: کامیوتر ورژن جدید مثل کامیونه که ازین شهر به اون شهر رفت و آمد میکنه و مسافر میبره!

## confine

Phonetic	Synonym	Meaning
[kən'faɪn]	Keep in , Hold in , imprison , keep prisoner	حد، محدوده ، محبوس شدن ، محدود کردن

کد: کن + فاین (fine)  
کارای خوب بکن تا محبوس و محدود نشی!

## idle

Phonetic	Synonym	Meaning
['aɪdəl]	inactive , lazy , neutralize	تنبل، بیکار، وقت گذراندن

کد: زندگیه ایده آل (idle) واسه تنبل بیخودی وقت گذراندنه و بیکار موندنه!

## idol

Phonetic	Synonym	Meaning
['aɪdəl]	GOD , beloved , hero	بت

کد: عادل هنوزم بت می پرسته!!

## jest

Phonetic	Synonym	Meaning
[dʒest]	joke , fun , mockery , poke fun	مسخره ، خنده دار ، مسخره کردن

کد: چه ژست مسخره و خنده داری گرفتی!!

## patriot

Phonetic	Synonym	Meaning
['peɪtriət]	nationalistic	میهن پرستی

کد: پات+رو+اوت (out)  
اون کسایی که میگن پات رو اوت(خارج از ایران) نباید بره چه حسی دارن!؟

## dispute

Phonetic	Synonym	Meaning
[dɪ'spju:t]	argument , Conflict , disagree , oppose	ستیزه ، بحث ، انکار کردن

## valor

Phonetic	Synonym	Meaning
['vælər]	Bravery , Courage	دلیر، شجاع ، شجاعت

کد: فرض کنید شما به لغت در **valorous** به معنی شجاع بر میخورید. در این حال میتوانید در ذهن خود چنین مجسم کنید که در کنار دریا ایستاده اید و مشغول تماشای وال ها هستید. وال ها یکی یکی به سطح آب می آیند ولی به محض اینکه شما را می بینند می ترسند و فرار میکنند، تا اینکه یک وال روس (یک وال از کشور روسیه) به سطح آب می آید و به جای اینکه از شما فرار کند، به سمت شما می آید. شما با خود میگویید: وال روس، شجاع است.

## lunatic

Phonetic	Synonym	Meaning
['lu:nætɪk]	madman , loony , insane , Crazy , mad	دیوانه ، مجنون

کد: لعنتی دیوونست!!

## vein

Phonetic	Synonym	Meaning
[veɪn]	blood vessel , streak	رگ

کد: وین رونی رو که میشناسی؟ عصبانی میشه رگهات میزنه بیرون!

## uneventful

Phonetic	Synonym	Meaning
[,ʌnɪ'ventfəl]	Boring , Ordinary , routine	بدون حادثه ، بدون رویداد مهم

کد: event = حادثه  
Un = پیشوند منفی ساز

## fertile

Phonetic	Synonym	Meaning
['fɜ:rtəl]	productive , generative , able to have children	با برکت ، پرثمر

کد: فرو تال ( tall = بلند ) !  
دقت کردین کسی که موش فر و تاله (فر و بلند) مایه داره و پولش با برکت و پرثمره!

## refer

Phonetic	Synonym	Meaning
[rɪ'fɜ:r]	Hand over , send , point , hint	مراجعه کردن ، فرستادن

کد: ریفر(ستادن)!

## distress

Phonetic	Synonym	Meaning
[di'stres]	Sorrow , suffering, pain , bother , worry	پریشانی ، سختی ، اندوه ، محنت

کد: استرس!

وقتی استرس داری خیلی غمگینی!

## diminish

Phonetic	Synonym	Meaning
[di'mɪnɪʃ]	reduce , decrease, lessen	کم شدن ، نقصان یافتن

کد: دی معنیش!

معنیه ماه دی کم شدن و نقصان گرماست!

## maximum

Phonetic	Synonym	Meaning
['mæksəməm]	most , utmost highest , largest	ماکزیمم ، بیشترین مقدار

## flee

Phonetic	Synonym	Meaning
[fli:]	run away , escape, vanish	فرار کردن ، گریختن

کد: فلنگو بستن!

## vulnerable

Phonetic	Synonym	Meaning
['vʌlnərəbəl]	defenseless , weak , tender	آسیب پذیر ، قابل حمله

## signify

Phonetic	Synonym	Meaning
['sɪgnə,faɪ]	mean , imply denote	دلالت کردن ، حاکمی بودن، معنی دادن



## mythology

Phonetic	Synonym	Meaning
[mɪ'ɒlədʒɪ]	legend , myths	افسانه شناسی ، اسطوره

کد: علم متالوژی علم افسانه شناسی و اسطوره شناسیست! کسی میره این رشته که اسطوره باشه!

## provide

Phonetic	Synonym	Meaning
[prə'vaɪd]	associate , partner , fellow worker	آماده کردن

## colleague

Phonetic	Synonym	Meaning
['kɒli:g]	agony , suffering , torture , afflict , bother	همکار

کد: کالی!  
همکارای شرکت کاله همدیگه رو کالی صدا میکنن!

## torment

Phonetic	Synonym	Meaning
[tɔ:r'ment]	Agony , torture	زجر، عذاب ، رنج

کد: تورِ مونتانا!  
با تور به ایالت مونتانا رفتیم به هیچ کدوم از بچه ها حال نداد همه عذاب کشیدند!!

## loyalty

Phonetic	Synonym	Meaning
['lɔɪəltɪ]	faithfulness , fidelity	وفادار ، باوفا

کد: Royal = رویال (سلطنتی) !  
آدمهای که (رویال) سلطنتی اند هیچ موقع وفادار نبودن!

## volunteer

Phonetic	Synonym	Meaning
[,vɒlən'tɪər]	Unpaid work , Be willing , Offer	داوطلب ، خواستار

کد: والیان تیرانداز!  
تو جبهه والیان تیرانداز واسه تمام عملیات ها داوطلب بود!

## prejudice

Phonetic	Synonym	Meaning
['predʒədɪs]	Bias , partiality , influence , harm , injure	تبعیض کردن ، ضرر ، تعصب

کد: پر از جادوست!  
جاهایی که پر جادوس نباید روش تعصب داشت چون به ضرر آدمه

## shrill

Phonetic	Synonym	Meaning
[ʃrɪl]	acute , high-pitched , piercing	تند و تیز ، جیغ زدن

کد: شیر + ایل!!  
توی بیشتر قبیله ها شیر ایل (فردی که مانند شیر از ایل محافظت میکنه) باید تند و تیز باشه و نباید جیغ بزنه!

## jolly

Phonetic	Synonym	Meaning
['dʒɒli]	merry , Cheerful	سر کیف ، خوشحال

کد: جولز و جولی رو یادتونه دوقلوهای افسانه ای؟؟ چقدر شاد و خوشحال بودیم اون موقع ها!

## witty

Phonetic	Synonym	Meaning
['wɪtɪ]	Humorous , funny, jocular	بذله گو ، شوخ

## hind

Phonetic	Synonym	Meaning
[haɪnd]	Obstruct , Hold back , prevent	عقبی ، عقب انداختن

کد ۱: هندل موتور در قسمت عقبه!

کد ۲: هندیا از همه چیز عقب اند!

## lecture

Phonetic	Synonym	Meaning
['lektʃər]	Speech , address , lesson ,talk , Scold	سخنرانی کردن

کد: لک+چر(چهره)!

اکثر اونایی که زیاد سخنرانی میکنند لک چهره هستن (چهرشون پراز لکه!!)

## abuse

Phonetic	Synonym	Meaning
[ə'bjʊ:s]	misuse , mistreat	سوء استفاده کردن

کد: use به معنای استفاده کردن و ab پیشوند منفی سازه که میشه سوء استفاده کردن!

## mumble

Phonetic	Synonym	Meaning
['mʌmbəl]	Speak indistinctly, murmur , mutter	زیر لب سخن گفتن

کد: مام+بیل!  
مام گرفتی دستت به بیل میزنی که خوشبو شه و زیر لب داری حرف میزنی (مزخرفه ولی تو ذهن میمونه)!!!

## mute

Phonetic	Synonym	Meaning
[mju:t]	Silent , noiseless , dumb	گنگ ، لال ، بی صدا

## wad

Phonetic	Synonym	Meaning
[wɒd]	roll , bundle , pack	نمد ، بقچه ، توده

کد: وقتی باد میاد واد (wad) با خودش میاره!  
 (فکر کن یه بقچه میاره دم درتو در میزنه میندازه تو!!!)

## retain

Phonetic	Synonym	Meaning
[ri'tein]	Keep , remember, employ , hire	نگه داشتن، حفظ کردن، از دست ندادن

## candidate

Phonetic	Synonym	Meaning
['kændə,deɪt]	nominee	کاندید ، داوطلب

## precede

Phonetic	Synonym	Meaning
[pri'si:d]	appear before	مقدم بودن ، جلوتر بودن از

## adolescent

Phonetic	Synonym	Meaning
[,ædə'lesənt]	Juvenile , youngster , youth	نوجوان ، بالغ

کد: عبدالحسین نوجوان و بالغه!

## coeducational

Phonetic	Synonym	Meaning
[,kəʊ,edʒu'keɪʃənəl]	pertaining to educating men & women together	مختلط

## radical

Phonetic	Synonym	Meaning
['rædɪkəl]	extremist , fundamental , fanatic	رادیکال ، طرفدار اصلاحات اساسی

## spontaneous

Phonetic	Synonym	Meaning
[spon'teɪniəs]	impulsive , natural , automatic	خود به خود ، بی اختیار

کد: اسپانیا تنهاست و بی اختیار! و همه کاراش خود به خود انجام میشه!

## skim

Phonetic	Synonym	Meaning
[skim]	dip into , look through , read quickly , Cream	به طور سطحی خواندن ، شیر خامه گرفته

کد برای معنی اول: اسکیمو ها در عرض ۵ دقیقه یه کتاب ۱۰۰۰ صفحه ای رو اسکیم میکنن!

کد برای معنی دوم: آیس کریم!!!



## vaccinate

Phonetic	Synonym	Meaning
['væksə,neɪt]	immunize , prevent disease	واکسن زدن به

## untidy

Phonetic	Synonym	Meaning
[ʌn'taɪdɪ]	Cluttered , disorderly	درهم برهم ، نامرتب

کد: آن تایدی!

یکی میاد کل محلزون رو با تاید میشوره!! (فکر کن همه جا رو تاید پاشیده تا بشوره)  
بدون اون همه جا در همه و نامرتبه!

## utensil

Phonetic	Synonym	Meaning
[ju:'tensəl]	appliance , tool , instrument	ظرف ، وسایل

کد: سیلی U+ten+

دیدین خانوما چقد رو وسایل اشپزخونه حساسند؟! یه خانومه رو تصور کنید داره انگلیسی یاد میگیره بچه هم داره. به بچه اش میگه یوتنسل (utensil)! بچه خودش میفهمه اگه به وسایل آشپزخونه دست بزنه ۱۰ تا سیلی میخوره ....!

## sensitive

Phonetic	Synonym	Meaning
['sensətɪv]	delicate , emotional , susceptible	حساس

## temperate

Phonetic	Synonym	Meaning
['tempərɪt]	mild , pleasant , moderate	معتدل ، ملایم

## vague

Phonetic	Synonym	Meaning
[veɪg]	Obscure , dark , ambiguous	مبهم ، نامفهوم

## elevate

Phonetic	Synonym	Meaning
['elə,veɪt]	raise , lift up , advance	ترفیع دادن ، بهبود دادن و بالا بردن

کد: الی + wait

الی وایسا نرو حتما یه راهی واسه بهبود و بالا بردن سطح زندگیمون پیدا میکنم!

## lottery

Phonetic	Synonym	Meaning
['lɒtəri]	raffle	قرعه کشی ، بخت آزمایی

کد: دوستم تو لاتاری یه اتاری برد!

## finance

Phonetic	Synonym	Meaning
[faɪ'næns]	Commerce money, pay for , support	مالی ، دارایی

کد: به قول اصفهانیا آدم داراییش زیاد باشه خوبه دیگه فاین اس!

## obtain

Phonetic	Synonym	Meaning
[əb'teɪn]	get , acquire , earn	بدست آوردن ، فراهم کردن

کد: تو کوچه یه آقا هست به اسم آبتین...  
انقدر اراده ی قوی داره هر چی خواسته بدست آورده الانم بهترین زندگی رو واسه  
خانوادش فراهم کرده...!

## cinema

Phonetic	Synonym	Meaning
['sɪnəmə]	movies , films , film-house	سینما

## event

Phonetic	Synonym	Meaning
[ɪ'vent]	incident , Occurrence , happening , result	واقعه ، حادثه

## discard

Phonetic	Synonym	Meaning
[dis'ka:rd]	throw , aside , throw away abandon	دور انداختن ، ول کردن، ترک کردن، دست کشیدن از

کد: Dis+card=this card

این کاردی که باهاش آدم کشتی رو باید بندازی دور وازش دور شی

## soar

Phonetic	Synonym	Meaning
[so:r]	arise , fly , aspire	بلند پروازی ، اوج گرفتن

کد: اونایی که میگن اگه رئیس جمهور امریکا شدم بهت صور (soar) میدم الکی بلند پروازی نکنن و اوج نگیرن!!

## subsequent

Phonetic	Synonym	Meaning
['sʌbsɪkwənt]	Consequent , later , following , Coming	بعدی ، پسین

## relate

Phonetic	Synonym	Meaning
[rɪ'leɪt]	tell , Connect , narrate	گزارش دادن، نقل کردن، بازگو کردن

کد: رحلت (relate) در مورد رحلت امام چه کارایی تو تلویزیون انجام میشه؟؟

## stationary

Phonetic	Synonym	Meaning
['steɪʃə,nerɪ]	fixed , immobile , motionless	ساکن ، ایستاده

## Prompt

Phonetic	Synonym	Meaning
[prompt]	quick , ready , Cause	سریع ، فوری ، بی درنگ

## hasty

Phonetic	Synonym	Meaning
['heɪstɪ]	in a hurry , in rush	عجول ، شتابزده ، دست پاچه

## scorch

Phonetic	Synonym	Meaning
[skɔ:rtʃ]	Burn slightly , Criticize , Sharp , dry up	سوزاندن به طور سطحی، تاول زدن

کد: یه سری اسکورت ها هستن تو محلزون واسه آدمای مهم!  
وقتی نزدیکشون میشی هوا گازشونو در میارن میسوزوننت و کاری میکنن که کل دست و صورتت تاول بزنه!!

## tempest

Phonetic	Synonym	Meaning
['tempɪst]	Storm	طوفان ، تندباد

کد: تیم پسته ای!  
تیمی که بازیکناش همه در حال پسته خوردن باشن تو زمین طوفان میکنه تو بازی  
غوغا میکنه از بس گل میزنن!!

## soothe

Phonetic	Synonym	Meaning
[su:ð]	quiet , Calm , Comfort	آرام کردن ، تسکین دادن ، دلجویی کردن

کد: سوت نزن بابا (sooth) گوشم کر شد آرام باش!

## sympathetic

Phonetic	Synonym	Meaning
[,sɪmpə'tetɪk]	affectionate , caring	همدرد ، دلسوز

کد: Sym رو same بخون Pathetic هم به معنای حزن انگیزه!

## redeem

Phonetic	Synonym	Meaning
[rɪ'di:m]	buy back , pay off, carry out , set free , make up for	باز خریدن ، از گرو درآوردن، رهایی دادن

کد: کافیه اینجور بخونیمش ready ایم! آماده ایم بریم آزادش کنیم و از گرو درش بیاریم!



## resume

Phonetic	Synonym	Meaning
[rɪ'zu:m]	restart , Continue	از سر گرفتن، ادامه دادن

کد: همون ریزوم که تو آهنگ/بازی/فیلم پلی میکنیم ادامهش رو میبینیم!

## harmony

Phonetic	Synonym	Meaning
['hɑ:rməni]	agreement , accord , unity	هارمونی، تطبیق توازن

## refrain

Phonetic	Synonym	Meaning
[rɪ'freɪn]	abstain , avoid , hold up	خودداری کردن ، منع کردن

کد: re + فرینگ (فر کردن مو!)!  
موهات فره بهت میغن بیا یه بار دیگه فر کن قشنگ میشه! خود داری میکنی  
میدونی که چرت میغن!!

## illegal

Phonetic	Synonym	Meaning
[ɪ'li:gəl]	Unlawful , illicit , illegitimate	غیر قانونی

legal میدونیم که قانونی همیشه پس illegal که ill پیشوند منفی ساز بهش اضافه شده همیشه غیر قانونی!!

## narcotic

Phonetic	Synonym	Meaning
[nɑ:r'kɒtɪk]		مخدر ، مسکن

## heir

Phonetic	Synonym	Meaning
[eə]	Beneficiary , inheritor	ارث ، میراث ، وارث

کد: آدم همیشه hair (مو) رو heir (ارث) میبره!  
آدم همیشه مو رو ارث میبره!

## majestic

Phonetic	Synonym	Meaning
[mə'dʒestɪk]	grand , noble , dignified , kingly	بزرگ ، با عظمت ، باشکوه

## dwindle

Phonetic	Synonym	Meaning
['dwaɪndəl]	diminish , decrease , shrink	کاهش پیدا کردن ، کم شدن

کد: دین دل (کسیکه دل میده به دین)!  
دین دل‌های (دل دادن به دین) زرتشتی کاهش پیدا کرده!

## surplus

Phonetic	Synonym	Meaning
['sɜ:rpʌs]	excess , reminder, extra	مازاد ، اضافه

کد: درس سی پلاس پلاس ی درس اضافه و مازاد بر تمام درس‌هایی که پاس میکنیم!

## traitor

Phonetic	Synonym	Meaning
['treitər]	betraye , double-crosser	خائن ، خیانتکار

کد: یه تراکتور دادن بهت (traitor) بهت گفتن هرچی خائن هست دنبالش کن بکشش! تو هم شروع میکنی به خائن کشی!!

## deliberate

Phonetic	Synonym	Meaning
[dɪ'libərət]	intended , consider , think	عمدا کاری را انجام دادن، اندیشه کردن

کد: دلی برات (دلارام!) کادو خریده از قصد هیچی نداشته توش تا فرصت دراد!

## vandal

Phonetic	Synonym	Meaning
['vændəl]	raider , ruffian trouble , maker	خراب گر

کد: صندل!

یکی داره میاد با صندل های بزرگ اندازه ی ی آپارتمان ۱۰ طبقه! هر چی سر راهشه خراب میکنه!

## drought

Phonetic	Synonym	Meaning
[draʊt]	dryness , aridity	خشکسالی

کد: وقتی محصولات رو درو میکنی که خشکسالی نباشه!!

## abide

Phonetic	Synonym	Meaning
[ə'baɪd]	endure , bear stand , dwell	تحمل کردن ، ایستادگی کردن

کد: آب + ید

فکر کن رفتی حموم آب ید دار میاد روت از دوش کاری هم نمیتونی بکنی دو نفر هم نگه داشتنت فقط باید تحمل کنی!

## unify

Phonetic	Synonym	Meaning
['ju:ni,faɪ]	ally , Unite	متحد ساختن ، یکی کردن

کد: uni به معنای یک /تک/واحد میباشد و fy در اینجا فعل سازه و در نتیجه معنای کل همیشه : متحد ساختن

## summit

Phonetic	Synonym	Meaning
['sʌmɪt]	peak , climax , top	قله ، نوک ، اوج

کد: وقتی به قله ی اورست رسیدیم همه صامت (ساکت = summit) شدند

## heed

Phonetic	Synonym	Meaning
[hi:d]	listen , consider , take notice of , care , attention	توجه ، مراقبت ، نگه داری

کد: مثل seed تلفظش کنید (دانه) فکر کن یه دونه گندم آوردی خونتون انقدر مراقبت کردی ازش که ارتفاعش از ارتفاع برج میلاد بیشتر شده!!

## biography

Phonetic	Synonym	Meaning
[baɪ'ɒgrəfi]	life story, memories , autobiography	بیوگرافی ، زندگی نامه

## drench

Phonetic	Synonym	Meaning
[drentʃ]	soak , wet	آب دادن ، خیس کردن

کد: خونتون رو پر از برنج کردی و از پشت بوم داری خیسشون میکنی!

## swarm

Phonetic	Synonym	Meaning
[swɔ:rm]	Crowed , flock , herd , mass	ازدحام ، گروه ، دسته

کد: سرمه ای (swarm) فکر کن وایسادی دم خیابون یهو همه جا سرمه ای میشه چون یه دسته ی بزرگ با ازدحام از جلوت رد میشن که سرمه ای پوشیدند!

## wobble

Phonetic	Synonym	Meaning
['wɒbəl]	teeter , totter , quiver	مردد بودن، وول خوردن، تلوتلو خوردن

کد: وول بول!!

وول بول نخور! (منظور کسانی که یه تیک عصبی دارن موقع مررد شدن که دست یا پاشونو تگون میدن)

## tumult

Phonetic	Synonym	Meaning
['tu:məlt]	noise , uproar , violence	هنگامه ، همهمه ، غوغا

کد: فکر کن چند نفر از کسانی که تب مالت دارند دارن با فریادی سوزن دستشونه و دارن حمله میکنن بهت و فریاد میزنند و غوغا به راه افتاده!

## kneel

Phonetic	Synonym	Meaning
[ni:l]	bend , bow , fail to one knee's	زانو زدن

کد: فکر کن الان بلند میشی میری رود نیل رو میبینی و حضرت موسی میاد دریا رو باز میکنه بعد تو و همه کسانی که اونجان زانو میزنن به احترامش!

## dejected

Phonetic	Synonym	Meaning
[di'dʒektɪd]	sad , depressed , gloomy	محزون ، افسرده ، غمگین

کد: دیجی کت!  
دیجی کت شو نیاورده واسه عروسی ناراحته!!



## obedient

Phonetic	Synonym	Meaning
[əu'bi:diənt]	docile , tamed	فرمانبردار

کد: عبدِ دینت باش! (بنده ی دینت باش) هرچی دینت بهت می‌گه اطاعت کن!

## recede

Phonetic	Synonym	Meaning
[rɪ'si:d]	go back , move back , slope backward , withdraw	خودداری کردن ، عقب کشیدن ، کنار کشیدن

کد: رسید بانکی رو ندادم بهش اوادم عقب!

## tyrant

Phonetic	Synonym	Meaning
['taɪrənt]	dictator, autocrat, despot	زورگو، ستمگر، ظالم

کد: Tired+ant

مورچه ای که خسته است حال نداره کار کنه زور می‌گه به بقیه مورچه ها که واسش کار کنند!!

## charity

Phonetic	Synonym	Meaning
['tʃærətɪ]	affection , goodness , generosity	صدقه ، خیرات

کد: شریعتی صدقه و خیرات زیاد میداد!

## verdict

Phonetic	Synonym	Meaning
['vɜ:rdɪkt]	Judgment , sentence	رای ، نظر

کد: دیکته + verify  
دیکته ها رو واریسی کردم و نظر دادم درموردشون!

## unearth

Phonetic	Synonym	Meaning
[ʌn'ɜ:rə]	dig up , discover , find out	از خاک بیرون کشیدن ، از زیر در آوردن

کد: اینجوری بخونید: in+earth!  
هرچی تو زمین بوده انسانها درش آوردن!

## depart

Phonetic	Synonym	Meaning
[dɪ'pɑ:rt]	go away , leave , turn away	راهی شدن، روانه شدن، عازم شدن

کد: اعضای دیپارتمان (depart) به سفر عازم شدن...!

## coincide

Phonetic	Synonym	Meaning
[,kəʊɪn'saɪd]	accord , agree , correspond	همزمان بودن، با هم روی دادن

کد: کو این سید!

میای بیرون پیش دوستت اتفاقی با هم همزمان بهم میگین کو این سید!!!

## cancel

Phonetic	Synonym	Meaning
['kænsəl]	Cross out , wipe out , call off , delete	کنسل، باطل کردن، لغو کردن

## debtor

Phonetic	Synonym	Meaning
['detər]	borrower	مدیون، بدهکار

کد: همه ی مریض ها به دکترهاشون (debtor = doctor) مدیونن!

## legible

Phonetic	Synonym	Meaning
['ledzəbəl]	Clear , readable	خوانا ، روشن

کد: لجی + بل (دانشمندا!)  
 واسه همه مشخص و تابلو بود که بل لجبازه!

## placard

Phonetic	Synonym	Meaning
['plækɑ:rd]	poster , public notice	پلاکارد

## contagious

Phonetic	Synonym	Meaning
[kən'teɪdʒəs]	Catching , Communicable , epidemic	واگیر، واگیردار

## clergy

Phonetic	Synonym	Meaning
['klɜːrdʒɪ]	churchman , minister	مرد روحانی، دین یار، روحانیون

کد: کافرها به clergy (مرد روحانی، دین یار، روحانیون) Allergy (حساسیت) دارند!

## customary

Phonetic	Synonym	Meaning
['kʌstə,merɪ]	Usual , Common	عادی، مرسوم

## transparent

Phonetic	Synonym	Meaning
[træns'pærənt]	Clear , lucid , translucent	شفاف، واضح

کد: ترانس پاران!

سر کوچه مون ی ترانس پاران داریم که میپره بالا هرچی برنامه هست به شفافی نشون میده!

## scald

Phonetic	Synonym	Meaning
[skɔ:ld]	Burn , Sear	آب جوش ریختن، تاول، جوش صورت

کد: اسی گلد (cold)

اسی (اسماعیل!) موند تو cold (سرما) وقتی اومد تو آب جوش ریختیم روش، دست و پاش تاول زد و صورتش پراز جوش شد !!!!

## epidemic

Phonetic	Synonym	Meaning
[,epi'demɪk]	Outbreak , Widespread , prevalent	بیماری واگیردار، همه گیر

کد: آب دم کوچه! اگه از آب دم کوچه بخوری بیماری واگیردار میگیری!

## obesity

Phonetic	Synonym	Meaning
[əʊ'bi:səti]	fatness , Corpulence	مرض چاقی

کد: آب سیتی (obesity) آب سیتی یا شهر رو بخوری وزن ۵۰۰ کیلو میشه! مرض چاقی میگیری!!!

## magnify

Phonetic	Synonym	Meaning
['mægnə,faɪ]	enlarge , amplify	بزرگ کردن

## chiropractic

Phonetic	Synonym	Meaning
[,kaiɾə'præktɪk]	a doctor specialized on cartilage	فن ماساژ

کد: کارِ پُر تیک!  
آقا کدوم کاره که پر از تیک (منظور عصبی) شدن!

## obstacle

Phonetic	Synonym	Meaning
['ɒbstækəl]	impediment , obstruction , barrier	مانع، گیر، سد راه، پاگیر

کد: تو فوتبال عباس تکل زد و مانع شد که من رد بشم!!

## ventilate

Phonetic	Synonym	Meaning
['ventə,leɪt]	circulate , aerate , discuss openly	بادخور کردن، تهویه دادن

## jeopardize

Phonetic	Synonym	Meaning
['dʒepər,daɪz]	risk , endanger , hazard	به خطر انداختن

کد: تلفظ این کلمه مثل (جیب پرداز) است. جیب پرداز مانند خودپرداز بانک ملی قرار است از خودپردازهای انسانی استفاده کند. یعنی بجای دستگاههای خود پرداز افرادی را استخدام می کند تا جلو بانک بایستند و از جیب خود به مشتریان بانک پول پرداخت کنند. پس وظیفه این کارمندان به خطر انداختن خود است. حالا شما تصور کنید در چنین پستی استخدام شده اید. هر لحظه باید خود را به خطر بیاندازید زیرا هیچ وسیله دفاعی یا امنیتی ندارید و هر آن ممکن است کسی (جیب پرداز)

شما را بزند.



## negative

Phonetic	Synonym	Meaning
['negətɪv]	minus , Unwilling	منفی

## pension

Phonetic	Synonym	Meaning
['penʃən]	allowance , annuity , retire	مقرری، حقوق بازنشستگی

کد: حقوق بازنشستگیو گرفت رفت سرشو پانسمان کرد!

## vital

Phonetic	Synonym	Meaning
['vaɪtəl]	essential , important , necessary , must	حیاتی، ضروری

کد: Vitamin all  
تمام ویتامین ها برای انسان حیاتی اند.

## municipal

Phonetic	Synonym	Meaning
[mju:'nɪsəpəl]	city , civic , Urban	وابسته به شهرداری، شهری

کد: توی اصفهان میون ۳ پل یه شهرداریه!

## oral

Phonetic	Synonym	Meaning
['ɔ:rəl]	Spoken , Vocal , Verbal	شفاهی، زبانی

کد: از کنار کوه های اورال رد میشی میبینی از کوه صدا میادا! کوه اورال داره باهات شفاهی و زبانی صحبت میکنی!!

## complacent

Phonetic	Synonym	Meaning
[kəm'pleɪsənt]	proud , self satisfied	خودخواه ، از خود راضی

کد: کم پلیسند!  
پلیس های کمی هستن که خودخواه نباشند!!

## wasp

Phonetic	Synonym	Meaning
[wɒsp]	a honeyless wild bee	زنبور

کد: واس پشه (واسه پشه) (wasp)  
واسه یه گونی پشه مارو فروختی؟؟!!! لاقول واسه زنبور میفروختی!!!

## rehabilitate

Phonetic	Synonym	Meaning
[,ri:hə'bilə,tɛɪt]	renovate , restore, renew	توان بخشی کردن

## parole

Phonetic	Synonym	Meaning
[pə'rəʊl]	world of honor , Conditional , release on parole	قول شرف ، قول مردانه

کد: پا رول (پای رول = پشت فرمون)  
پارول بودم (پشت فرمون) که زدم یکی رو کشتم یکی دید اومد پیشم بهش پول دادم  
قول شرف داد به کسی نگه!

## vertical

Phonetic	Synonym	Meaning
['vɜ:rtɪkəl]	Orthogonal plain sheer upright	عمودی

Where to call! کد:

تلفن عمومی جایه که داری زنگ میزنی باید عمودی وایسی!!

## multitude

Phonetic	Synonym	Meaning
['mʌltɪ,tu:d]	mass , crowd	جمعیت ، گروه بسیار کثیر

کد: مولتی (چند، زیاد) توده (انبوه)!

## nominate

Phonetic	Synonym	Meaning
['nɒmə,neɪt]	name , appoint , assign	نامیدن

## potential

Phonetic	Synonym	Meaning
[pə'tenʃəl]	hidden , concealed , ability , capacity	عامل بالقوه ، پتانسیل

کد: پوتین و شال عامل گرما هستن!

## morgue

Phonetic	Synonym	Meaning
[mɔ:rg]	mortuary	مرده خانه

کد: کافیه مرگ رو مرگ بخونید!  
خوب آدم وقتی میمیره میبرنش مرده خانه.

## preoccupied

Phonetic	Synonym	Meaning
[pri'ɒkjə,paɪd]	absent-minded , absorbed , taken up	گرفتار، پریشان حواس، شیفته

کد: پری ای کیو بود، الان گرفتار و پریشان شده و شیفته ی کار!

## upholstery

Phonetic	Synonym	Meaning
[ʌp'həʊlstəri]	stuffing & new covering	اثاثیه داخلی مثل پرده و امثال آن

## indifference

Phonetic	Synonym	Meaning
[ɪn'dɪfərəns]	inattention , Unconcern	بی تفاوتی

کد: In پیشوند منفی سازه

## maintain

Phonetic	Synonym	Meaning
[meɪn'teɪn]	Keep up , keep , carry on , Uphold , Support , Claim	نگهداری کردن، حمایت، حفظ کردن

کد: بن تن!!!

دقت کردین جدیداً بچه ها بن تن که میخرن چقد ازش مواظبت میکنن!!!

## snub

Phonetic	Synonym	Meaning
[snʌb]	Cold treatment , insult , humiliation , treat coldly	پهن و کوتاه ، جلوگیری ، سرزنش کردن

کد: استیکه‌هاش (یا اسنکه‌هاش) ناب (snub) و درجه یکند فقط مشکلش اینجاس که ذخیم و کوتاهند و خوبیش اینه هرچی بیشتر بخوری بیشتر جلوگیری میکنه از چاقی!

## endure

Phonetic	Synonym	Meaning
[ɪn'dʊr]	last , bear , stand	تحمل کردن ، بردباری کردن در برابر

کد: همه باید injure رو تحمل کنند دیگه (indure)

## wrath

Phonetic	Synonym	Meaning
[ræθ]	rage , anger , fury	خشمگین ، ناراحت

کد: باب راس رو که میشناختین تو شبکه نقاشی میکشید؟؟؟  
همش ناراحت و خشمگین بود!!

## expose

Phonetic	Synonym	Meaning
[ɪk'spəʊz]	lay open , Uncover , show , disclose , exhibit	بی پناه گذاشتن، نمایش دادن، افشا کردن

کد: قرص اکس زده پز میده و ظاهر سازی میکنی نمیدونه که بی پناه و بی حفاظه!

## legend

Phonetic	Synonym	Meaning
['ledʒənd]	Story , myth fiction , folk-tale	افسانه

کد: افسانه ی لجن !

## ponder

Phonetic	Synonym	Meaning
['pɒndə]	Consider give thought to , meditate	تامل کردن، سنجیدن، فکر کردن

کد: Find+err  
فکر کن و ارور رو پیدا کن!



## resign

Phonetic	Synonym	Meaning
[ri'zain]	give up , yield , submit	دست کشیدن، استعفا دادن، کنار کشیدن

کد: خیلی وقته از کار دیزاین (طراحی) کنار کشیدم و دست کشیدم!

## drastic

Phonetic	Synonym	Meaning
['dræstɪk]	extreme radical , severe , strong	موثر ، قوی

کد: درستی عامل موثری تو زندگیمونه!

## wharf

Phonetic	Synonym	Meaning
[wɔ:rf]	dock , pier , quay	اسکله، لنگرگاه

کد: تو اسکله ورف(برف) میومد!

## amend

Phonetic	Synonym	Meaning
[ə'mend]	correct , change , better , adjust	اصلاح کردن، بهتر کردن

کد: اماندا خیلی بدرفتاره باید خودشو اصلاح کنه!

## ballot

Phonetic	Synonym	Meaning
['bælət]	poll , polling , vote	ورقه ی رای، مهره رای و قرعه کشی

کد: برگه ی رای برای انتخابات رو فقط از درخت بلوط میسازن!

## brawl

Phonetic	Synonym	Meaning
[brɔ:l]	quarrel , argument , battle , fight	دادو بیداد، سروصدا کردن، جنجال

کد: برو علی (brawl) داد و بیداد نکن!

## Voracious

Phonetic	Synonym	Meaning
/və'reɪʃəs/	Desiring huge amount	حریص، پرخور

کد: واژه ی voracity یکی از مشتقاتی این کلمه رو کد بندی میکنم: برای حفظ این کلمه voracity و veracity رو در نظر میگیریم: خوب برای تصویرسازی این کلمات میگیریم که دوتا شهر به نام vera و vora وجود داره که اهالی مردم vora خیلی حریص و پرخورند و برعکس اهالی شهر vera آدمهای درست و راستگویی هست !!!

## indiscriminate

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪndɪ'skrɪmɪnət/	carelessly chosen	یکسره ، کورکورانه

کد: این + دیسک کریم اینا یکسره و کور کورانه رایت شده !

## Eminent

Phonetic	Synonym	Meaning
/'emɪnənt/	of outstanding reputation	مشهور ، معروف

کد: Eminem خواننده معروف و مشهوریه!

## Steeped

Phonetic	Synonym	Meaning
/sti:pt/	to be completely soaked in something	سرازیر، سرشار شدن، سرشار

کد: از تیپت معلومه غرق در عشقی!!

## Replete

Phonetic	Synonym	Meaning
/ri'pli:t/	completely filled with	سرشار، پر، لبریز

کد: راه پله ت (راه پله ی شما) سرشار و پر از آشغاله، تمیزش کن!

## Abound

Phonetic	Synonym	Meaning
/ə'baʊnd/	existing in great number	فراوان بودن ، زیاد بودن

کد: یه باندا! یه باندن که تعدادشون خیلی زیاده.

## Technology

Phonetic	Synonym	Meaning
/tek'nɒlədʒi/	related to science of engineering	تکنولوژی، فناوری

## Prognosticate

Phonetic	Synonym	Meaning
/pra:ɡ,nə:sti'keɪʃən/	to be able to tell what will happen in the future	پیش بینی کردن، تشخیص دادن

## Automation

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˌɔ:tə'meɪʃən/	machine that behaves like a person	اتوماسیون، خودکار، ماشینی

کد: اتومات! ماشینی

## Matron

Phonetic	Synonym	Meaning
/'meɪtrən/	a mature woman	بانو، زن خانه دار

کد: بانو ماچرون!

## Paradox

Phonetic	Synonym	Meaning
/'pærədɒks/	Seemingly self-contradictory situation	متناقض نما، پارادوکس

## Realm

Phonetic	Synonym	Meaning
/reɪlm/	someone's special field	حوزه ، ناحیه

کد: به دوستت میگی علمت در چه رلمیه؟! (realm = ناحیه)

## Annals

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ænlz/	historical records	تاریخچه ، سالنامه

کد: تاریخچه و سالنامه تو همیشه آنالیز کن!

## Compound

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kɒmpaʊnd/	to add too	ترکیب کردن، مخلوط کردن

کد: کام + پوند = کم+پوند! تمام پولای

## Tinge

Phonetic	Synonym	Meaning
/tɪndʒ/	a small amount of	رنگ کم، کم، کمی، مقدار جزئی

کد: اگه به تلفظ دقت نکنیم و به شکل ظاهری دقت کنیم “تنگ” مقدار زیادی جا میگیرد ولی tinge مقدار کم و جزئی جا میگیرد. برعکس همند ولی اگ دقت کنید تلفظ tinge میشه تینج

## Drudgery

Phonetic	Synonym	Meaning
/'drʌdʒəri/	dull, difficult work	خرحمالی، کار سخت

کد ۱: تو کارهای خرحمالی لباسات جروا جره! (drudgery)  
کد ۲: درودگری کار سختیه!

## Badger

Phonetic	Synonym	Meaning
/'bædʒər/	to continually nag	اذیت کردن، دستفروش، خرده فروش

کد: bad+girl  
دیدن دختر بچه های کوچیک وقتی از کنار دستفروشهای خیابون رد میشن چقد اذیت میکنن مامان باباشونو و خرت و پرت میخوان.

## Interminable

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪn'tɜːrmənəbəl/	Unending	بی انتها، بی پایان

کد: این+ترمینال سرو ته نداره از بس بزرگه!



## Implore

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪmˈplɔːr/	Beg for assistance	درخواست کردن، التماس کردن

کد: این پلور رو بده به من التماس میکنم!

## Perceive

Phonetic	Synonym	Meaning
/pərˈsi:v/	to come to have an understanding of	درک کردن، حس کردن، فهمیدن

کد: شرکت پرسی درک نمیکند که کوکا کولا بهتره یا بدتره!

## Laconic

Phonetic	Synonym	Meaning
/ləˈkɒnɪk/	Concise, pithy	کم حرف، مختصر گو

کد: مکانیک ها اکثرا کم حرفند!

## Throng

Phonetic	Synonym	Meaning
/θrɒŋ/	great number of people	جمعیت، هجوم، ازدحام کردن

کد: جمعیت کسانی که از سرنگ استفاده میکنند خیلی زیاد شده جدید!

## Intrepid

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪn'trepid/	courageous	با جرات، دلیر، شجاع

کد: اونایی که اینطرفید خیلی جرات و شجاعت دارید!

## Accost

Phonetic	Synonym	Meaning
/ə'kɔ:st/	To greet first	مورد خطاب قرار دادن

کد: عکاس همیشه میخواد مورد خطاب قرار بده!

## Reticent

Phonetic	Synonym	Meaning
/'retisənt/	uncommunicative	کم حرف

کد: ریتا (خواننده اسرائیلی)!  
سایلنت = ریتا خیلی سایلنته!

## Furtive

Phonetic	Synonym	Meaning
/'fɜ:rtv/	sly	دزدکی، پنهانی

کد: Go for TV furtive !  
دزدکی برو سمت تی وی!

## Felon

Phonetic	Synonym	Meaning
/'felən/	criminal	جانی، گناهکار

کد: فلان فلان شده جانی و گناهکاره!

## Plethora

Phonetic	Synonym	Meaning
/'pleθərə/	overabundance	ازدیاد، شلوغی افراط

کد ۱: پل + صراط خیلی شلوغه!  
کد ۲: پلیس راه سرش خیلی شلوغه!

## Hapless

Phonetic	Synonym	Meaning
/'hæpləs/	unlucky	بیچاره

کد: helpless

## Irate

Phonetic	Synonym	Meaning
/,ai'reit/	angry	خشمگین، غضبناک

کد: ایرادت اینه که زود خشمگین و عصبانی میشی.

## Pretext

Phonetic	Synonym	Meaning
/'pri:tekst/	An excuse	بهانه، عذر

کد: هر متنی نوشته بود ( text = متن ) معلوم بود بهونست.

## Fabricate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'fæbrikeit/	to make up a lie	ساختگی، از خود در آوردن

کد: یه دروغ فابریک و ساختگی از خودت در بیار ببینم!!!

## Adroit

Phonetic	Synonym	Meaning
/ə'droit/	clever	ماهر، زرنگ، زبردست

کد: درایت داره و زرنگ و ماهره!

## Gesticulate

Phonetic	Synonym	Meaning
/dʒe'stɪkjələt/	to use lively gestures	ژست گرفتن

کد: تلفظش به ژست میخوره....

## Vigilant

Phonetic	Synonym	Meaning
/'vɪdʒɪlənt/	alert	هوشیار و مراقب

کد: اجیل و ویجیل دو تا برادر هوشیار و مراقب!!!!

## Avid

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ævɪd/	enthusiastic	حریص، آزمند

کد: نوید خیلی حریصه!

## Cajole

Phonetic	Synonym	Meaning
/kə'dʒəʊl/	coax, wheedle	گول زدن

کد: آدمای کجو کول رو گول نزن!

## Rudimentary

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˌruːdi'mentəri/	basic, elementary	ابتدایی، اولیه، ناقص

کد: هم وزن بودن و هم آهنگ بودنش با مترادفش (elementary)

## Enhance

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪn'hæns/	to make greater	بالا بردن، افزودن، زیاد کردن

کد: کیفیت صدای این هندزفری باید بالا بره!

## Nuance

Phonetic	Synonym	Meaning
/'nu:ɑ:ns/	shade of difference	اختلاف جزئی

کد:

Nuance = new + ounce... And ounce is a very small unit for weight... hence a very small difference

## Loathe

Phonetic	Synonym	Meaning
/lɒʊð/	despise	تنفرداشتن از، متنفر بودن

کد: از افراد لوس متنفرم.

## Reprimand

Phonetic	Synonym	Meaning
/'reprɪm ænd/	to scold severely	سرزنش کردن، توبیخ کردن

کد:

Rep+rimand(Remand) when police take remand of someone,,they Scold them harshly (Strong rebuke)



## Lackluster

Phonetic	Synonym	Meaning
/'læk,lʌstər/	Lacking brightness	دلگیر، بی نور، تاریک

کد: lack+luster  
خونه ای که لوستر نداشته باشه دلگیره !

## Caustic

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kɔ:stɪk/	stinging	خشمگین

کد: کاستاریکا کشوریه که مردمش همه خشمگین اند!

## wrest

Phonetic	Synonym	Meaning
/rest/	seize	پیچاندن، گرداندن، پیچش، چرخش

کد: با wrestling همه آشنا هستند و میدونن که معنیش میشه کشتی پس حدس  
زدن معنی wrest کار آسونیه چون توی کشتی پیچاندن و گرداندن هدف کاره!

## infamous

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ɪnfəməs/	evil	بد نام

کد: میدونیم که معنیه Famous میشه مشهور و در اینجا پیشوند in باعث منفی شدن کلمه میشه.

## jostle

Phonetic	Synonym	Meaning
/'dʒɒsəl/	to push, to elbow	به کنار زدن

کد: اونایی که جته شون بزرگه بقیه رو کنار میزنن همیشه!

## dupe

Phonetic	Synonym	Meaning
/du:p/	an easily fooled person	ساده دل ، گول خور

کد: وقتی میری استخر آدمی که ساده باشه و گول خور باشه میندازنش توی تیوپ و پرتش میکنن تو آب!

## incipient

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪn'sɪpiənt/	Just starting	اولین ، نخستین

کد: این سی پی یوت (cpu) از اولین سری سی پی یو تولید شده است!

## ominous

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ɒmɪnəs/	Menacing	بدیمن، شوم، نامیمون

کد: به دوستت تو باشگاه بدنسازی میگی آمینوست نخور، بدیمن و شومه هیکت رو خراب میکنه!

## inadvertent

Phonetic	Synonym	Meaning
/,ɪnəd'vɜ:rtənt/	due to an oversight, negligent	غیر عمدی

کد: این ادویه تند که ریختم تو غذات عمدی نبود!

## tremulous

Phonetic	Synonym	Meaning
/'tremjʊləs/	Trembling	لرزنده ، لرزش دار

کد: این گربه ترو ملوسه ولی چرا همش میلرزه؟

## Repudiate

Phonetic	Synonym	Meaning
/ri'pju:diət/	disown, refuse to accept	رد کردن، امتناع کردن، نپذیرفتن

کد: repudiate means refuse it!

## cessation

Phonetic	Synonym	Meaning
/se'seɪʃən/	A pause	ایست ، توقف

کد: ماشینهای استیشین بدون توقف میرن ولی ماشینایی سسیشین توقف میکنن!

## bristle

Phonetic	Synonym	Meaning
/'brɪsəl/	to have one's hair stand up	موی سیخ، سیخ شدن، آماده جنگ شدن

کد: شهر بروکسل اکثر مردمشون موهاشون سیخ سیخه و همش جنگ و دعوا دارن باهم !!!

## euphemism

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ju:fɪmɪzəm/	saying something in a less direct way	استفاده ی کلمه ی نیکو برای موضوع یا کلمه ی نامطلوب

کد: افه میزاره (دیدین طرف کارش خوب نیست یه کلمه ی خوب واسه کارش استفاده میکنه ؟ به کارش کلاس و افه میزاره!!!)

## mundane

Phonetic	Synonym	Meaning
/mʌn'deɪn/	Earthly	جهانی ، دنیوی

کد: شکل ظاهری لغت خودش کد رو به ما میده.... موندنی!!

## incongruous

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪn'kɒŋgruəs/	having inconsistent elements	نا متجانس

کد: این کانگرو جنسش با اون کانگرو فرق داره نا متجانس اند.

## condolence

Phonetic	Synonym	Meaning
/kən'dəʊləns/	Expression of sympathy	تسلیت ، همدردی ، عزا

کد: این کلمه رو candle در نظر مگیریم (شمع) بیشتر مردم دنیا برای همدردی و تسلیت شمع روشن میکنند!

## Alacrity

Phonetic	Synonym	Meaning
/ə'lækriti/	Quick willingness	چابک ، فرز

کد: الکتريکی ها خیلی چابک و فرز هستند!

## Disdain

Phonetic	Synonym	Meaning
/dis'deɪn/	contempt	تحقیر ، بی احترامی

کد: this + دین!  
این دین هیچ گونه بی احترامی به ما نکرده!

## belligerent

Phonetic	Synonym	Meaning
/bi'lıdʒərənt/	seeking war, hostile	جنگجو ، متخاصم

کد: بیلی جنگجو!

## intimidate

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪn'tɪmɪdeɪt/	To make afraid	ترساندن ، مرعوب کردن

کد: این + تامی + ایت (ate) این تامی ترسناکه و همه رو میخوره!

## feint

Phonetic	Synonym	Meaning
/feint/	false attack	تظاهر کردن، وانمود کردن

کد:

Feign (sounds with foreign) foreign people always try to deceive our country

## pugnacious

Phonetic	Synonym	Meaning
/pʌg'neɪʃəs/	Combative	جنگجو ، ستیزه گر

کد: این ریشه (pugnacious) رو همیشه باید به یاد داشته باشیم که به معنی مبارزه هست و کاربرد فراوانی داره..

## promulgate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'prɒmʌlgeɪt/	make public, proclaim	اعلام کردن

کد:

Prom (promote)+ul+gate. So promoting something out of the gate



## brash

Phonetic	Synonym	Meaning
/bræʃ/	Insolent	عجول ، بی پروا ، گستاخ

کد: rash (عجله) !

## Scoff

Phonetic	Synonym	Meaning
/ska:f/	To mock	تمسخر ، مسخره کردن

کد: اسی کوفت!! کمتر مسخره کن دیگران رو!

## Belittle

Phonetic	Synonym	Meaning
/bi'litl/	speak of as unimportant	مسخره کردن ، تحقیر کردن

کد: be+little

میخواهی کسی رو مسخره کنی میگی کوتوله دیگه!

## Tangible

Phonetic	Synonym	Meaning
/'tændʒɪbəl/	able to be touched	قابل لمس ، محسوس

کد: زنجبیل قابل لمس!

## Laceration

Phonetic	Synonym	Meaning
/,læsə'reɪʃən/	Rough cut	دریدگی ، پارگی

کد ۱: لیزریشن! با لیزر یه قسمتی از بدن رو دریدن!  
کد ۲: لثه اش رو پاره کردن واسه جراحی!

## Castigate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kæstɪgeɪt/	Punish, chastise	سرزنش کردن ، تنبيه کردن

کد: این کلمه رو با masticate (ماست کته رو جویدن!) به هم ربط میدیم به این صورت: بچه ای که ماست رو masticate کرده بود رو castigate کردیم!

## Sordid

Phonetic	Synonym	Meaning
/'sɔ:rdɪd/	Filthy, ignoble	کثیف، زشت، ناشایست

کد: sorry+I did bawdy! sorry+did کافیه یادتون بمونه بعد یه چیز منفی تو ذهنتون به آخرش اضافه کنید که زشت و ناشایسته.

## Octogenarian

Phonetic	Synonym	Meaning
/,ɒktəʊdʒɪ'neəriən/	Person of eighty	۸۰ ساله

کد: اوکتا (۸۰)

## Solace

Phonetic	Synonym	Meaning
/'sɒlɪs/	Comfort	آرامش، تسکین دادن، آرام کردن

کد: جایی که صلح هست آرامش نیز هست!!

## Aspirant

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈæspərənt/	Candidate for better job	جویا ، داوطلب

کد: بچه ها معمولا داوطلب و جویا به خوردن قرص اسپرین نیستند!

## dregs

Phonetic	Synonym	Meaning
/dregz/	Most worthless part	باقی مانده ، چیز پست و بی ارزش

کد: اون افرادی که دراگ (دارو / قرص روان گردان) مصرف میکنند آخرش به یه آدم پست تبدیل میشن.

## frenzy

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈfrenzi/	Frantic outburst	دیوانگی ، آشفته کردن

کد: هم وزن و هم معنیه crazy=frenzy

## scurrilous

Phonetic	Synonym	Meaning
/'skʌrələs/	Vulgar, using indecent language	ظالم، فحاش، ناسزاگو

کد: اوستا کرول (ظالم = cruel) است (به لهجه اصفهانی!)  
اوستا کرول اس! اوستا ظالم و فحاش اس!!

## rampant

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ræmpənt/	flourishing	شایع ، حکم فرما

کد: ramp+ant  
مورچه های خشمگین تعدادشون بیشترینه توی کره زمین و حکم فرما هستند!

## inane

Phonetic	Synonym	Meaning
/i'neɪn/	silly	احمق ، چرند ، پوچ

## ethic

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈeθɪk/	Moral philosophy	کتاب اخلاق ، وابسته به علم اخلاق

## concur

Phonetic	Synonym	Meaning
/kənˈkʊr/	agree	موافقت کردن ، هم رای شدن

کد: با حذف کنکور موافقت شد!!

## clandestine

Phonetic	Synonym	Meaning
/klænˈdestɪn/	Hidden, secret	مخفی ، زیر جلی

کد: مخفی شدن کلا داستان داره نباید آدم مخفی بشه!!

## flagrant

Phonetic	Synonym	Meaning
/'fleɪgrənt/	Notorious	آشکاره، انگشت نما ، برملا

## Admonish

Phonetic	Synonym	Meaning
/əd'mɒnɪʃ/	to scold, warn	نصیحت کردن

کد: کار ادمین (رئیس = admin) فقط نصیحت کردنه!!

## Duress

Phonetic	Synonym	Meaning
/dʒʊ'res/	Force , coercion	شدت ، رفتار خشن

کد:

u + dress; that is u enforce your wife to put on a particular dress

## Culprit

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈkʌlprɪt/	one who commits a crime	مقصر ، مجرم

## Inexorable

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪnˈeksərəbəl/	cannot be moved by persuasion, inflexible	سخت ، بی شفقت ، تسلیم نشو

## Egregious

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪˈɡriːdʒəs/	Outstanding for undesirable quality	بزرگ ، فاحش

اگرچه: بزرگ+gesture! بزرگی



## Duplicity

Phonetic	Synonym	Meaning
/dju:'plɪsɪti/	Double-dealing	دو رویی ، دو رنگی

دو رگی: double+city

دوبله سیتی! شهری که همه چیزیش دوگانگی داره!

## Distraught

Phonetic	Synonym	Meaning
/di'strɔ:t/	mentally confused, crazed	پریشان ، آشفته

دو: this+thought

این فکر تورو پریشون و آشفته میکنه.

## Acrimonious

Phonetic	Synonym	Meaning
/,ækrɪ'məʊniəs/	Caustic, bitter	تند ، زنده

دو: اکرم آنی اس! (گفته ی یه اصفهانی) یعنی رفتارش تنده و زود خشمگین میشه!

## Paucity

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈpɔːsɪti/	shortage	مقدار کم ، کمی

کد:

paucity=scarcity....These two words rhyme....

## Elicit

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪˈlɪsɪt/	Extract	خارج کردن ، بیرون کشیدن

کد: میتونیم به exit ربطش بدیم

## Pernicious

Phonetic	Synonym	Meaning
/pərˈnɪʃəs/	Damaging, harmful	کشنده ، زیان آور ، مضر

کد: یه اصفهانی بهت میگه اون ماره پرنیش است !! یعنی کشنده و زیان آور

## Tolerat

Phonetic	Synonym	Meaning
/'tɒləreɪt/	To permit , to put up with	تحمل کردن

کد: هم تالاری ات رو باید تحمل کنی دیگه!!

## Construe

Phonetic	Synonym	Meaning
/kən'struː/	To interpret	تفسیر کردن ، استنباط کردن

کد:

you need to concentrate to decode true messages!

## Impunity

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪm'pjʊ:nɪti/	Exemption	بخشودگی ، معافیت از زیان

کد: خیلی به لغت immunity شباهت داره!

## Affluent

Phonetic	Synonym	Meaning
/'æfluənt/	wealthy	فراوان ، دولتمند ، ثروتمند

کد: I feel u ant | تورو مورچه حس میکنم از بس ثروتمندم!

## Feasible

Phonetic	Synonym	Meaning
/'fi:zɪbəl/	uncertain	ممکن ، شدنی

کد: همشکل بودن و تقریبا هم تلفظ بودنش با possible

## Discern

Phonetic	Synonym	Meaning
/dɪ'sɜ:rn/	recognize	تشخیص دادن ، درک کردن

کد: دیزاینش (طرح design) رو دیزرن (تشخیص و درک) کن!

## Sally

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈsæli/	Sudden ,rushing forth	یورش ، حمله

کد: قبلا سالی یه بار قبیله ها به هم حمله میکردندا!

## consternation

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˌkɒnstərˈneɪʃən/	dread, dismay	آشفتگی ، بهت ، حیرت

کد: به قسمت اولش توجه کنید و conster و monster (هیولا) بخونید که همه رو آشفته میکنه!

## Precocious

Phonetic	Synonym	Meaning
/priˈkəʊʃəs/	reaching maturity early	باهوش ، زودرس ، نابهنگام

کد: میتونیم اینجوری بخونیم این لغت رو : pre+conscious(conscious)

## perfunctory

Phonetic	Synonym	Meaning
/pər'fʌŋktəri/	Careless	سرسری ، بی مبالات

کد:

Perform+hurry.... Perform in a hurry....perfunctory....

## chagrin

Phonetic	Synonym	Meaning
/ʃə'grɪn/	disappointment	غم و غصه ، آزرده کردن، اندوه

کد: شما همیشه شاگردین حتی وقتی غم و قصه دارین!

## perverse

Phonetic	Synonym	Meaning
/pər'vɜ:rs/	Contrary	منحرف ، گمراه

کد: میتونیم از reverse استفاده کنیم و بگیم هرکی راهشو برعکس (reverse) بره همیشه گمراست و منحرف!

## deride

Phonetic	Synonym	Meaning
/di'raɪd/	To make fun of	تمسخر کردن ، استهزاء کردن

کد: آدمهای پررو و به اصطلاح عامیانه دریده! همیشه در حال مسخره کردن دیگران هستند.

## disparage

Phonetic	Synonym	Meaning
/di'spærɪdʒ/	To discredit	بی اعتبار کردن، پست کردن

کد: this + پارگی  
این پارگی شلوارت تورو پیش دوستان تحقیر و بی اعتبار میکنه!

## laudable

Phonetic	Synonym	Meaning
/'lɔ:dəbəl/	commendable	قابل پرستش ، ستوده

کد: devil + لا(نه=عربی)!!  
کسی که شیطانی نباشه و طرفدار حق باشه قابل ستایش و پرستشه!!

## fiasco

Phonetic	Synonym	Meaning
/fi'æskɒʊ/	complete failure	ناکامی ، شکست

کد: پیاز کوهی خورد و شکستشون داد!!

## masticate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'mæstɪkeɪt/	To chew	جویدن، نرم کردن، بزاقی کردن

کد: این کلمه رو با masticate (ماست کته رو جویدن!) ربط میدیم!

## eschew

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪs'tʃuː/	Keep away from	اجتناب کردن، خودداری کردن

کد: es+CHEW

باید از جویدن (chew) زیاد آدامس خودداری کنیم (eschew)



## quell

Phonetic	Synonym	Meaning
/kwel/	Crush, stop	فرونشاندن ، سرکوب کردن

کد: کوعلی؟؟ سرکوبش کن!

## voluble

Phonetic	Synonym	Meaning
/'vɒljʊbəl/	Talkative	سلیس ، روان ، پرحرف

کد: والیبال ورزشیه که نباید پرحرفی کنی توش و خیلی سلیس و روان بازی کنی!!

## confidant

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kɒnfɪdənt/	person you tell your secrets too	دمساز ، راز دار ، محرم ، پرده دار

کد: این لغت رو اینجوری راحت یاد میگیریم: کان+فی+دنس! الیور کان توی دنس (رقص) دمساز و رازداره آدمه!!

## obsolescence

Phonetic	Synonym	Meaning
/,ɒbsə'lesəns/	process of wearing out	کهنگی ، منسوخی

کد: اسم عبدالحسین قدیمی و کهنه شده دیگه!

## dubious

Phonetic	Synonym	Meaning
/'dju:biəs/	Uncertain	مورد مشکوک ، نامفهوم

کد: معنی doubt رو میدونیم در اینجا ous اضافه شده و کلمه به صفت تبدیل شده

## implacable

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪm'plækəbəl/	Relentless, unappeasable	سنگ دل ، کینه توز

کد: این پل کابلی (سیمی) رو برای سنگ دلها درست کردند که ازش رد شن!!

## paroxysm

Phonetic	Synonym	Meaning
/'pærəksɪzəm/	Violent outburst	حمله ی ناگهانی ، تشنج

کد: پراکسی زن!! یعنی کسی که حمله ی ناگهانی میکند به پراکسی!

## reprehensible

Phonetic	Synonym	Meaning
/,reprɪ'hensɪbəl/	Blameworthy	سزاوار سرزنش ، سرزنش کردنی

کد: شباهت زیاد به responsible (مسئول) داره! کسی که مسئله اگه یه چیزی رو گم کنه سرزنش میشه!

## Jurisdiction

Phonetic	Synonym	Meaning
/dʒʊərɪs'dɪkjən/	power, range of authority	اختیار قانونی ، حق قضاوت

کد: توی بازی پلی تو /وان/ ایکس باکس دو طرف حق قضاوت ندارند فقط باید با جو استیکشون کار کنند!

## skirmish

Phonetic	Synonym	Meaning
/'skɜ:rmɪʃ/	Small battle	جنگ جزئی ، زد و خورد

کد: اسکر میس = کشمکش!!  
اوضاع کیشمیشیه!!

## harass

Phonetic	Synonym	Meaning
/hə'ræs/	To torment	اذیت کردن ، خسته کردن

کد: اگه درختها تون رو هرس نکنین شاخه هاش میاد تو و اذیتتون میکنه.

## monolithic

Phonetic	Synonym	Meaning
/,mɒnə'liθɪk/	having a massive structure	یک پارچه

کد: معنی پیشوند mono رو میدونیم میشه: یک ، تک

## arbitrary

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ɑ:rbətreri/	Based on whim	قراردادی ، اختیاری

کد: عربی ۳ !!

خواندن عربی ۳ واسه همه اختیاریست و قراردادی نیست که حتما بخونیش!!

## fray

Phonetic	Synonym	Meaning
/frei/	A conflict, fight	ترس ، وحشت ، غوغا ، نبرد

کد: با یه ذره تغییر تو تلفظ میتونید fear بخونید که معنیسه!

## indigent

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ɪndɪdʒənt/	poverty-stricken	فقیر ، تهی دست ، تنگ دست

کد: میتونیم اینجوری بخونیمش: هندی جنت (جنتلمن = india+gent)  
جنتلمن های هندی به افراد فقیر کمک میکنند!

## stymie

Phonetic	Synonym	Meaning
/'staimi/	To hinder	مانع شدن ، گیر کردن

کد: میتونیم از این کد استفاده کنیم به این صورت که S رو حذف کرده و اینجوری بخونیمش:

tie me .....prevent from moving forward

## effigy

Phonetic	Synonym	Meaning
/'efɪdʒi/	A likeness	صورت ، تمثال ، پیکر

کد: برای این لغت هم میتونیم از واژه ی figure استفاده کنیم!

a fig(ure) y

## flout

Phonetic	Synonym	Meaning
/flaʊt/	To show contempt	مسخره کردن ، دست انداختن

کد: برای دست انداختن طرف فلوت میزد!!

## cognizant

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kɒgnɪzənt/	Aware	آگاه ، با خبر

کد:

if u cognize[recognize] a danger, u become cognizant[aware] of it.

## turbulent

Phonetic	Synonym	Meaning
/'tɜːrbʊlənt/	Eject	سرکش ، یاغی ، گردن کش

کد: میتونیم به trouble و مزاحمتی که یاغی ایجاد میکنه ربطش بدیم.

## terminate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'tɜːmɪneɪt/	To end	تمام کردن ، به پایان رساندن

کد: ترمی + نحس

دانشجویان ترمی نحس رو به پایان رساندند.

## forthwith

Phonetic	Synonym	Meaning
/fɔːrθ'wið/	immediately	بی درنگ

کد: تلفظش کد رو به ما میده... فوری!

## exacerbate

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪg'zæsəreɪt/	To irritate	تشدید کردن، بدتر کردن، خون کسی را به جوش آوردن

## revert

Phonetic	Synonym	Meaning
/rɪ'vɜːrt/	Go back	برگشت ، برگشتن

کد: شبیه reverse هست.



## oust

Phonetic	Synonym	Meaning
/aʊst/	Eject	اخراج کردن، برکنار زدن

کد: میتونیم با حذف یک کلمه به راحتی معنی رو بفهمیم: oust=out!!

## emaciated

Phonetic	Synonym	Meaning
/i'meisiətiɪd/	Wasted away	لاغر

کد: EMMA WATSON بازیگر لاغر!!!!

## surge

Phonetic	Synonym	Meaning
/sɜ:rdʒ/	To rush suddenly	موج دار کردن ، موج خروشان

کد: سرجات بشین موج داره میاد سمتمون!!

## tranquil

Phonetic	Synonym	Meaning
/'træŋkwɪl/	Peaceful	آرام ، آسوده

کد: تهران آرام + کل  
کل تهران آرام و آسوده زندگی میکنند!!

## sanctuary

Phonetic	Synonym	Meaning
/'sæŋktʃuəri,/	Place of protection	جایگاه مقدس ، پناهگاه

کد: هم سنگریت جایگاهش مقدسه !

## ascend

Phonetic	Synonym	Meaning
/ə'send/	To arise	بالا رفتن ، صعود کردن

کد: شباهتش با مخالفش به ما کد رو میده: ascend#descend بالا رفتن/پایین رفتن

## malnutrition

Phonetic	Synonym	Meaning
/,mælnjʊ'triʃən/	Inadequate diet	سوء تغذیه

کد: mal پیشوندی به معنای منفی به کار میره!

## afflict

Phonetic	Synonym	Meaning
/ə'flikt/	to trouble greatly, to distress	رنج دادن ، مبتلا شدن

کد: آدم فلک زده همیشه به گرفتاری مبتلاست و رنج میبینه!

## besiege

Phonetic	Synonym	Meaning
/bi'si:dʒ/	To surround	محاصره کردن

کد: نیروهای بسیجی دشمن رو محاصره کردند!

## privation

Phonetic	Synonym	Meaning
/praɪ'veɪʃən/	Lack of necessities	فقدان ، محرومیت

کد: کافیه یاد این کلمه بیفتیم Deprive.....deprivation !!

## sinister

Phonetic	Synonym	Meaning
/'sɪnɪstər/	Evil	بد ذات ، شرور

کد: معنی minister رو میدونیم میشه وزیر پس میتونیم بگیم که وزیر فلان کشور خیلی (سینستر = sinister) شروره و بدذاته!

## ubiquitous

Phonetic	Synonym	Meaning
/ju:'bɪkwɪtəs/	Being everywhere at once	همه جا حاضر

کد: یوبی کووو شیث؟؟؟ همه جا شیث حاضره نگران نباش!!

## remote

Phonetic	Synonym	Meaning
/ri'məʊt/	Distant	دور ، بعید ، دور دست

کد: با ریموت میتونیم تلویزیون رو از راه دور خاموش روشن کنیم یا درب ماشین رو با ریموت باز و بسته کنیم!

## thwart

Phonetic	Synonym	Meaning
/θwɔ:rt/	To hinder	کج خلق ، بی نتیجه گذاردن

کد: اخلاق طرف ترد و تنده!!

## harbinger

Phonetic	Synonym	Meaning
/'hɑ:rbɪndʒər/	Forerunner	قاصد ، منادی ، جلودار

کد: میتونیم بگیم : her+finger

she shows me what is about to happen by gesturing  
with her finger

## malignant

Phonetic	Synonym	Meaning
/mə'liɡnənt/	becoming progressively worse	بد طینت ، کینه جو

کد: مالی+گند!

اونایی که از لحاظ مالی گند میزنن به زندگیت کینه جو و بد طینت هستند!

## excruciating

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪk'skruːʃiətiŋ/	Agonizing	مشقت بار ، سختی

کد: به دست آوردن عکس کوروش بزرگ مشقت باره!!

## respite

Phonetic	Synonym	Meaning
/'respaɪt/	Postponement	مهلت ، فرجه دادن

کد: rest a bit

## reverberating

Phonetic	Synonym	Meaning
/rɪ'vɜ:rbəreit/	Reechoing	معکوس، منعکس کردن، طنین انداز کردن

کد: کافیه به این صورت بخونید! reverse+meeting

## fretful

Phonetic	Synonym	Meaning
/'fretfəl/	Worrisome	اخمو، ناراحت، جوشی

کد: فرهاد فول! اسم شاگرد اول مدرسه است که همش اخمو و ناراحته!

## succumb

Phonetic	Synonym	Meaning
/sə'kʌm/	Yield	از پای درآمدن، تسلیم شدن

کد: سه کام از دود سیگار بگیری از پای در میای!!!!

## Impresario

Phonetic	Synonym	Meaning
/,ɪmpri'sɑːriəʊz/	Organizer	مدیر اماکن تفریحی

کد: این پیر ساری مدیر اماکن تفریحیست!!!

## extortion

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪk'stɔːʃən/	getting money by threats	اخذ با جبار و زور ، اخاذی

کد: عکسهاشون ! لو رفته حالا میخوان ازشون اخاذی کنن بابت تحویل عکسها!!!

## adverse

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ædvɜːrs/	Unfavorable	برعکس ، مخالف

کد: ادو+روس! ادویه روسی!

ادویه روسی برعکس تمام ادویه هاست ! غذارو شیرین میکنه!



## asset

Phonetic	Synonym	Meaning
/'æset/	Something of value	دارایی ، چیز با ارزش و مفید

کد: اون لوازمی که برات ارزش دارند لوازم آست (آس) هستند دیگه!

## blatant

Phonetic	Synonym	Meaning
/'bleitənt/	Disagreeably loud	پر سر و صدا ، خشن

کد: اون مهمونهایی که بی لیته اند (ترشی لیته) خشن شده اند و زیاد سرو صدا راه انداختن!!! بی+لیته ان

## entourage

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ɒntʊrɑ:ʒ/	Followers	محیط ، اطرافیان ، همراهان

کد: این تورج باید محیطش رو به همراه دوستاش کلا عوض کنه!!

## virulent

Phonetic	Synonym	Meaning
/'vɪrʊlənt/	Harmful	تلخ ، زهراگین

کد: به حروف اول دقت میکنیم و ویروس رو کد کنیم که سمی و زهراگینه!

## venom

Phonetic	Synonym	Meaning
/'venəm/	Poison	سم و زهر مار ، عقرب و....

کد: V نام.... اسم یه ویروس و سم جدیده!

## spew

Phonetic	Synonym	Meaning
/spju:/	Vomit	قی کردن ، بخارج ریختن

کد: اسپوو = عطسه ! وقتی که عطسه میکنی هرچی ویروسه بیرون میریزی!

## loath

Phonetic	Synonym	Meaning
/loʊð/	Unwilling	بیزار ، متنفر

کد: از آدمای لوس بیزار و متنفرم!

## solicit

Phonetic	Synonym	Meaning
/sə'lısıt/	Seek earnestly	درخواست کردن ، التماس کردن

کد:

so + let (me) + sit

## astute

Phonetic	Synonym	Meaning
/ə'stu:t/	Keen, shrews	زرنگ ، باهوش ، زیرک

کد: استاد ها زیرکند و باهوش!

## advocate

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈædvəkeɪt/	To support	حامی ، طرفدار ، وکیل مدافع

کد: (عدوا؟! !! ) دعوا؟ کی (چه زمانی)؟؟ اون توی دعوا طرفدارش زیاده!

## ineffectual

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˌɪnɪˈfektʃuəl/	Not effective	بی‌هوده ، بی نتیجه ، بی اثر

کد: از مشتقات کلمه ی effect که به اضافه شدن in منفی و با اضافه شدن al به صفت تبدیل شده!

## scrutinize

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈskruːtɪnaɪz/	Examine closely	موشکافی کردن

کد:

SCRUTINIZE and ANALYZE

## nefarious

Phonetic	Synonym	Meaning
/ni'feriəs/	Villainous	شریر ، بدکار

کد: به قول اصفهانیا آدم شریر نفرتی اس!

## amicable

Phonetic	Synonym	Meaning
/'æmikəbəl/	Friendly	دوست داشتنی ، دوستانه

کد: ami پیشوندی با معنی مهربانی میباشد

## vexatious

Phonetic	Synonym	Meaning
/vek'seiʃəs/	Annoying	آشفته ، مضطرب

کد: ویکس شیت رضایی گم شده خیلی نگران و مضطربه!

## malady

Phonetic	Synonym	Meaning
/'mælədi/	Disease	مریضی ، بیماری

کد: بیشتر مریضی ها از مالزی وارد ایران میشه!

## inclement

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪn'klemənt/	Stormy, harsh	بی اعتدال ، شدید

کد: این کلمنته (بازیکن) خیلی بی اعتدال و شدید فوتبال بازی میکنه!

## peruse

Phonetic	Synonym	Meaning
/pə'ru:z/	Read carefully	مطالعه کردن ، به دقت خواندن

کد: آدمهایی که آپدیت و بروزند همیشه در حال مطالعه کردن هستند!

## premonition

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˌpreməˈniʃən, /	forewarning	اخطار ، برحذر داشتن

کد: پری+مانی+شن!  
پری مانی رو از بازی کردن روی شن منع کرد و بهش اخطار داد!

## desist

Phonetic	Synonym	Meaning
/dɪˈsɪst/	Cease	دست کشیدن ، خودداری کردن

کد: دوزیست! دوزیستان از زندگی دوم خود دست کشیدند.

## recoil

Phonetic	Synonym	Meaning
/rɪˈkɔɪl/	Draw back	واکنش داشتن بر، پس زدن، عقب نشستن

کد:  
راه کل! راه کلی و اصلی بسته شده باید یا اکنش نشون بدیم یا برگردیم!

## pertinent

Phonetic	Synonym	Meaning
/'pɜːrtɪnənt/	appropriate	مربوط

کد:

relate it to pertaining which means relevant to!

## mastiff

Phonetic	Synonym	Meaning
/'mæstɪf/	Large dog	سگ بزرگی که گوشها و لبهاش آویخته است ، سگ نگهبان

کد: مست + if

اگه یه مست به یه سگ نگهبان برسه دیگه غوغاست!

## obsess

Phonetic	Synonym	Meaning
/əb'ses/	Preoccupy	آزار کردن

کد: آب + سس !!

آب سس رو بپاش به دوستت و اذیتش کن!!



## doleful

Phonetic	Synonym	Meaning
/'dɒʊlfəl -/	Sad	محزون ، غمگین

کد: کسی رو در نظر بگیرید که دلش پره و ناراحته همیشه = del + full !!

## wan

Phonetic	Synonym	Meaning
/wɑ:n/	Pale	رنگ پریده ، کم خون

کد: وان حمومتون عمقش زیاده چون کم خونی دارید و از ارتفاع میترسید نمیرید سمتش!

## histrionics

Phonetic	Synonym	Meaning
/,hɪstri'ɒnɪks/	Display of emotions	نمایشی

کد: این کلمه رو هم به story (داستان) ربط میدیم.... بیشتر داستان ها نمایشی هستند دیگه!؟

## elusive

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪˈluːsɪv/	Hard to grasp	گمراه کننده ، وهمی ، غیر واقعی

کد:

illusive things are always difficult to understand

## frustrate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'frʌstreɪt/	Foil	خنثی کردن، باطل کردن ، نا امید کردن

کد: فراز تورت (تور تو) با شکست مواجه و خنثی شد و نا امیدمون کرد!

## symptomatic

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˌsɪmptəˈmætɪk/	Indicative	مطابق نشانه بیماری ، حاکمی از علائم بیماری

کد: same+matic

همون ماتیک بود که علائم بیماری آورد واسش!

## interject

Phonetic	Synonym	Meaning
/,ɪntər'dʒekt/	Interrupt	درمیان آوردن ، مداخله کردن

کد: اینطور جیک نزن و تو کار مردم دخالت نکن!

## inert

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪ'nɜ:rt/	without power to move	خنثی ، بی روح ، بی جان

کد: این سیم ارت خنثی است!

## salient

Phonetic	Synonym	Meaning
/'seɪlɪənt/	Outstanding	در حال جست و خیز ، چشمگیر ، بیرون زده

کد: اونایی که سایلنت اند همش در حال جست و خیزند!

## imminent

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ɪmɪnənt/	About to happen	قریب الوقوع ، حتمی

کد: ایمانت رو قوی کن ظهور قریب الوقوع و حتمیه.

## squeamish

Phonetic	Synonym	Meaning
/'skwi:mɪʃ/	Easily shocked	بی میل، سخت گیر، نازک نارنجی

کد: اسکیمویی ها نسبت به غذا بی میل و سخت گیر هستند!!

## engrossed

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪn'grɒʊs/	Absorbed	انحصار شده ، کاملا اشغال شده

کد ۱: انگور روس (روسیه) کاملا انحصاری شده و به اشغال در اومده!  
کد ۲: کدوم گروه انحصاری شده به من نشون بده؟؟ ایناهاش این گروه ست!!

## poignant

Phonetic	Synonym	Meaning
/'pɔɪnjənt/	Painful to the feelings , moving	تند ، تلخ ، زنده

کد: poison is poignant زهر، تلخ و زنده است!!

## inundate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ɪnʌndeɪt/	To flood , to swamp	از آب پوشانیدن، زیر سیل پوشاندن، اشباع کردن

کد: end اون date اون روزی که خیس آب شدیم رو فراموش کن دیگه تکرار نکن!

## fruitless

Phonetic	Synonym	Meaning
/'fru:tləs/	Useless	بی معنی ، بی ثمر

کد: این دیگه فکر کنم به کدگذاری نیاز نداشته باشه همه معنی fruit رو میدونن فقط less منفی کننده است در اینجا!

## garbled

Phonetic	Synonym	Meaning
/'gɑ:rbəld/	Confused, mixed up	نگران ، آشفته

کد: به garbage (آشغال/زباله) ربطش میدیم! توی خونه زباله (garbled) زیاد باشه آدم آشفته (garbage) میشه!  
کد ۲: گارفیلد همیشه آشفته بود!!

## sanguine

Phonetic	Synonym	Meaning
/'sæŋɡwɪn/	bloody , gory , hemal	خونی، سرخ ، به رنگ خون، خوش مشرب

کد: وقتی یه چیز سنگین بیفته روت، سرت خونی میشه !

## phlegmatic

Phonetic	Synonym	Meaning
/fleg'mætɪk/	Calm , sluggish	آرام ، خونسرد ، بلغمی مزاج

کد:

phlegmatic -> plleg (flag) when we hoist a FLAG we have the AUTOMATIC reaction be calm and unexcited.

## corroborate

Phonetic	Synonym	Meaning
	Confirm	تقویت کردن ، اثبات کردن، تایید کردن

کد: کاربرات! ماشینم کاربراتش خراب شد بردم تقویتش کنه و بعد از این که اثبات کرد که تقویت شده من تایید کردم!

## comprehensive

Phonetic	Synonym	Meaning
/,kɒmpri'hensɪv/	Thorough	جامع ، فراگیرنده ، وسیع

## zealous

Phonetic	Synonym	Meaning
/'zeləs/	Enthusiastic	خرافاتى ، غيور ، باغیرت

کد: دوستم از آدمهای خرافاتی و با غیرت ذله ست! (ذله = عاصی = شاکي!)

## coerce

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kɒʊʒ:rs/	To force	ناگزیر کردن ، به زور وادار کردن

کد: کو ارث؟؟؟ دوستت یقه ی داداششو میگیره و مجبورش میکنه میگه کو ارث بابا؟؟؟

## elapse

Phonetic	Synonym	Meaning
/i'læps/	To Pass by	گذشتن ، سپری شدن

کد: ایل پس؟؟؟ دورانش سپری شد و گذشت!

## meticulous

Phonetic	Synonym	Meaning
/mɪ'tɪkjələs/	Careful	باریک بین ، خیلی دقیق

کد: مهدی کله است یعنی خیلی مخه و دقیق بین!!



## domicile

Phonetic	Synonym	Meaning
/'dɒmɪsaɪl/	Home	محل اقامت ، مقر ، مقام

کد: دو مثقال به جایی که زندگی میکنی اهمیت بده!!

## lax

Phonetic	Synonym	Meaning
/læks/	Careless	شل و ول ، سست

کد: وقتی ریلکسی شل و ولی دیگه!

## sporadic

Phonetic	Synonym	Meaning
/spə'rædɪk/	Occasional	تک و توک ، متناوب

کد: p + s + ra + تیک!  
S و p رو هر جا دیدی تیک بزن چون تعدادش کمه وقت گیر نیست!

## rash

Phonetic	Synonym	Meaning
/ræʃ/	Reckless	عجول، تند، بی احتیاط

کد ۱: برای اینکه راهش کمتر بشه خیلی عجله میکنه!  
 کد ۲: مردم برای رفتن به رشت خیلی عجولند مخصوصا فصل بهار و تابستان!

## conjecture

Phonetic	Synonym	Meaning
/kən'dʒektʃər/	Guess	حدس، گمان

کد:

conclusion drawn on base of junk!

نتیجه گیری بر اساس چیزهای غیرمنطقی فقط حدسه!

## obviate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ɒbviət/	Do away with	رفع نیاز کردن، رفع کردنی

کد: آب + ate + we

ما آبو واسه رفع نیاز تشنگی میخوریم دیگه!

## lurid

Phonetic	Synonym	Meaning
/'lʊrəd/	Sensational	ترسناک ، رنگ پریده

کد: اهل لارید(اهل لار هستید؟) ؟ پس چرا انقد ترسناک و رنگ پریده شدید!؟

## quip

Phonetic	Synonym	Meaning
/kwɪp/	To joke	طعن زدن ، کنایه زدن ، مزاح کردن و شوخی کردن

کد: وقتی یه اکیپ جمع میشن به هم کوئیپ میزنن و جک میگن!

## Diatrise

Phonetic	Synonym	Meaning
/'daɪətraɪb/	Bitter criticism	زخم زبان ، سخن تلخ

کد: dia پیشوند به معنی ۲ میباشد و tribe به معنی قبیله و خانواده میشه... در نظر بگیرین ۲ قبیله ای که همش باهم جنگ دارن و به هم زخم زبان میزنن!

## inhibition

Phonetic	Synonym	Meaning
/,ɪnhɪ'bjʌn/	Restraint	بازداری ، جلوگیری از بروز احساسات

کد: این هبیتشون (habit = عادت) رو باید کنار بزارند یا باز میدارنشون!

## fortuitous

Phonetic	Synonym	Meaning
/fɔ:'tju:ɪtəs/	accidental	اتفاقی ، تصادفی

کد: Fortune is accedential. خوشبختی و شانس اتفاقی و تصادفیه!

## incoherent

Phonetic	Synonym	Meaning
/,ɪnkəʊ'hɪərənt/	Disjointed	بی ربط ، غیر متجانس

کد: این کوه رند ربطی به کوه سند نداره!!

## ilk

Phonetic	Synonym	Meaning
/ilk/	Kind , sort	خانواده ، نوع ، جور، گونه

کد ۱: ایل به همون خانواده و قشر و نوع گفته میشه دیگه!  
کد ۲: خوردن میلک برای همه ایلک ها ضروریه!

## prestigious

Phonetic	Synonym	Meaning
/pre'stidʒəs/	Well-known	با اعتبار ، شهرت

کد: لغت خیلی پر کاربرد مثلا میگن طرف خیلی پرستیژش بالاست.

## placard

Phonetic	Synonym	Meaning
/'plækɑ:d/	Poster	اعلان ، شعار حمل کردن

کد: کار پلاکارد واسه همه مشخصه دیگه کد نمیخواد.

## integral

Phonetic	Synonym	Meaning
/ 'ɪntɪgrəl/	Essential	اساسی

کد: انتگرال یکی از مباحث اساسی ریاضیات!

## remuneration

Phonetic	Synonym	Meaning
/rɪˌmjuːnə'reɪʃən/	Reward	پرداخت ، اجر ، پاداش

کد: re+money+payment معنیش دیگه کاملا مشخصه!

## nominal

Phonetic	Synonym	Meaning
/ 'nɒmɪnəl/	In name only, slight	اسمی ، نامی ، جزئی

کد: نامی

## expunge

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪk'spʌndʒ/	Erase	تراشیدن ، نابود کردن

کد: اکس+پانچ (برگه سوراخ کن) قرص اکس مانند پانچ نابودت میکند!

## flamboyant

Phonetic	Synonym	Meaning
/flæm'boɪənt/	Colorful	شعله دار ، زرق و برق دار

کد: flame

## anathema

Phonetic	Synonym	Meaning
/ə'næθɪmə/	A curse	هرچیزی که مورد لعن واقع شود ، لعنت و تکفیر

کد: آناتما گروه خواننده خارجی مورد لعنت طرفداراش قرار گرفت!

## schism

Phonetic	Synonym	Meaning
/'skɪzəm,/'	Split	جدایی ، ایجادى جدایی، تفرقه

کد: اوس کاظم باعث جدایی شیث و کبری شده!! Capricious (یادآوری!)

## utopia

Phonetic	Synonym	Meaning
/ju:'təʊpiə/	Place of perfection	مدینه ی فاضله ، کشور یا دولت ایده آل

کد: یو+توپیا|||||||.....

به دوستت میگی به بهترین کشور مهاجرت کردی و در مدینه ی فاضله هستی یو توپیا|||||||

## timorous

Phonetic	Synonym	Meaning
/'tɪməərəs/	Fearful	ترسو ، بزدل

کد ۱: والیبال تیم روس ترسوست و از مقابله با ایران میترسه!!

کد ۲: خیلی ها از تیمارستان میترسند!



## truncated

Phonetic	Synonym	Meaning
/'trʌŋkɪt/	Cut short	بریدن ، کوتاه کردن

کد ۱: توران + کتی!  
 توران پای کتی رو از خوش برید!  
 کد ۲: تراکتها رو برید و کوتاه کرد!

## jaunty

Phonetic	Synonym	Meaning
/'dʒɑ:nti/	Sprightly	خودنما ، جلف ، گستاخ

کد: جان تری (بازیکن فوتبال) خیلی گستاخ و جلفه!!

## fractious

Phonetic	Synonym	Meaning
/'frækʃəs/	Quarrelsome	بداخلاق ، زودرنج

کد: فری (فریدون) + anxious (عصبانی)!!

## ostentatious

Phonetic	Synonym	Meaning
/,ɒstən'teɪʃəs/	Showy	خودنما ، خودستا ، خودفروش

کد: آستینهاشون!! اونایی که استینشون بالاست همیشه میخوان خودنمایی کنند دیگه!

## importune

Phonetic	Synonym	Meaning
/,ɪmpər'tuːn/	Ask urgently	مصرانه خواستن ، اصرار کردن ، سماجت کردن

کد: این+پرچونه! این خیلی پرچونست به همه چی اصرار داره!

## incontrovertible

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪnˌkɔːntrə'veɪr-/	Undeniable	بی چون و چرا ، غیر قابل بحث

کد: country were true +این!

در این حرف بحثی نیست که کشورمون درست و سالم بوده!

## surreptitious

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˌsʌrəp'tɪʃəs/	accomplished by secret	نهانی ، پنهان ، محرمانه

کد:

Surreptitious sounds like suspicious.....you suspect someone if they are hiding secrets

## haven

Phonetic	Synonym	Meaning
/'heivən/	Place of safety	بندرگاه ، جای امن

کد: حیوان بی زبون روتو بندرگاه بسته بودن یک جای امن!

## subjugate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'sʌbdʒʊgeɪt/	Conquer	مطیع کردن ، تسلیم کردن

کد: صاحب+ژاکت!  
صاحب ژاکت تسلیم شد!

## ultimate

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈʌltɪmət/	Final	نهایی ، آخر

کد: all+team

تمام تیمها به مرحله نهایی راه یافتند!

## eventuate

Phonetic	Synonym	Meaning
/iˈventʃueɪt/	To result finally	نتیجه دادن ، درآمدن

## emit

Phonetic	Synonym	Meaning
/iˈmɪt/	To give off	خارج کردن ، بیرون دادن

کد: e+meet!

الی رو از میتینگ و جلسه بیرون کردن!

## subterranean

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˌsʌbtə'reɪniən/	Underground	پنهانی ، نهانی

کد: صائب تهرانیان! خودش رو پنهان کرده!

## viable

Phonetic	Synonym	Meaning
/'vaɪəbəl/	Workable	زنده ماندنی ، ماندنی

کد: وایا ای ابولی (ابولفضل!) زنده میمونه!

## permeate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'pɜ:miɛɪt/	To spread through	نفوذ کردن ، سرایت کردن

کد: معنیه permit میشه اجازه، حشرات موزی وقتی میخوان جایی نفوذ کنن میان ازت اجازه میگیرن!!!

## propitious

Phonetic	Synonym	Meaning
/prə'pɪʃəs/	Favorable	مساعد ، مناسب

کد: به تمسخر به دوستت میگی پُرشه اس! هوا خیلی خوب و مساعده!!

## premise

Phonetic	Synonym	Meaning
/'premɪs/	A proposition for argument	فرض ، مقدمه

کد: فرض کن اولش هم رفتی بهش قول (promise) دادی بعد چی؟

## jeopardize

Phonetic	Synonym	Meaning
/'dʒerpədəɪz/	Endanger	به خطر انداختن

کد: تلفظ این کلمه مثل (جیب پرداز) است. جیب پرداز مانند خود پرداز بانک ملی قرار است از خودپردازهای انسانی استفاده کند. یعنی بجای دستگاه های خود پرداز افرادی را استخدام می کند تا جلو بانک بایستند و از جیب خود به مشتریان بانک پول پرداخت کنند. پس وظیفه این کارمندان به خطر انداختن خود است. حالا شما تصور کنید در چنین پستی استخدام شده اید. هر لحظه باید خود را به خطر بیاندازید زیرا هیچ وسیله دفاعی یا امنیتی ندارید و هر آن ممکن است کسی (جیب پرداز) شما را بزند!

## incredulous

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪnˈkredʒələs,/	Skeptical	دیرباور

کد: ریشه ی cred به معنای باور میباشد که در کلمات زیادی استفاده شده است.

## surmise

Phonetic	Synonym	Meaning
/sərˈmaɪz/	Guess	حدس ، گمان ، تخمین

کد ۱: sir+mice آقا موشه به راحتی میتونه حدس بزنه پنیر کجاست!!!!

کد ۲: سر+میز

برو سر میز حدس بزن چند نفرند غذا ببریم!

## curtail

Phonetic	Synonym	Meaning
/kɜːrˈteɪl/	Cut short	کوتاه کردن ، مختصر کردن

کد: cut+tail

Tail همیشه دم! دم یه حیوانی رو ببری کوتاهش کردی دیگه!!

## repress

Phonetic	Synonym	Meaning
/rɪ'pres/	To put down	دوباره فشار دادن ، دوباره کوفتن ، فرونشاندن

کد: کافیه جدا جدا بخونیمش re+press همیشه دوباره فشردن / دوباره کوفتن

## cryptic

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kriptɪk/	Puzzling	سری ، نهان ، مرموز

کد: cryptic=keep it secret!

## inchoate

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪn'kəʊɪt/	In an early stage	شروع کردن ، تازه بوجود آمده

کد: این کویت تازه به وجود اومده و شروع به رشد کرده!!



## aspire

Phonetic	Synonym	Meaning
/ə'spaɪr/	To strive for	اشتیاق داشتن ، آرزو داشتن

کد: میتونیم هم وزنش vampire رو کد کنیم که همیشه اشتیاق و هوای خون رو داره!!

## inveigh

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪn'veɪ/	Attack ,verbally	سخن سخت گفتن، با سخن حمله کردن

کد: میتونیم این لغت رو چون تلفظش به envy نزدیکه ربط بدیم و بگیم که حسود همش با حرفاش آدمو ناراحت میکنه و به طرز بدی حرف میزنه!

## nettle

Phonetic	Synonym	Meaning
/'netl/	Irritate	خون آدم رو به جوش آوردن

کد: نت ایران آدم رو نتل میکنه!

## overt

Phonetic	Synonym	Meaning
/oʊ'vɜ:rt/	Evident, open	آشکار

کد: این کلمه رو با مخالفش به آسونی یاد بگیرین آشکار و نهان (overt-covert)

## relegate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'religeit/	Banish ,assign to inferior position	ارجاع دادن ، موکول کردن

## supine

Phonetic	Synonym	Meaning
/su:'pain/	lying on the back	بی حال ، سست

## mammoth

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈmæməθ/	Huge	ماموت ، فیل ماقبل تاریخ

## repulse

Phonetic	Synonym	Meaning
/rɪˈpʌls/	Drive back	دفع کردن ، راندن

re + پارس! رفتی بیرون یه سگه هی پارس میکنه تو دفع میکنی حملشو!  
ری پارس (repulse) میکنی!

## havoc

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈhævək/	Ruin	خرابی ، ویران کردن

کد: هوای کثیف ویرانی و خرابی به بار میاره!

## raze

Phonetic	Synonym	Meaning
/reɪz/	Destroy	بریدن ، ویران کردن ، تراشیدن

کد: همون ریز کردن یا بریدن !

## lethal

Phonetic	Synonym	Meaning
/'li:θəl/	Deadly	وابسته به مرگ ، کشنده، مهلک

کد: lethal=death+all

## scurry

Phonetic	Synonym	Meaning
/'skɜ:ri/	Run quickly	سراسیمه ، حرکت تند و سریع

کد: sounds like SCARY

خوب وقتی بترسی بسرعت حرکت میکنی و سراسیمه ای دیگه!

## complicity

Phonetic	Synonym	Meaning
/kəm'plɪsɪti/	Partnership in wrongdoing	همدستی در جرم، شریک در جرم

کد ۱:

complicity ac-complice.. complice root word, meaning a partner in crime

کد ۲:

come & play in the city i.e. Participate!!

## liquidation

Phonetic	Synonym	Meaning
/lɪkwɪ'deɪʃən/	Destruction	تصفیه ، از بین رفتن ، واریز حساب

## accomplice

Phonetic	Synonym	Meaning
/ə'kɒmplɪs/	An Associate in crime	همدست ، شریک جرم

کد: accompany in lies کسی که در دروغ همکاری کنه مجرمه!

## recant

Phonetic	Synonym	Meaning
/rɪ'kænt/	Renounce previous statements	حرف خود را رسماً پس گرفتن

کد ۱: RE (again) + CANT (cannot) بهت گفتم نمیتونم ولی حرفمو پس میگیرم!  
 کد ۲: خارجیها خیلی رک اند حرفشون رو سریع پس میگیرن.

## culpable

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kʌlpəbəl/	Deserving blame	مقصر ، مجرم

کد: culprit = culpable

## abrogate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'æbrəgeɪt/	Repeal by law	باطل کردن ، منسوخ کردن

کد: آب+روی +گست (guest) قبلاً وقتی مهمون میرفت پشت سرش آب میپاشیدن  
 ولی الان این روش منسوخ شده کلا!!

## alleged

Phonetic	Synonym	Meaning
/ə'ledʒd/	Supposed, reported	به قول معروف ، به گفته ی بعضیها

کد: all + لج!  
تمام گفته های مردم لج بازیه!

## access

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ækses/	A admittance	قابل دسترسی ، در دسترس بودن

## invalidate

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪn'vælɪdeɪt/	to deprive of legal force, cancel	نامعتبر کردن ، باطل کردن، علیل کردن

کد: valid آدم معتبری نیست (یادآوری از ۵۰۴)  
پس valid = معتبر و نامعتبر = invalid و ate در اینجا فعل سازه

## preclude

Phonetic	Synonym	Meaning
/pri'klu:d/	Prevent	مانع شدن ، پیش گیری کردن

کد: آسمون پر از کلوده (cloud = ابر) و مانع بارون اومدن شده!!!

## persevere

Phonetic	Synonym	Meaning
/pɜ:rsə'vɪr/	Persist	پشت کار داشتن ، استقامت به خرج دادن

کد: پارسی وار! همه ی پارس ها پشت کار و استقامت دارند، پس پارسی وار یعنی پشت کار داشتن و استقامت داشتن.

## landmark

Phonetic	Synonym	Meaning
/'lændmɑ:rk/	trait	نشان اختصاصی ، راهنما

کد: مارک که همه میدونیم همیشه نشان پس حدس زدن معنی آسون میشه ....



## extrinsic

Phonetic	Synonym	Meaning
/ek'strɪnsɪk/	coming from outside, foreign	بیرونی ، خارجی

کد: این لغت رو هم باید با متضادش یاد بگیریم: extrinsic#intrinsic درونی و بیرونی!

## declaim

Phonetic	Synonym	Meaning
/di'kleɪm/	Speak loudly	دکلمه کردن ، رجز خوانی کردن

کد: این کلمه هم تلفظ بشه معنی رو خودش تحویل میده!

## fetter

Phonetic	Synonym	Meaning
/'fetər/	to hamper, to chain	مقید کردن ، مانع ، پابند

کد: fit+her finger انگشتشو ببند (ثابت کن) نزار بره!!!!

## paragon

Phonetic	Synonym	Meaning
/'pærəgɑ:n/	model of excellence	نمونه ی کامل ، معیار

کد: پارا+گونه یا نمونه!

## nomadic

Phonetic	Synonym	Meaning
/nəʊ'mædɪk/	Wandering	متحرک ، چادر نشین

کد: تهرانیهها به صورت نمادیک حرکت کردند و چادر نشین شدند!

## Asperity

Phonetic	Synonym	Meaning
/æ'speriti,/	Bitterness of temper	خشونت در صدا ، ترشی در مزه

کد: آز و طمع در PRETTY (زیبا) بودن با از و طمع و خشونت!

## Epithet

Phonetic	Synonym	Meaning
/'epɪθet/	Descriptive name	صفت ، لقب

کد: ای بی + صفت!

## Controversial

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kɒntrə'vɜːrʃəl/	Debatable	مباحثه ای ، جدلی

کد: جرو بحث سر اینه که کنتور آبتون رو چال کنن!!

## Indigenous

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪn'dɪdʒənəs/	native	طبیعی ، بومی ، ذاتی

کد: india+ genius  
هندیا ذاتا نابغه اند!

## Gregarious

Phonetic	Synonym	Meaning
/grɪ'geəriəs/	enjoying the company of others	گروه دوست ، جمعیت دوست

کد: از تلفظ لغت میتونیم به گروه جو برسیم!!

## Habitat

Phonetic	Synonym	Meaning
/'hæbɪtæt/	Natural environment	محل سکونت ، مسکن طبیعی

کد: ها+بیت ات!  
یه آبادانی بهت میگه: ها (ولیک) بیت ات (بیت=خونه عربی) کجاست!؟

## Cursory

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kɜːrsəri/	not thorough, hasty	بی دقت ، سر سری ، از روی سرعت و عجله

کد: خیلی شبیه سرسری یه!

## Interloper

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈɪntərloʊpər/	an unauthorized person	فضول ، مزاحم

کد:

INTER (between) + LOAFER (idiot)

## Prolific

Phonetic	Synonym	Meaning
/prəˈlɪfɪk/	Fertile	حاصلخیز ، بارور ، نیرومند

کد: پُر فلک! فلک و آسمان پُر و سرشار از حاصلخیزی و باروریست!

## Bulwark

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈbʊlwɜrk/	Protection	خاکریز ، دیواره ی سد ، موج شکن

کد: همون بلواری که از همانند خاکریزه و مانع ست

## Sedentary

Phonetic	Synonym	Meaning
/'sedəntəri/	largely inactive	نشسته ، غیر متحرک ، غیر مهاجر

کد: dentist

وقتی میری دندان پزشکی خیلی باید بشینی!

## Frugal

Phonetic	Synonym	Meaning
/'fru:ɡəl/	Thrifty	صرفه جو ، باصرفه ، میانه رو

کد: فرو+گل....

آدمی که صرفه جو باشه توی گل فرو نمیره (منظور گرفتار نمیشه)!!

## Antithesis

Phonetic	Synonym	Meaning
/æn'tɪθɪsəs/	Exact opposite	ضد و نقیض ، تناقض

کد: آنتی همونطوری که میدونید و خیلی جاها کاربردش رو دیدین (مثلا آنتی ویروس)  
به معنای ضد و خلافه....

## altruistic

Phonetic	Synonym	Meaning
/,æltru'ɪstɪk/	Unselfish	نوع دوستانه

کد: all + true

کسی که همه چیزش درسته و خودخواه نیست و به فکر مردم بهش می‌گن نوع دوست!

## embellish

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪm'belɪʃ/	Adorn	آرایش کردن ، زینت دادن

کد:

add bell to Christmas trees and adorn it !

## cache

Phonetic	Synonym	Meaning
/kæʃ/	secret hiding place	نهانگاه ، ذخیره گاه، مخزن

کد: جای پول (cash) توی مخزن یا نهانگاه (cache) است.

## coterie

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kɒʊtəri/	small exclusive group	گروه هم مسلک (ادبی و اجتماعی)

کد: وقتی یه گروه خاص ادبی میشینن پای صحبت باید کتری و قوری هم واسه چای نوشیدن باشه!!

## cupidity

Phonetic	Synonym	Meaning
/kʌ'pɪdɪti/	Greed	حرص و از برای مال و منال

## virtuosity

Phonetic	Synonym	Meaning
/vɜ:tʃu'ɒsɪti/	great technical skill	ذوق هنرپیشگی ، استعداد هنرهای زیبا

کد: virtual+city  
شهری که مجازی باشه ذوق هنرپیشگی زیاد میشه توش!



## temerity

Phonetic	Synonym	Meaning
/tɪ'merəti/	foolish boldness	بی باکی ، جسارت ، بی پروایی

کد: تعمیراتی سر کوچہ ی ما خیلی بی باک و جسورہ!

## amorous

Phonetic	Synonym	Meaning
/'æməərəs/	Full of love	عاشق ، شیفته

کد: amor

به معنای مهربانه و از یه لحاظ دیگه هم بخوای بگی میتونی بگی عمو روس (روسیه)  
عاشق ایرانه!

## progeny

Phonetic	Synonym	Meaning
/'prɒdʒɪni/	Descendants	فرزند ، دودمان

کد:

provide gene !!!

## saturate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'sætʃəreɪt/	fill up completely	سیر کردن ، اشباع کردن

## perpetrate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'pɜːrptreɪt/	Commit	مرتکب شدن ، مقصر بودن

کد:

per+pet+r+ate -- person eating pet animal is doing wrong

## consummate

Phonetic	Synonym	Meaning
/kən'sʌmɪt/	perfect, complete	تمام و کمال ، به انجام رساندن

کد:

consume +(your)mate complete

## subterfuge

Phonetic	Synonym	Meaning
/'sʌbtəfju:dʒ/	a trick, deception	بهانه ، طفره ، طفره زنی

کد: صفر + فیروز!  
صفر بهانه جو از معرفی دوستش فیروز طفره رفت!

## concoct

Phonetic	Synonym	Meaning
/kən'kɒkt/	Devise	درست کردن ، جعل کردن ، اختراع کردن

کد: یه غذای جدید واسه ما کن کوک (cock = پختن)

## fallacious

Phonetic	Synonym	Meaning
/fə'leɪʃəs/	misleading, false	غلط ، سقسقه آمیز

کد: fall اولش رو میبینیم این کار رو میکنیم تا بتونیم معنی رو حدس بزنی  
fall=false

## manifold

Phonetic	Synonym	Meaning
/'mænifoʊld/	Many	فراوان ، چند تا ، چند برابر

کد: به راحتی میتونیم معنیشو با این کد به خاطر بسپاریم:

many + folds (two fold, three fold ...)

## assiduous

Phonetic	Synonym	Meaning
/ə'sɪdʒuəs/	busy, attentive	دارای پشت کار ، زحمت کش

کد: توی کار و زحمت کشی همچون اسیدی است غیرتی!

## impeccable

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪm'pekəbəl/	Faultless	بی عیب و نقص

کد: این پاکه بلال جان!!!

## fraught

Phonetic	Synonym	Meaning
/frɒ:t/	Filled	پر ، مملو

کد: دجله و فرات پر از آبه !

## resourceful

Phonetic	Synonym	Meaning
/ri'zɔ:sfəl,/	able to meet any situation	کاردان ، زیرک

کد: وقتی یه نفر فول از منابع باشه معلومه که زیرک و کاردانه!

Resource+full = someone who is full of resource

## murky

Phonetic	Synonym	Meaning
/'mɜ:ki/	dark, obscure	تیره

کد: میتونیم اینجوری بگیم: murky=darky!

## component

Phonetic	Synonym	Meaning
/kəm'pəʊnənt/	element, part	مولفه ، جزء ، ترکیب کننده

کد: کامپوننت و اجزا

## hoax

Phonetic	Synonym	Meaning
/hoʊks/	a trick	شوخی فریب آمیز، گول زدن ، دست انداختن

کد: کافیه اینجووری بگیم:

hoax=practical jokes!!

## labyrinth

Phonetic	Synonym	Meaning
/'læbərɪnθ/	winding passages	مارپیچ ، پرپیچ و خم

کد: labourer شغل کارگری خیلی سخت و پرپیچ و خمه!

## evaluate

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪ'væljueɪt/	find the value of, review	ارزیابی کردن ، سنجیدن

کد: ایولا! خیلی خوب ارزیابی کردیش!

## exult

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪg'zʌlt/	rejoice greatly	شادی کردن ، خوشی کردن

کد: کافیه این کلمه رو اینجوری بخونیم : exam+result  
خوب وقتی نتایج امتحانات میاد همه خوشحال میشن دیگه!

## attest

Phonetic	Synonym	Meaning
/ə'test/	confirm as accurate, vouch for	تصدیق ، امضا کردن ، شهادت دادن ، گواهی دادن

کد: توی امتحانات دانشگاه همیشه باید یه برگه ای رو امضا کنیم و گواهی بدیم  
دیگه!! At+test

## gullible

Phonetic	Synonym	Meaning
/'gʌləbəl,/'	easily fooled	ساده لوح ، گول خور

کد: تلفظ لغت خودش کد رو به ما میده! گول خور

## deploy

Phonetic	Synonym	Meaning
/dɪ'plɔɪ/	spread out in battle formation	گسترش ، گسترش یافتن

کد: افرادی که دیپلم دارن تعدادشون گسترش یافته و زیاده!!

## enigma

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪ'nɪgmə/	a riddle, puzzle	چیستان ، معما

کد: آخر نفهمیدیم راز و چیستان این خواننده ی خارجی آن یگما (enigma) چیه!



## abortive

Phonetic	Synonym	Meaning
/ə'bo:tɪv/	fruitless, failing	بی نتیجه ، بی ثمر

کد:

Relate it to abort. Things usually gets aborted when it seems that it would be unsuccessful or fruitless

## modify

Phonetic	Synonym	Meaning
/'mɒdɪfaɪ/	to change	اصلاح کردن ، تغییر دادن

کد: میتونیم از هم معنیش qualify استفاده کنیم!

## accommodate

Phonetic	Synonym	Meaning
/ə'kɒmədeɪt/	to make fit, adjust to	جا دادن ، تطبیق دادن

کد: تو کمدت همه چی جا میشه و میتونی همه رو با هم تطبیق بدی!!

## spontaneous

Phonetic	Synonym	Meaning
/spɒn'teɪniəs/	on the spur of the moment	خود به خود ، بی اختیار

کد: اسپانیا تنهاست! و بی اختیار! و همه کاراش خود به خود انجام میشه!

## innate

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪ'neɪt/	natural, inborn	ذاتی ، درونی ، فطری

کد: innate=inborn

## vener

Phonetic	Synonym	Meaning
/vi'nɪr/	thin covering	روکش ، جلا ، روکش زدن به

کد: پینیرهایی که میاد اول روکش میزنن بهشون بعد جلا میدنش!!

## myriad

Phonetic	Synonym	Meaning
/'mɪrɪəd/	countless number	بی شمار ، ده ها هزار

کد: اگه بخوایم میلیارد رو به سکه ۵۰ تومنی تبدیل کنیم هزاران سکه میشه!!!!

## urbane

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɜ:r'beɪn/	polished, civilized	مودب ، مودبانه

کد: توی اربعین خیلی باید مودب باشی و مودبانه رفتار کنی!

## crave

Phonetic	Synonym	Meaning
/kreɪv/	to desire	آرزو داشتن ، اشتیاق داشتن

کد: آدمها آرزو دارن (crave) که brave (شجاع) باشن!

## irrelevant

Phonetic	Synonym	Meaning
/i'relɪvənt/	not related to the subject	نامربوط ، بی ربط

کد: relation = relevant

به معنای رابطه ارتباط میباشد که با پسوند ir منفی شده است.

## deem

Phonetic	Synonym	Meaning
/di:m/	believe, to judge	فرض کردن ، پنداشتن

## inherent

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪn'hɪərənt,/	inborn, natural	ذاتی ، اصلی ، طبیعی

## buff

Phonetic	Synonym	Meaning
/bʌf/	a fan, follower, enthusiast	براق کردن، چرم گاو میش، پرداخت کردن

کد:

buff has 2 meanings:

1. Buff...Remember buffalo...So animal skin coat is its meaning.
2. Buff...also is a follower

## romp

Phonetic	Synonym	Meaning
/rɑ:mp/	move in a lively manner	با جیغ و داد بازی کردن

کد: رامبی همش جیغ و داد میکرده!

## latent

Phonetic	Synonym	Meaning
/'leɪtənt/	lying hidden	نهان ، پنهان

کد: کافیه اینجوری بخونیمش: latent=talent  
خوب افراد باهوش و زرنگ همیشه استعداد نهان دارند دیگه!!!

## tortuous

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈtɔːtʃuəs/	indirect	پیچاپیچ ، غیر مستقیم

کد: به طرف غیر مستقیم بگو ترشروست!

## itinerant

Phonetic	Synonym	Meaning
/aɪˈtɪnərənt/	going from place to place	سیار ، دوره گرد

کد: ای تی نرن! به دوستات بگو رشته ی ای تی T | نرن چون باید دوره گردی کنند به طور سیار!

## peregrination

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˌperɪgrəˈneɪʃən/	travel (n)	سرگردان بودن ، سفر کردن

کد:

remove 1st 3 letter egrination sounds like migration, which means the same

## conjugal

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kɒndʒʊɡəl/	relating to marriage, connubial	نکاحی ، ازدواجی

کد: رابطه ی زناشویی و ازدواج برای همه مانند کنج گل لطیف و زیباست!

## Barometer

Phonetic	Synonym	Meaning
/bə'ra:mətər/	instrument for measuring change	بارومتر ، فشار سنج

کد: بارومتر

## megalomania

Phonetic	Synonym	Meaning
/,megələʊ'meɪniə/	abnormal desire for power	مرض بزرگ پنداری داشتن ، جنون انجام کارهای بزرگ

کد: mega همیشه زیاد ، mania هم همیشه دیوانگی .... پس حدس زدن معنی آسون شد!

## profligate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'prɒflɪɡət/	Wasteful	هرزه ، بی بند و بار ، ولخرج

کد: اونایی که پروفایلشون رو به صورت GATE باز میزارن بی بندو بارند!

## strife

Phonetic	Synonym	Meaning
/straɪf/	unrest, discord	ستیزه ، نزاع ، دعوا

کد: میتونیم از strike واسه ارتباط دادن استفاده کنیم به این صورت که توی strife (دعوا) همیشه آدم strike (ضربه) میخوره!!

## legion

Phonetic	Synonym	Meaning
/'li:dʒən/	large number	لژیون ، سپاه رومی ، هنگ ، گروه



## coup

Phonetic	Synonym	Meaning
/ku:z/	revolution, overthrow	کودتا ، برهم زدن

کد: توی کوپه ی قطار نشسته بودیمه که قطار تصادف کرد و همه چی رو به هم زد.

## amnesty

Phonetic	Synonym	Meaning
/'æmnəsti/	a general pardon	گذشت ، بخشش کردن

کد: وقتی توی جای امن هستی دلیلش این بوده که دیگران ازت راضی اند و از سر اشتباهات گذشت کردند!

## expatriate

Phonetic	Synonym	Meaning
/eks'pætriət/	an exile	تبعیدی ، مهاجر ، از کشور خود راندن

کد: EX-PATRIOT کافیه بدونیم که patriot همیشه هم میهن و ex هم میشه قبلی!! هم میهنی را در نظر میگیریم که از کشور رانده شده و مهاجر به حساب میاد!

## exonerate

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪg'zɒnəreɪt/	to free from guilt	تبرئه شدن ، روسفید کردن

کد: ex+honourate کسی که قبلا مایه ی افتخار بود به اشتباه به زندان افتاد ولی تبرئه شد.

## fiat

Phonetic	Synonym	Meaning
/'faɪæɪt/	an official order, a decree	حکم ، امر ، اجازه

کد: هنوزم که هنوزه فیات ماشینی که روی بقیه حکم داره و با امر اون بقیه اومدن روی کار!!

## mendacious

Phonetic	Synonym	Meaning
/men'deɪʃəs/	false, lying	دروغگو ، کاذب

کد: دوستت بهت میگه شیت رضایی از فوتبال خدافظی کرده تو هم بهش میگی دروغگو ، مونده شیت!!

## parsimonious

Phonetic	Synonym	Meaning
/pɑːsɪ'məʃniəs/	Miserly	خسیس ، صرفه جو

کد: اوستا بنا داره کار میکنه بهش میگی کمتر خسیس بازی در بیار و پُر سیمان بزن!!

## pecuniary

Phonetic	Synonym	Meaning
/pɪ'kjuːniəri/	financial	پولی ، نقدی ، مالی

کد: پس کوه نری چون از لحاظ مالی کم میاری!  
پس کوه نری = کم میاری از لحاظ مالی

## dismantle

Phonetic	Synonym	Meaning
/dis'mæntl/	take apart, disassemble	پیاده کردن ، بی مصرف کردن

کد: دوستت که رانندس بهت میگه This man tell این مسافر میگه پیاده میشم!

## sumptuous

Phonetic	Synonym	Meaning
/'sʌmptʃuəs/	Lavish	پر خرج ، گران ، مجلل

کد: سام چو اسی (سام همچون/همانند اسماعیل) عروسیشو پرخرج و مجلل گرفت!

## underwrite

Phonetic	Synonym	Meaning
/,ʌndə'raɪt/	agree to finance	امضا کردن ، نوشتن ، تعهد کردن

کد: کاملاً مشخصه معنیش under+write

## restrictive

Phonetic	Synonym	Meaning
/ri'strɪktɪv/	harsh, confining	داروی پیش گیر، محدود سازنده

کد: restrict رو میدونیم همیشه محدود کردن که با ive پسوند ، به صفت تبدیل  
میشه....

## balk

Phonetic	Synonym	Meaning
/bɔːlk/	to refuse to move	امتناع کردن ، مانع شدن، رد کردن

کد: باک بنزین رو در نظر بگیرید که همیشه امتناع میکنیم از پر کردنش و میگییم بعدا!!!

## blunt

Phonetic	Synonym	Meaning
/blʌnt/	plain spoken	بی پرده ، رُک ، کند ، بی نوک ، کند کردن

کد: اون دوستانی که بلوند تشریف دارند همیشه کر و رو راست بودن با آدم!

## nostalgia

Phonetic	Synonym	Meaning
/nɒ'stældʒə/	yearning for the past	دلتنگی برای میهن ، احساس غربت، حسرت گذشته

کد: نوستالژی هم که در فارسی زیاد استفاده میشه.

## rife

Phonetic	Synonym	Meaning
/raɪf/	Widespread	پر ، مملو ، رایج

کد: life (زندگی) پر (rife) از خوبیهاست !

## Reviled

Phonetic	Synonym	Meaning
/rɪ'vaɪl/	scolded	فحش دادن ، ناسزا گفتن

کد: یه سریها هم هستند وقتی کارشون به روال عادی پیش نمیره به همه فحش میدن!!

## derogatory

Phonetic	Synonym	Meaning
/dɪ'rɑːgətɔːri/	expressing a low opinion	مضر ، خفت آور ، زیان آور

کد: دراگی+طوری  
دراگی (کسی که دارو و دراگ مصرف میکنه) طوریه که همه میدونن مضره!

## indict

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪn'daɪt/	accuse	متهم کردن ، تعقیب قانونی کردن

کد: این دیکتاتور باید تعقیب بشه!!

## nebulous

Phonetic	Synonym	Meaning
/'neɪbjʊləs/	vague, not clear	به شکل ابر ، تار

کد: نبی+یو +لوس! نبی تو وقتی خودتو لوس میکنی حتی ابرها هم تیره و تار میشن!!

## pesky

Phonetic	Synonym	Meaning
/'peski/	annoying	اذیت ، مزاحم

کد ۱: توی اسکی رفیقتو پسکی (اذیت) نکن خطرناکه.  
کد ۲: تو مزاحم شده بودی پس کی (pesky) بود؟!

## redolent

Phonetic	Synonym	Meaning
/'redəl-ənt/	fragrant	معطر ، بودار ، حاکی

کد: کافیه کلمه ی odor رو استفاده کنیم در اینجا که معنیش میشه رایحه و عطر  
re+odor+lent

## repose

Phonetic	Synonym	Meaning
/rɪ'poʊz/	state of rest	آرامش ، سکون ، آسودگی ، دراز کشیدن

کد: با این یک لغت سه کلمه به راحتی یاد میگیریم!

repose = resting pose

expose = externally pose

depose = remove from a post, declare under oath

## disparate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'dispərət/	different	ناجور ، نامساوی ، نابرابر

کد:

this parrot is different than the rest!! به دوستت میگی این طوطی

خیلی با بقیه فرق داره ! مثلا این حرف میزنه و آشپزی میکنه !!

(غیر منطقی فرض کنین که تو ذهنتون بمونه)



## Abstemious

Phonetic	Synonym	Meaning
/əb'sti:mɪəs/	moderate in eating or drinking	مرتاض ، پرهیزگار ، ممسک

کد:

focus on 'abs' part of this word. Abs...To build a six-pack abs, eat n drink carefully

## extant

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪk'stænt/	still existing	موجود ، هستی

کد: Opposite of extinct is extant

یکیش به معنای موجود هستی و دیگری به معنای از بین رفته و منقرض شده!

## omnivorous

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɒm'nɪvərəs/	eating any kind of food	همه چیز خور ، وابسته به جانوران همه چیز خور

کد: یه جانور عجیب که حرف میزنه میاد بهت میگه

I'm not various=omnivorous

یعنی من با بقیه جانوران فرق ندارم و همه چی میخورم!!

## vicissitudes

Phonetic	Synonym	Meaning
/vi'sɪsətʃuːdz/	Difficulties	تحول ، دگرگونی

کد: وی سی سی تود (we see 300 toot)  
 ما ۳۰ تا درخت توت دیدیم که تحول پیدا کردن و دگرگون شدن!!

## edifice

Phonetic	Synonym	Meaning
/'edɪfəs/	Building	عمارت ، ساختمان بزرگ

کد: تقریبا مثل head office تلفظ میشه که یه ساختمون بزرگ برای شعبه  
 اصلی اداره در نظر میگیرن!!

## sultry

Phonetic	Synonym	Meaning
/'sʌltri/	Torrid	شرجی ، مرطوب

کد: سال تری و مرطوبی پیش روست!!

## trenchant

Phonetic	Synonym	Meaning
/'trentʃənt/	keen, sharp, biting	برنده ، تیز ، بران

کد:

When you chant it is to be very strong, clear and effective

## puissant

Phonetic	Synonym	Meaning
	Powerful	نیرومند ، توانا

کد: pussy (گربه) در مقابل ant (مورچه) خیلی تواناتر و نیرومند تره!!

## unabated

Phonetic	Synonym	Meaning
/,ʌnə'beɪtɪd/	without subsiding	کاسته نشده ، فرو ننشسته

کد: برای حفظ این واژه کافیت به این شکل عمل کنیم: ab+ate  
وقتی آب خورده بشه ازش کم میشه و کاسته میشه دیگه!!! پس abate میشه کاسته شدن و un معنی رو منفی میکنه.

## maudlin

Phonetic	Synonym	Meaning
/'mɑ:dlin/	Sentimental	خیلی ضعیف و احساساتی

کد: دوستم اسمش واسه مدلینگ (modeling) دراومد چون خیلی ضعیف بود احساساتی شد.

## levity

Phonetic	Synonym	Meaning
/'leviti/	humor, lightness of disposition	سبک سری، رفتار سبک، لوسی

کد: leave it سبک سری و رفتارهای سبک و لوس بازی رو ترک کن!!  
you casually leave things without any seriousness

## lugubrious

Phonetic	Synonym	Meaning
/lu:'gu:briəs/	very sad	اندوهگین ، غم انگیز

کد:

He was very mournful when he had to BURY his maimed LEG!!

## scion

Phonetic	Synonym	Meaning
/'saɪən/	Descendant	قلمه ، نهال ، ترکه ، فرزند

کد: میتونید یه جورایی با این لغت حفظش کند!!!!  
پسر، فرزند = son

## indoctrinate

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪn'dɒktrɪneɪt/	to teach certain principles	آموختن ، تلقین کردن

کد: این دکتر نت (شبكة = net) خیلی آموزش میده به مردم!

## opulence

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ɒpjʊlənt/	Wealth	توانگری، دولت مندی ، وفور

کد:

our fluent in English is our opulence

سلیس و روان بودن ما در انگلیسی توانگری ماست.

## obsequious

Phonetic	Synonym	Meaning
/əb'si:kwiəs/	seeking favor	چاپلوس ، فرمانبردار

کد: سعی کنید این کلمه رو به جمله ی آب زیر کاه ست ربط بدین!  
کسی که آب زیر کاه باشه خیلی چاپلوسه!

## fulsome

Phonetic	Synonym	Meaning
/'fʊlsəm/	Excessive	فراوان ، مفصل

کد: full of something

## lush

Phonetic	Synonym	Meaning
/lʌʃ/	Luxurious	پر آب ، شاداب

کد: لاشه ی حیوانات سنگین وزن پر از آب است!

## destitution

Phonetic	Synonym	Meaning
/'destitju:t/	extreme poverty	فقر ، بی چیزی

کد: دستی تو شن!  
دستی که تو شن و ماسه و سیمان همیشه دست یک فقیر و بی چیز بوده!

## ponder

Phonetic	Synonym	Meaning
/'pa:ndər/	consider carefully	اندیشه کردن ، تفکر کردن

کد: پاندا + err = error  
دلیل اینکه پانداها زیاد اشتباه نمیکنند اندیشه و فکر کردنشونه!!

## supplication

Phonetic	Synonym	Meaning
/,sʌplɪ'keɪʃən/	earnest prayer	التماس ، تضرع

کد: صاحب این لوکیشن (محل = location) هرکی هست باید از اینجا بره!  
(فکر کنید یه آدم فقیر صاحب خونه ست و التماس و گریه زاری میکنه که بیرونش نکنن)

## decadence

Phonetic	Synonym	Meaning
/'dekədəns/	Decay	زوال ، فساد ، انحطاط ، نابودی

کد:

cadence: rhythmic rise and fall (of words and sound).. so de + cadence is only a fall to a lower level without any rising

کد ۲: دکه + دنس (dance)

دکه ای که توش دنس و رقص باشه آخرش فساد و نابودیشه!

## penance

Phonetic	Synonym	Meaning
/'penəns/	atonement for sin	توبه ، عذاب ، مجازات

کد: راه توبه ی خداوند همیشه پهن است!!

## ascetic

Phonetic	Synonym	Meaning
/ə'setɪk/	one who practices self-denial	ریاضت کش ، تارک دنیا

کد: استیک اسید ریختن روش تا ریاضت کش بشه و دنیا رو ترک کنه!!



## desultory

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈdesʌltəri/	disconnected, random	بی قاعده ، بی نظم ، در هم و برهم

کد: دیزل طوری طراحی شده که همه قطعاتش همش بی قاعده کنار هم قرار گرفتند!!

## disciple

Phonetic	Synonym	Meaning
/diˈsaɪpəl/	Follower	شاگرد ، مرید

کد: دستی پول=پول دستی بده به شاگردت لازم داره خوب!!

## metamorphosis

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˌmetəˈmɔːfəsis/	Change	دگردیسی ، تغییر

کد: قسمت آخر رو نگاه کنید (morph برعکسش کنی و تغییر بدی بهش میشه فرم!) معنیش هم میشه تغییر دادن

## bona fide

Phonetic	Synonym	Meaning
/'bʊnəfaɪd/	Genuine	صادقانه ، حقیقی

کد: به نفع (بونافاید) هست که صادقانه رفتار کنی

## salvation

Phonetic	Synonym	Meaning
/sæl'veɪʃən/	deliverance from ruin	رستگاری ، نجات

کد: صلوات راه رستگاری و نجات است!

## materialism

Phonetic	Synonym	Meaning
/mə'tɪəriəlɪzəm/	concern with possessions	مادی گرا

کد: دوستان این لغت خیلی استفاده میشه متریالیسم (مادی گرا) و رئالیسم همیشه واقع گرا = realism

## nurture

Phonetic	Synonym	Meaning
/'nɜ:rtʃər/	Nourish	پرورش دادن ، به ثمر رساندن

کد: پدر و مادر ناچار (nurture) هستند که بچه هاشونو پرورش بدن دیگه!

## nirvana

Phonetic	Synonym	Meaning
/nɪə'vɑ:nə,/	heavenly place	سعادت ابدی ، بهشت بویا

کد: کلمه ای که بارها شنیدیم نیروانا بهشت بودائیان است.

## juxtapose

Phonetic	Synonym	Meaning
/'dʒʌkstəpəʊz/	to place side by side	کنار هم گذاشتن ، پیش هم گذاشتن

کد: just+repose فقط جاشونو عوض کن و کنار هم بزار!!

## plight

Phonetic	Synonym	Meaning
/plait/	Predicament	مخمصه ، گرفتاری

کد: پولات=پولهات رو جمع کن که به مخمصه و گرفتاری بر نخوری!

## covert

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kʊɔvɜrt/	Secret	پنهان

کد: این کلمه رو هم با مخالفش یاد میگیریم:  
covert#overt آشکار # نهان

## cope

Phonetic	Synonym	Meaning
/kʊp/	to be a match for	از عهده ی برآمدن

کد: از عهده ی این کاپ بر میایم و برنده میشیم!

## incompatibility

Phonetic	Synonym	Meaning
/,ɪnkəm'pæɪtəbəl/	lack of harmony	ناسازگاری ، مغایرت

## incapacitated

Phonetic	Synonym	Meaning
/,ɪnkə'pæɪtɪt/	Disabled	درمانده ، عاجز

کد: چرا مثل عاجزها پاس میدی آخه؟! این که پاس تو باشه آدمو درمونده میکنه!

## fabricate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'fæbrɪkeɪt/	to lie	ساختگی ، از خود درآوردن

کد: یه دروغ فابریک از خودش درآورد و به دوستش گفت!

## connubial

Phonetic	Synonym	Meaning
/kə'nju:biəl/	related to marriage	زناشویی ، زن و شوهری

کد:

nubial is close to nuptial hence something related to marriage.

## demur

Phonetic	Synonym	Meaning
/di'mɜ:r/	to object	درنگ کردن، تردید رای، کمرویی کردن

کد: اگه شک کنی و درنگ کنی هنگام رای دادن دمار از روزگارت در میان!

## appellation

Phonetic	Synonym	Meaning
/,æpə'leɪʃən/	a name	نام ، لقب ، عنوان

کد: شرکت اپل لوکیشن و لقبش رو تغییر داد!

apple+location

## escalation

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈeskəleɪt/	Intensification	افزایش ، گسترش

کد: بندریها دوست دارند اسکله شون رو همش زیاد کنن و اضافه کنن!!

## indifference

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪnˈdɪfərəns/	lack of concern	بی تفاوتی ، بی اعتنایی

کد: کلمه ی difference رو همه میدونیم میشه تفاوت و پیشوند in هم بارها گفتیم که منفی کنندست....

## potential

Phonetic	Synonym	Meaning
/pəˈtenʃəl/	Possible	پتانسیل ، بالقوه ، ممکن

کد: پتانسیل

## cumulative

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kju:mjʊlətɪv/	Accumulated	روبه افزایش ، فزاینده

کد: ایرانیها دارند لوکوموتیوهاشون رو برای راه آهن افزایش میدن و اضافه میکنن!!

## recondite

Phonetic	Synonym	Meaning
/'rekəndɪt, /	obscure, hidden	پوشیده ، نهان ، مرموز ، مخفیانه

کد:

read recondite as "re conduct". The professor recoducted (repeated) the topic as the students could not understand properly.

## palliate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'pæliet/	relieve without curing	تسکین دادن ، آرام کردن

کد: وقتی یکی رو خدا نکرده از دست میدی میان پهلوی تو میشینن تا آرومت کنن!!



## delude

Phonetic	Synonym	Meaning
/dɪ'luːd/	to fool	گول زدن ، فریب دادن

کد: دلود رو فریب دادی ولی دلت رو هیچ موقع نمیتونی فریب بدی!!!!

## prelude

Phonetic	Synonym	Meaning
/'preljʊːd/	Introduction	مقدمه ، پیش درآمد

کد ۱: پیرلوت مقدمه و آغازی بود برای دوست داشتن!  
کد ۲: پری+لوده! لوده بازی های پری از مقدمه ی بدبختی اوست!!

## chimerical

Phonetic	Synonym	Meaning
/kaɪ'merɪkəl, /	imaginary, fantastic	خیالی ، واهی ، غیرواقعی

کد: she is miracle  
توی خوابت یه آدم خیالی میبینی و این جمله رو میگی!!

## acknowledge

Phonetic	Synonym	Meaning
/ək'nɒlɪdʒ/	Admit	تایید کردن ، قبول کردن

کد: accept+knowledge

## heterogeneous

Phonetic	Synonym	Meaning
/,hetə'rɒdʒənəs/	Dissimilar	غیرهمجنس ، ناهمگن ، ناجور

کد: کلمه ی جنس رو در آخر میتونیم ببینیم و دقیقا هم به معنای جنس هستش و پیشوند قبلیش hetero پیشوندی به معنای نا /غیر میباشد پس معنی به راحتی فهمیده میشه.

## gamut

Phonetic	Synonym	Meaning
/'gæmət/	Range	حیطه ، دامنه ، گستره

کد: پاتو از گلیمت (gamut) و حیطه ت بیرون نزار!!!

## perspicacious

Phonetic	Synonym	Meaning
/,pɜːspɪ'keɪʃəs/	Shrewd	زیرک ، با فراست

کد: در نقشه کشی اونایی که داناتر و زرنگترند پرسپیکتیو (نمای سه بعدی جسم) رو زودتر رسم میکنند!

## analogous

Phonetic	Synonym	Meaning
/ə'næləgəs/	comparable, similar	مشابه ، یکسان ، شبیه

کد: آنالوگ و دیجیتال شبیه هم نیستند!

## maladjusted

Phonetic	Synonym	Meaning
/,mælə'dʒʌstɪd/	Disturbed	پریشان ، نگران

کد: mal+adjust+it

Mal معنای منفی داره پیش خودت فکر میکنی که یه چیزی رو بد تنظیم کردی (adjust) همش فکرت اونجاست و نگرانشی!!

## phenomenon

Phonetic	Synonym	Meaning
/fi'nɑ:mənɑ:n/	unusual occurrence	پدیده ، حادثه

کد: فنا منا!!! این حادثه ها و پدیده ها باعث فنا و نابودی طبیعت میشه !

## mortality

Phonetic	Synonym	Meaning
/mɔ:'tælɪti/	Death	مرگ ومیر ، فنا پذیری

کد: mortal = مردنی و immortal = نمردنی یا جاویدان!!

## decade

Phonetic	Synonym	Meaning
/de'keɪd/	ten years	

کد: شهرداری دکه رو ۱۰ ساله اجاره میده.

## susceptible

Phonetic	Synonym	Meaning
/sə'septɪbəl/	easily affected	مستعد ، آماده ، حساس

کد: اگه دقت کرده باشین ساس ها روی تیبیل (table = میز) حساس هستند و همش گیر میدن به از بین بردن لوازم چوبی! چون لوازم چوبی مستعد نابودی هستند!

## neurotic

Phonetic	Synonym	Meaning
/njʊ'rɒtɪk /	having a nervous disorder	آدم عصبانی ، عصبی

کد: نور+تیک! یا تیک نور! اونایی که تیک نور دارن وقتی نور مستقیما به چشمشون میندازی عصبی میشن!

## pedagogue

Phonetic	Synonym	Meaning
/'pedəgɒg/	Teacher	آموزگار ، معلم

کد: پدر گاج! اولین معلمی بود که آموزشگاه زد!!

## enunciate

Phonetic	Synonym	Meaning
/i'ɪnʌnsiət/	to utter, proclaim	اعلام کردن ، گفتن

کد: میتونیم با یه ذره تغییر به announce it که میشه آگهی اعلام معنیشو حدس بزنینم!

## inordinate

Phonetic	Synonym	Meaning
/i'no:dənət/	Excessive	بی اندازه ، مفرط

کد: این اردوی نت! (نتورک = network) بی اندازه خوش گذشت بهمون!

## irascible

Phonetic	Synonym	Meaning
/i'ræsɪbəl/	Irritable	تندخو ، آتشی مزاج

کد: ایرج+زبل !!  
ایرج زبل خیلی زود قاطی میکنه و عصبی میشه! کلا آدمی تندخوست!

## introspective

Phonetic	Synonym	Meaning
/,ɪntrə'spektɪv/	looking into one's own feelings	درون نگر ، خویشتن نگر

کد: intro(within)+perspective

## perpetuate

Phonetic	Synonym	Meaning
/pə'petʃueɪt/	to cause to continue	همیشگی کردن ، دائمی کردن

کد: پرو پاچتو بده بالا یه تغییر همیشگی تو زندگیت بده دیگه!!

## mandate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'mændeɪt/	authoritative command	اختیار ، حکم ، فرمان

کد: مهمون میاد خونتون بهش میگی اگه موندید اختیار همه چی با شماست! شما حاکم اصلا!!!

## compensatory

Phonetic	Synonym	Meaning
/,kɒmpən'seɪtəri/	serving to pay back	جبران ، تلافی

کد: کامیون پسته رو طوری آوردن که تمام بدیهاشون رو جبران کردند!

## neutralize

Phonetic	Synonym	Meaning
/'nju:trəlaɪz/	Counteract	خنثی کردن ، بی اثر کردن

کد: این دیگه بر میگردد به سوادمون و از بچگی میدونستیم نوترون neutron خنثی است برعکس پروتون و الکترون ، که همون نوترون به فعل تبدیل شده در اینجا با اضافه شدن ize

## catastrophic

Phonetic	Synonym	Meaning
/kə'tæstrəfi/	Disastrous	مصیبت بار ، فاجعه آمیز

کد: که+تصادف و ترافیک مصیب بار و فاجعه آمیزه!!!



## anthropologist

Phonetic	Synonym	Meaning
/,ænθrə'pɒlədʒi/	person who studies mankind's customs	انسان شناس ، مردم شناس

## bizarre

Phonetic	Synonym	Meaning
/bi'zɑ:r/	Weird	عجیب و غریب

کد ۱: تصور کنید چند تا بز میبینی که رفتند بالای درخت خیلی عجیبند به دوستت میگی بزارو بزارو!!  
کد ۲: از آدمهای عجیب غریب بیزارم!

## inanimate

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪn'ænimət/	without life	مرده ، بی جان ، بی روح

کد: animate به معنای متحرک کردن/متحرک میباشد همونطوری که از animation انیمیشن متحرک سازی میدونیم که لغت پر کاربردیه. در اینجا فقط پسوند منفی ساز in معنی رو عوض میکنه....

## fetish

Phonetic	Synonym	Meaning
/'fetɪʃ/	a magical object	طلسم ، بت ، صنم

کد: اون چی بود که بت پرستهای قدیم فداش میشدن؟؟؟ بت/صنم!

## artifact

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ɑ:rtɪfækt/	a hand-made object	شیء دست ساز ، شیء مصنوعی

کد:

art +factory -- man made factory of art

## taboo

Phonetic	Synonym	Meaning
/tə'bu:z/	Forbidden	حرام

کد: تابوت مرده زیاد نباید روی زمین بمونه حرامه!!

## imprudent

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪm'pru:dənt/	Unwise	بی احتیاط ، بی فکر، نسنجیده

کد: این پررو+دنس (dance)!  
این آدم پررو و بیفکر جلو همه میرقصه (dance)

## prohibition

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˌprəʊhɪ'bɪʃən/	forbidding of certain actions	ممنوعیت ، تحریم

کد: (پرروی بی چون) و چرا ممنوع!

## imperative

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪm'perətɪv/	Necessary	امری ، دستوری ، حتمی

کد: کار امپراطور همش دستور دادنه دیگه!

## taint

Phonetic	Synonym	Meaning
/teɪnt/	Contaminate	لکه دار کردن ، آلوده کردن

کد: هیچ موقع تنت و اسمت رو آلوده و لکه دار نکن!!

## universal

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˌjuːnɪˈvɜːsəl/	Widespread	فراگیر ، جهانی

## contemptuous

Phonetic	Synonym	Meaning
/kənˈtɛmpʃuəs/	looking down on someone or something	اهانت آمیز ، تحقیر آمیز

کد: با اهانت کامل گفت سیگار کنت من چوبیست!

## absurd

Phonetic	Synonym	Meaning
/əb'sɜ:rd,/ 	Ridiculous	غیرمنطقی ، بی معنی

کد: آب سرد! کسی رو دیدین با آب سرد چایی درست کنه؟؟ غیر منطقیه دیگه!

## bigot

Phonetic	Synonym	Meaning
/'bigət/ 	one who is not tolerant of others' ideas	متعصب ، ریاکار

کد ۱: یه نفر رو در نظر بگیرید که کلی اذیتتون کرده و متعصب باشه میگی اگه ریاکاری کردم بگید (bigot)  
کد ۲: آدمی که متعصب و ریاکار باشه یه احمق بزرگه big+idiot

## abhor

Phonetic	Synonym	Meaning
/əb'hɔ:r/ 	to utterly hate	تنفر ، متنفر بودن از

کد: متنفرم دوباره برگردم به ابهر!!!

## vulnerable

Phonetic	Synonym	Meaning
/'vʌlnərəbəl/	able to hurt	آسیب پذیر ، زخم پذیر

کد: پیش وال نرو بیل بزنی آسیب پذیره!! وال (wall = دیوار) + نرو + بیل

## entreaty

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪn'tri:ti/	plea, appeal	تمنا ، التماس ، خواهش

کد: این تریبی که تو برخورد میکنی همش باید التماس مردم کنی!!

## tradition

Phonetic	Synonym	Meaning
/trə'dɪʃən/	long-standing practice	رسم ، سنت

کد: رسم و سنته که تره توی دیش (dish = ظرف) خورده شه!

## originate

Phonetic	Synonym	Meaning
/ə'ri:dʒɪneɪt/	begin, arise	سرچشمه گرفتن ، نشأت گرفتن

کد: باز هم کلمه ای که نیاز به کد نداره و اورجینال کلمه ایه که بارها به گوشمون خورده فقط در اینجا پسوند ate باعث میشه کلمه به فعل تبدیل بشه.

## inviolable

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪn'vaɪələbəl/	completely protected	مقدس ، محترم

کد: این والیبال ایران واقعا قابل احترامه و محترمند افرادی که زحمت کشیدن برایش.

## awesome

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ɔ:səm/	inspiring terror, weird	مایه ی هیبت و احترام ، ترس آور ، وحشت آور

کد: این اوسام (اوستای من) خیلی وحشتناکه ولی مایه ی هیبت و احترامه !

## eruption

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪˈrʌpʃən/	bursting out	فوران ، انفجار

کد: اروپ+شن !! شن از اروپا داره فوران میکنه و باعث انفجار شده!

## puny

Phonetic	Synonym	Meaning
/'pju:ni/	weak, unimportant	ضعیف ، نحیف ، ناچیز

کد: پیانو خیلی ساز ضعیفیه!

## debris

Phonetic	Synonym	Meaning
/dəˈbri:z/	ruins, fragments	بقایا ، آثار باقی مانده

کد: این بقایا و آثار باقی مانده از خرابکاریهای ابلیسه!!!



## dispersed

Phonetic	Synonym	Meaning
/di'spɜ:rs/	broken up, scattered, spread	پراکنده ، متفرق ، بخش

کد: this paris

این شهر پاریس شهری پراکنده و متفرق است!

## obliterate

Phonetic	Synonym	Meaning
/ə'blɪtəreɪt/	wipe out, erase	محو کردن ، از بین بردن

کد: آب + literate

اونایی که خیلی باسواد میشن (literate) آب رو محو میکنن!

## deplorable

Phonetic	Synonym	Meaning
/di'plɔ:rəbəl/	sad, pitiable	رقت انگیز ، تاسف آور

کد: باعث شرم و تاسف که مدرک دیپلم توی کشورمون قادر (able) به استخدام نیست.

## initiate

Phonetic	Synonym	Meaning
/i'niʃieɪt/	set going, start	شروع کردن ، آغاز کردن

کد: انیشتین کارش رو با سیم برق شروع کرد!!

## conflagration

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˌkɒnflə'greɪʃən/	great fire	حریق بزرگ ، آتش عظیم

کد: کنگفو+گلایه !  
از مسابقه ی کنگفو گلایه کردند چون آتیش بزرگی در میدان مسابقه برپا شده بود!

## rue

Phonetic	Synonym	Meaning
/ruː/	Regret	پشیمان شدن ، غم و غصه ، پشیمانی

کد: از دوستت رو برگردونی پشیمون میشی !

## congenial

Phonetic	Synonym	Meaning
/kən'dʒi:niəl/	agreeable, sympathetic	خوشایند ، مطابق میل

کد: کنجدی + All  
تمام نونهای کنجدی خوشایند و مطابق میله افراده!!!

## hoard

Phonetic	Synonym	Meaning
/hɔ:rd/	accumulate, save, store up	ذخیره کردن

کد: کار هارد کامپیوترتون چیه؟؟؟ ذخیره کردن  
hoard : hard

## sage

Phonetic	Synonym	Meaning
/seɪdʒ/	wise man, philosopher	حکیم ، دانا ، خردمند

کد: همون sagacious که کد کرده بودیم: سگ شیت زرنگ و داناست sage هم  
همون سگه!!!

## aegis

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈiːdʒɪs/	protection, shield, sponsorship	حمایت ، سپر ، پشتیبانی کردن

کد:

sounds like ages of empire.. The game where the soldiers wear that shield... for protection

## detriment

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈdetrɪmənt/	hurt, damage, injury	زیان ، ضرر ، آسیب

کد: the+3+men

این ۳ تا مرد یه جا باشن به همه جا آسیب میزنن!!!

## longevity

Phonetic	Synonym	Meaning
/lɒnˈdʒevɪti/	long duration of life	عمر طولانی ، طول عمر

کد: long + جاویدی!!

جاویدی طولانی همون عمر طولانیه!

## imbibe

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪm'baɪb/	Drink	نوشیدن ، جذب کردن

کد: این pipe (لوله) آب مخصوص نوشیدنه!!!

## Virile

Phonetic	Synonym	Meaning
/'vɪraɪl/	manly, masterful	مردانه ، دارای رجولیت

کد:

Virile (strong) is the opposite of fragile (sensitive).

## Senile

Phonetic	Synonym	Meaning
/'siːnaɪl/	infirm, weak as a result of old age	سالخورده ، پیر

کد: سن بالا

## Doddering

Phonetic	Synonym	Meaning
/'dɒdərɪŋ/	trembling, shaking with old age	پیر ، کودن

کد: خجالت نمیکنشی پیر خرفت با این سنت دودری (دودره کردن به معنای عامیانه ی کش رفتن و دزدیدن) بازی میکنی!!!!

## lethargic

Phonetic	Synonym	Meaning
/li'θɑ:rdʒɪk/	lazy, indifferent	سست ، بی حال

کد: بهش گفتم این letter رو بخونه و جیکش در نیاد نمیدونم چرا افتاد و بی حال شد!!

Letter+gics

## prevalent

Phonetic	Synonym	Meaning
/'prevalənt/	general, common, prevailing	رایج ، شایع ، متداول

کد: توی شهر پریولند همه چی زود شایع میشه!!

## paramount

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈpærəmaʊnt/	foremost, supreme	برتر ، مهم ، فوق العاده

کد:

paraMOUNT..(MOUNT EVEREST)...IS THE biggest mountain on the earth,so something SUPREME ,and BEYOND OUR REACH (LIKE MOUNT EVEREST) is paramount

## remiss

Phonetic	Synonym	Meaning
/rɪˈmɪs/	negligent, careless	بی قید ، بی مبالا ، سهل انگار

کد: ریمیس به کسی میگویند که هرچی میس میندازی زنگ بزنی انگار نه انگار محل نمیده انقد بی قیده!!!

## hostile

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈhɒstail/	angry, antagonistic	خصومت آمیز، متخاصم ، دشمن

کد: دخترا فقط به یه دلیل با هم دشمن میشن اگه گفتین چیه؟؟؟ درسته پاستیل!!!

## rebuke

Phonetic	Synonym	Meaning
/rɪ'bjʊ:k/	reprimand, reproach, criticize	سرزنش کردن ، ملامت کردن

کد: کتونی مارک ریبوک گرفتی قیمت ۷۰۰ هزار تومان. بیای خونه بابات سرزنش و ملامت میکنه دیگه!!!

## aversion

Phonetic	Synonym	Meaning
/ə'vɜ:rʒən/	opposition, strong dislike	ناسازگار ، نفرت ، بیزاری

کد: متنفرم از این که اولین ورژن هرچی میاد به بازار ناسازگار با همه برنامه ها مثلا فتو شاپ/ویندوز و.....

## evince

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪ'vɪns/	show plainly, exhibit	نشان دادن ، بروز دادن

کد: زندانی های اوین رو کسی نمیتونه نشون بده!



## vogue

Phonetic	Synonym	Meaning
/vʊʊg/	Fashion	رسم معمول ، متداول

کد ۱:

Isn't a ROGUE always STYLIST?!!!

کد ۲: روک بودن مد شده دیگه! ووگ=روک!

## superficial

Phonetic	Synonym	Meaning
/,su:pər'fɪʃəl/	on the surface, slight	سطحی ، بی مایه ، ظاهری

کد: super+face+al

به قسمت دوم face توجه میکنیم و معنی رو به راحتی حدس میزنیم!

## jettison

Phonetic	Synonym	Meaning
/'dʒetɪsən,/	throw overboard, discard	به دریا ریزی کالای کشتی

کد: خلاف کارها به سان جت (به مانند جت) محموله رو تو دریا ریختند!

## inevitable

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪ'nevɪtəbəl/	unavoidable, certain, sure	ناگزیر ، حتمی ، اجتناب ناپذیر

کد: اول کلمه به اینوایت invite (دعوت کردن) شباهت داره! میگی مجبور شدیم طرف رو دعوت کنیم!

## lucrative

Phonetic	Synonym	Meaning
/'lu:krətɪv/	Profitable	پر سود ، منفعت

کد: look روی تی وی! اگه میخوای منفعت ببری به تی وی یا تلویزیون نگاه کن!

## tussle

Phonetic	Synonym	Meaning
/'tʌsəl/	a rough struggle	کشمکش ، گلاویز شدن

کد: تا سل (بیماری سل) میاد ملت گلاویز میشن و کشمکش میکنند!

## intrinsic

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪn'trɪnsɪk/	inborn, natural, essential	طبیعی ، ذاتی

کد: این+توران+sick  
این توران ذاتا sick (=مريض) بود!

## acute

Phonetic	Synonym	Meaning
/ə'kju:t/	severe, keen, sharp	زرنگ ، باهوش ، تیز ، ضربه

کد: آی کیوت منو کشته انقدر که تیز و زرنگی!

## transient

Phonetic	Synonym	Meaning
/'trænsjənt/	fleeting, passing, short-lived	ناپایدار ، زودگذر

کد:

in transit: i.e. have to stay for some time, temporary stay

## gist

Phonetic	Synonym	Meaning
/dʒɪst/	main point, essence	جان کلام ، لب کلام، نکته ی مهم

کد: کافیه بخونید جاست just!  
فقط (just) لب کلام رو بهم بگو!

## terse

Phonetic	Synonym	Meaning
/tɜːrs/	compact, brief, concise	موجز ، مختصر

کد: تراس کوچیک و مختصر نعمتیه واسه خودش!

## cogent

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kəʊdʒənt/	forceful, convincing, persuasive	متقاعد کننده ، معقول

کد ۱: خیلی معقوله که موقعه امتحانها کنجت بخوری!  
کد ۲: کو جن؟؟؟ یه دلیل منطقی و معقول بیار خواهشا!!

## pinnacle

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈpɪnəkəl/	peak, crown, summit	اوج ، نوک قله

کد: پینوکیو خونش نوک قله بود!!!

## array

Phonetic	Synonym	Meaning
/ə'reɪ/	system, arrangement	آرایش ، صف ، گروه

کد: کلمه ی پر کاربرد آرایش خودش واسه این کلمه کده!!

## Obscure

Phonetic	Synonym	Meaning
/əb'skjʊər/	unclear, unknown, lowly	مبهم ، گمنام

کد: عباس کو؟؟؟؟ دیگه اسمی ازش نمیداد گمنام شده اسمش کور شده!!

## Ardent

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ɑ:rdənt/	eager, passionate	مشتاق ، باحرارت

کد: آرد+نت (نت=نتورک=network)  
 نانوaha خیلی مشتاقند که آرد رو نتی (network) بخرند!

## Culminate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kʌlmɪneɪt/	reach the highest point	به اوج رسیدن ، به حد اعلی رسیدن

کد: یه دوست داری وقتی به اوج میرسه و جو میگیرتش میگه: call me nation!

## constrict

Phonetic	Synonym	Meaning
/kən'strikt/	bind, limit, squeeze	جمع کردن ، محدود کردن ، منقبض کردن

کد: con+restrict رستریکتش کن!! یعنی محدودش کن

## prodigy

Phonetic	Synonym	Meaning
/'prɒdɪdʒi/	phenomenon, marvel	بسیار زیرک ، چیز غیر عادی ، اعجوبه

کد: ترکیه پر دیجی شده دیگه!! همه چی غیر عادیه و دیجی ها فکر میکنن اعجوبه اند!!

## bereft

Phonetic	Synonym	Meaning
/bi'reft/	deprived of	محروم ، بی بهره

کد: بی رزق و روزی / بی بهره

bereft = beer + left and therefore DEPRIVED of beer

## falter

Phonetic	Synonym	Meaning
/'fɒ:lɪtər/	hesitate, waver, stumble	گیر کردن ، لکنت زبان ، پیدا کردن

کد: وقتی یه چیزی فیلتر باشه گیر میکنی توش دیگه و لکنت زبان میگیری!

## exultation

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪg'zʌlt/	triumphant joy	شعف ، شادمانی

کد: اسپهالشون برطرف شد خوشحال شدند!

## vitriolic

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˌvɪtri'ɒlɪk/	biting, burning	تند ، سوزنده ، زننده

کد: ویتترین الکی! اون مغازه هایی که ویتترین الکی میزارن خیلی زننده میشه!

## invective

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪn'vektɪv/	insulting, abusive speech	پرخاش ، فحش

کد:

ENVY + ACTIVE or Active jealousy can cause you to ABUSE the other person.



## Besmirch

Phonetic	Synonym	Meaning
/bɪ'smɜːtʃ/	stain, soil, dim the reputation	لکه دار کردن ، آلودن

کد: بسمیرچ! = بمیر که لکه دار کردی شخصیتتو!

## voluminous

Phonetic	Synonym	Meaning
/və'luːmɪnəs/	bulky, large	حجیم ، بزرگ

کد: کلمه ی volume  
به معنای حجم بارها به گوشمون خورده فقط در اینجا به صفت تبدیل شده با ous

## retrospect

Phonetic	Synonym	Meaning
/'retrəspekt/	looking backward	نظری به گذشته ، بازنگری

## egotist

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈiːɡətɪst/	a conceited, vain person	خودپرست ، مغرور

## humility

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈhjuːˈmɪlɪti/	modesty, meekness, humbleness	فروتنی ، تواضع

کد: هر کسی فروتنی و تواضع داره دلیل نمیشه که حمال تو باشه!!

## pungent

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈpʌndʒənt/	Sharply stimulating	انتقادی ، تند ، زننده

کد: هر موقع انتقادی زننده میکنی دست و پنجت رو بالا میاری دیگه!

## inveterate

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪn'vetərɪt/	firmly established, habitual	دیرینه ، کهنه کار

کد: اینور+تورت!  
بچه های اینجا خیلی کهنه کارن بیای اینور تورت میکنن!!

## adamant

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ædəmənt/	inflexible, unyielding	یک دنده ، لجباز ، تزلزل ناپذیر

کد: a+damn+ant  
این مورچه ی لعنتی چقدر سمج و لجبازه!!

## vulnerable

Phonetic	Synonym	Meaning
/'vʌlnərəbəl/	susceptible, open to attack	آسیب پذیر

کد: wall+near+ball  
دیواری که نزدیک یه توپ باشه معلومه آسیب پذیره فکر کن کریم باقری هم پشت توپ باشه !! دیگه کاریش نمیشه کرد که!!!

## bedlam

Phonetic	Synonym	Meaning
/'bedləm/	uproar, confusion	تیمارستان ، دیوانه

کد: تو اتوبوس نشسته بودم یه نفر بد لم داده بود رو من! چند دقیقه بعد اومدن گفتن این طرف روانیه بردنش تیمارستان!!!

## cacophony

Phonetic	Synonym	Meaning
/kə'kɒfəni/	harsh sound	صدای ناهنجار، بدصدایی

کد: برای حفظ و روان شدن این لغت به دو لغت زیر توجه کنید:  
 phone + us = کاکا = وقتی کاکا بهت زنگ میزنه صداش خیلی ناهنجاره و خیلی هم بدصداست!!

Dia+phane+us = داییت وقتی زنگ میزنه بهت صداش رو خیلی روشن و شفاف میشنوی!

cacophonous = بدصدا/ناهنجار

diaphanous = روشن/شفاف

## exploit

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪk'splɔɪt/	utilize, profit by	بهره برداری کردن، استفاده کردن

کد: فکر میکنی پولتو به قرص اکس میدی ازش استفاده میکنی؟ اکس+پولت!

## propinquity

Phonetic	Synonym	Meaning
/prə'pɪŋkwɪti/	nearness in time and place	نزدیکی ، احتمال

کد:

Propinquity has PIN in it. If you pin two things together they are close together

## disgruntled

Phonetic	Synonym	Meaning
/dis'grʌntld/	displeased, unhappy	ناخشنود ، ناراضی

کد: dis پیشوند منفی ساز و قسمت دوم رو هم گارانتی بخونید: وقتی یه چیزی گارانتی نداشته باشه ناراضی و ناخشنود هستین دیگه!

## infallible

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪn'fælibəl/	exempt from error, right	درست ، دقیق ، لغزش ناپذیر

کد: in+false+able

کسی که سمت دروغ نمیره خیلی دقیق و لغزش ناپذیره!

## panacea

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˌpænəˈsiə/	cure-all	نوش دارو ، علاج عام

کد: پین سیاه نوش دارو و شفای دردشه!

## eradicate

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪˈrædɪkeɪt/	wipe out	از بین بردن ، ریشه کن کردن

کد: کیت وین سلت بازیگر معروف هالیوود رو که میشناسین؟؟؟ ایراد کیت باید کاملا از بین برده شه تا بتونه اول بشه!

## impede

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪmˈpiːd/	hinder, interfere, block	مانع شدن ، باز داشتن

کد: این پدال وسطی مانع رفتن میشه و ترمز میگیره!

## sedate

Phonetic	Synonym	Meaning
/si'deɪt/	sober, still, quiet, undisturbed	آرام ، آرامش ، ملایم

کد: صدات خیلی آرومه بهم آرامش میده!!

## equanimity

Phonetic	Synonym	Meaning
/,i:kwə'nɪmɪti/	composure, evenness of mind	آرامی ، متانت

کد: اکو نعمتی !!  
اکو نعمتی محیطی آرامی برای شما به ارمغان می آورد!!!! (تبلیغات)

## compatible

Phonetic	Synonym	Meaning
/kəm'pætəbəl,/	well-matched, harmonious	سازگار ، موافق

## serenity

Phonetic	Synonym	Meaning
/sɪ'ri:n/	peaceful repose	آرامش ، بی سر و صدا

کد: یاد کارتون سرندی پیتی بخیر چه آرامشی داشتیم اون زمان!!!

## revere

Phonetic	Synonym	Meaning
/ri'viər/	admire, respect, honor	محترم شمردن ، احترام گذاردن

کد: به river مظهر روشنی و آب باید احترام بگذاری!

## irrational

Phonetic	Synonym	Meaning
/i'ræʃənəl/	absurd, unreasonable	غیر منطقی و نامعقول

کد: اگه جای جنسی که میگیرید جای اورجینال بنویسه irrational یه چیز غیر منطقیه دیگه!



## avarice

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ævərɪs/	passion for riches, greed	حرص و طمع

کد: بد بخت از بس حرص و طمع داره هیچی از خودش نداره اوارست!!

## insatiable

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪn'seɪjəbəl/	cannot be satisfied	سیر نشدنی ، سیر نشده

کد: این ساشا بیل هم بخوره سیر نمیشه!!

## nadir

Phonetic	Synonym	Meaning
/'neɪdɪər/	lowest point	پایین ترین سمت ، افت

کد: معنیش هم همین تلفظ رو با کمی تغییر داره!

## moribund

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈmɒrɪbʌnd/	at the point of death, dying	رو به افول ، رو به مرگ

کد: موری باند (باند و دارو دسته ی مرتضی!!)  
مرتضی رو به مرگه واسه باندش داره متلاشی میشه!

## lithe

Phonetic	Synonym	Meaning
/laið/	Graceful	لاغر اندام ، خوش قیافه

کد: افراد لاغر و خوش قیافه دروغ گفتنشون بیشتره! lies

## obese

Phonetic	Synonym	Meaning
/əʊˈbiːs/	very fat	چاق ، فربه

کد: این لغت رو اینجوری بخونید obese +o گرد مانند !! گردالو!! چاق و فربه

## adherent

Phonetic	Synonym	Meaning
/əd'hɪərənt/	supporter, backer	هواخواه ، طرفدار ، حامی

## bliss

Phonetic	Synonym	Meaning
/blɪs/	pleasure, happiness	خوشی ، سعادت

کد: بلیس و ابلیس دوتا داداش مخالف هم که یکیش شیطان و دیگری خوشی و سعادت میاره واسه همه!!!

## pathetic

Phonetic	Synonym	Meaning
/pə'tetɪk/	pitiful, sad, distressing	احساساتی ، رقت انگیز ، سوزناک

کد:

Opposite of 'aesthetic'

## exhort

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪg'zɔ:rt /	urge strongly, advise	نصیحت کردن ، ترغیب کردن

کد:

exert -> to do something; exhort -> to urge someone to do something

## Apathy

Phonetic	Synonym	Meaning
/'æpəθi/	unconcern, lack of interest	بی حس ، بی عاطفگی ، بی علائقی

کد: تاب تاب اباسی!!!!!!

کسانی که این بازی رو بچه بودن نکردن الان خیلی بی حس و بی علاقه اند!

## fracas

Phonetic	Synonym	Meaning
/'freɪkəs/	brawl, noisy fight	زد و خورد ، جار و جنجال

کد: رفتی مغازه، یه اصفهانی بهت میگه این جنس فیک اس fake = تقلبی!  
ناراحت میشی و جارو جنجال راه میندازی!

## inebriated

Phonetic	Synonym	Meaning
/i'ni:brietid/	intoxicated, drunk	مست ، سرخوش ، شنگول ، شاد

کد:

inebriety sounds like celebrity , who always drinks

## adversary

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ædvərseri/	enemy, foe, opponent	حریف ، مخالف ، دشمن، رقيب

کد: معنی adverse رو میدونیم همیشه مخالف. دشمنت برعکس و مقابلت وامیسته  
دیگه!

## indolent

Phonetic	Synonym	Meaning
/'indələnt/	Lazy	سست ، تنبل ، بی حال

کد ۱: dole یعنی غمگین و اندوه indolole هم همیشه کسی که توی غمه همیشه  
سست و بی حاله!

کد ۲: این دو لنت! خیلی تنبل و بی حالن اصلا ترمز نمیگیرند!

## gusto

Phonetic	Synonym	Meaning
/'gʌstəʊ/	zest, enjoyment, enthusiasm	شور و حال ، لذت ، طعم

کد:

GUSTO..Gust...Guest...You are filled with much enthusiasm while you eagerly wait for your guest to arrive.

## garrulous

Phonetic	Synonym	Meaning
/'gærələs/	wordy, talkative	پر حرف ، وراج

کد: اگه يه ذره دقت کنيم ميتونيم girls بخونيمش! و ميدونيم که چقد اين دختر بچه ها حرف ميزن!!

## banal

Phonetic	Synonym	Meaning
/bə'næɪl/	meaningless from overuse, trivial	پيش پا افتاده ، مبتذل ، معمولی

کد: ban+all

بن (اخراج) کردن توسط ادمین یا رئیس یه کار پیش پا افتاده ست!!

## platitude

Phonetic	Synonym	Meaning
/'plætɪtʃu:d/	trite saying	بی مزگی ، پیش پا افتادگی

کد:

flat + attitude: something flat does not attract us as it is very common. So you will obviously give trite remarks

## pique

Phonetic	Synonym	Meaning
/pi:k/	fit of resentment	رنجش ، انزجار ، زخم زبان زدن

کد ۱: جویدن آدامس پی کی باعث رنجش بعضیهاست!

کد ۲: جرارد پیکه بازیکن بارسلونا خیلی زخم زبان میزنه و باعث رنجش میشه!!

## dilettante

Phonetic	Synonym	Meaning
/,dɪlɪ'tænti/	one with little knowledge and great interest	ناشی ، غیر حرفه ای ، طرفدار تفنی صنایع زیبا

کد: delete in it!

هرچی که هست نباید حذف کنی چقدر ناشی هستی!

## atypical

Phonetic	Synonym	Meaning
/eɪ'tɪpɪkəl/	Nonconforming	غیر معمولی

کد: A در ابتدای کلمه باعث منفی شدنش شده کلمه ی typical رو کد میکنیم:  
(تیپ کلی و معمولی)

## nondescript

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˌnɑːndə'skrɪpt/	difficult to describe, undistinguished	غیر قابل طبقه بندی ، وصف ناپذیر

کد: نان و دستگیره !!! دوتا چیز غیر مربوط به هم هستند که غیر قابل طبقه بندی هستند!

## wane

Phonetic	Synonym	Meaning
/weɪn/	decline, decrease	کم و کاستی ، کم شدن

کد: وینی = عقب مونده ی ذهنی !!!  
کسی که عقب مونده ذهنیست کم و کاست داره دیگه!



## extinct

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪk'stɪŋkt/	no longer existing	از بین رفته ، نابودی، منقرض شده

کد: extinct#extant یکیش به معنای هستی و وجود میباشد (extant) و دیگری به معنای نابودی و زوال (extinct)

## idyllic

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪ'dɪlɪk/	peaceful, simple	ساده و صمیمی ، بی پیرایه

کد:

Sounds like being idle. When we are idle without work we are jolly.

## galvanize

Phonetic	Synonym	Meaning
/'gælvənaɪz/	arouse or excite to activity	گالوانیزه کردن

## encumbrance

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪnˈkʌmbər/	load, handicap, burden	بار ، قيد ، مانع

کد:

cumber means a burden .... hence encumbrance means that impedes

## gaudy

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ɡɔ:di/	showy, flashy	زرق و برق دار ، نمایش دار

کد: گاندی شخصی بود که از زرق و برق دنیوی متنفر بود!!

## condescend

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˌkɒndɪ'send/	lower oneself, stoop	خود را پایین آوردن، پست کردن

کد: ascend و descend دو کلمه ی متضاد یکی به معنای پایین آمدن و یکی به معنای بالا آمدن میباشد که با شباهت تلفظ به راحتی همیشه حفظشون کرد!

## candor

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kændər/	honesty, rankness	خلوص ، صفا ، رک گویی

کد: اونایی که کنتور آب و برق رو مینویسن خیلی باید خلوص نیت داشته باشن و  
تقلب نکنن!

## mortify

Phonetic	Synonym	Meaning
/'mɔ:tɪfaɪ/	humiliate, embarrass	خجالت دادن ، سرافکنده کردن

کد: مردی وایس! زشته جلو مردم به یکی اینجوری بگی و خجالت بهش بدی!

## jocose

Phonetic	Synonym	Meaning
/dʒəʊ'kəʊs/	merry, humorous	شوخ آمیز ، شوخ طبع

کد: میگن طرف جوکوست یعنی جوک میگه! یا میتونیم بگیم جوک گوست!!!

## malign

Phonetic	Synonym	Meaning
/mə'laɪn/	slander, abuse	به بدی یاد کردن، بدگویی کردن

کد: بعضی ها از مرلین منسون (خواننده) بدشون میاد و همش بدگویی میکنن ازش!

## omnipotent

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɒm'nɪpətənt/	unlimited in power or authority, almighty	قادر مطلق ، قادر متعال

کد: amen+potent امین ای توانا (قادر مطلق)

## zenith

Phonetic	Synonym	Meaning
/'zenɪθ/	top, prime, summit	اوج ، نوک قله

کد: میگی طرف عقب مونده ی ذهنیست رفته نوک کوه وایساده نمیاد پایین!!

## fledgling

Phonetic	Synonym	Meaning
/'fledʒlɪŋ/	little known, newly developed	تازه کار ، نوچه

کد: دیدن وقتی بعضیها میرن شاگردی میکنن یه کار خطایی انجام میدن اوستاشون میگه فلجین!؟!

## peremptory

Phonetic	Synonym	Meaning
/pə'remptəri/	binding, compulsory, absolute	قطعی ، قاطع ، بی چون و چرا

کد: پدرم طوری برخورد میکنه که حرفی توش نباشه برخوردهاش قاطع است!

## precedent

Phonetic	Synonym	Meaning
/'presɪdənt/	custom, model	مقدم ، سابقه

کد: پرزدینت اوباما مقدمه و سابقه ی زیادی داره!

## wheedle

Phonetic	Synonym	Meaning
/'wi:dl/	persuade, coax, cajole	گول زدن ، با زبان فریفتن

کد ۱: بیدل (شاعر) رو ویدل (گول) نزن زشته!  
کد ۲: کسی که بی دل و بی کس هستش گول زدنش درست نیست.

## rustic

Phonetic	Synonym	Meaning
/'rʌstɪk/	unpolished, countrified	روستایی ، دهاتی

کد: تلفظش رو به روستایی ربط بدین! (rural=rustic)

## jubilant

Phonetic	Synonym	Meaning
/'dʒu:bɪlənt/	in high spirits, joyful	شادمان، پیروز، شاد، سرمست

کد: جوب+لانتوری! اگه با یه لانتوری و الاف بری جوبهای زیبارو تماشا کنی شاد میشی!

## decorum

Phonetic	Synonym	Meaning
/di'kɔ:rəm/	correct behavior, politeness	ادب ، نزاکت

کد: مغازه داری یکی بهت توهین میکنه بهش میگی دکورم (دکور مغازم) مشکلی نداره ادب رو رعایت کن!

## charlatan

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ʃɑ:rlətən/	fraud, pretender	آدم حقه باز ، شارلاتان

کد: شارلاتان

## heresy

Phonetic	Synonym	Meaning
/'herɪsi/	lack of faith, dissent, unbelief	کفر ، ارتداد

کد: حریصی؟؟؟ میدونی دلیلش چیه؟؟؟ از بس کفر میگی.

## prudent

Phonetic	Synonym	Meaning
/'pru:dənt/	cautious, wise	محتاطانه ، محتاط ، عقلانه

کد: خیلی توی غذا خوردنت مواظبت کن چون بعدها رودت پر میشه از ویروس!  
پر+رودت!

## ostensible

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɒ'stensɪbəl/	seeming, pretend, outward	ظاهری ، نمایشی ، صوری ، آشکار

کد: آستین+سیبیل! اون مردایی که سیبیلهاشون رو تا آستینشون میارن و بزرگ  
نشونش میدن فقط میخوان خودنمایی کنند و خودشونو آشکار!!

## fervid

Phonetic	Synonym	Meaning
/'fɜ:rɪd/	enthusiastic, passionate, intense	مشتاق ، علاقه

کد: فرزید؟؟؟ (فرز هستید) شما فرز هستید به دلیل اینکه مشتاق بوده و علاقه به فرز  
بودن دارید.



## spurious

Phonetic	Synonym	Meaning
/'spjʊəriəs/	counterfeit, false, specious	جعلی ، قلابی

کد: اسی + پاریس! با کارهای جعلی و قلابی اسی (اسماعیل) رفت پاریس!  
اسی + پاریس!!

## propagate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'prɒpəgeɪt/	multiply, spread, produce	رواج دادن ، ترویج دادن

کد: پرپاکت (پر از پاکت) سعی کن شهر رو پر از پاکت کنی و این روش رو رواج بدی!

## anomaly

Phonetic	Synonym	Meaning
/ə'nɒməli/	abnormality, irregularity	خلاف قاعده ، بی نظمی

کد: a+normally حرف a منفی کننده ست!

## innocuous

Phonetic	Synonym	Meaning
/i'noʊkjʊəs/	mild, innocent, harmless	بی ضرر ، بی آزار

کد: رفیقت اصفهانیه بهت میگه بابا این ای کیو اس بی ضرر اس !

## surfeit

Phonetic	Synonym	Meaning
/'sɜːrfit /	superabundance, excess	مقدار زیاد ، وفور ، فراوانی

کد: خیال نکن من پول زیادی صرفت میکنم!!

## milieu

Phonetic	Synonym	Meaning
/'mi:lɜː/	setting, environment	محیط ، اجتماع

کد: میلیونرها محیط اطراف خونشون هم راحت میتونن بخرن!

## strident

Phonetic	Synonym	Meaning
/'straɪdənt/	rough, harsh, shrill	گوش خراش ، خشن

کد: صدای دانش آموز دیدین چقدر خشنه؟! strident=student

## concomitant

Phonetic	Synonym	Meaning
/kən'kɒmɪtənt/	attending, accompanying	همراه

کد: الیور کان+کمیتة ی همراه خود را تشویق کرد.

## lassitude

Phonetic	Synonym	Meaning
/'læsətju:d/	fatigue, weariness	سستی ، بی میلی

کد: چقد لاسی تو! بلند شو کار کن کمتر تنبلی کن.

## deleterious

Phonetic	Synonym	Meaning
/,delɪ'tɪəriəs/	harmful, bad	زیان آور ، آسیب رسان

کد: delete + رئیس!!  
رئسی که زیان آور و آسیب رسان باشد باید حذف بشه!

## efficacy

Phonetic	Synonym	Meaning
/'efɪkəsi/	power to produce an effect	تاثیر ، سودمندی

کد: همون effect تاثیر رو یادمون باشه میشه efficacy

## dissent

Phonetic	Synonym	Meaning
/di'sent/	protest, differ, disagree	اختلاف عقیده داشتن

## ferment

Phonetic	Synonym	Meaning
/fə'ment/	agitation, turmoil, uproar	آشوب ، شورش ، نا آرامی

کد: فرمانت یا دستورت! کسی که از فرمانت سرپیچی کرد آشوب به پا کن!

## attenuated

Phonetic	Synonym	Meaning
/ə'tenjuet/	decreased, weakened, thinned	نازک ، رقیق ، نازک شدن ، لاغر کردن

کد: at+ten+u+ate

اگه روزی فقط یه بار و اونم ساعت ۱۰ غذا بخوری معلومه که لاغرمیشی!!

## arbiter

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ɑ:rbətər/	Judge	حکم ، قاضی ، داور

کد: داورها بهترین گزینه برای حل مشکلات هستند!

Are better=arbiter

## incumbent

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪn 'kʌmbənt/	morally required	لازم

کد: income! درآمدت مهمترین و ضروریترین چیز زندگیته!

## profound

Phonetic	Synonym	Meaning
/prə 'faʊnd/	intense, deep	عمیق ، ژرف ، زیاد

کد:

whatever professional or researchers found(read find) has to be deep.

pro+found(find)

## alleviate

Phonetic	Synonym	Meaning
/ə 'li:vieɪt/	lighten, make easier	سبک کردن ، آرام کردن، کم کردن

کد: الویه ات رو بخور تا یه ذره سبک و آروم بشی!!

## prodigious

Phonetic	Synonym	Meaning
/prə'dɪdʒəs/	enormous, extraordinary	حیرت آور ، شگرف

کد: یہ اصفہانی بہت میگہ خیلی حیرت آورہ اینجا پر از دیجی اس!! (پر+دیجی+اس)

## expedite

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ekspɪdaɪt/	carry out promptly	شتاباندن ، پیش بردن ، تسریع کردن

کد ۱: خوردن قرص اکس باعث تسریع شدن پدر در او مدنه!!! اکس+پدر در او مدن  
کد ۲: عکس بدید تا به سرعت و شتاب زارمش توی نت!

## celerity

Phonetic	Synonym	Meaning
/sɪ'lebrəti/	rapidity, speed	سرعت ، تندی ، چابکی

کد: کافیہ یہ A به اول کلمہ اضافہ کنی و اینجور بخونیش کہ میشہ:  
accelerate = شتاباندن / سرعت دادن

## usurp

Phonetic	Synonym	Meaning
/ju:'zɜ:rp/	annex, grab, seize	غصب کردن ، تصاحب کردن

کد: یوسف همه چی رو غصب کرده!

## paltry

Phonetic	Synonym	Meaning
/'pɔ:ltri/	of little importance	بی ارزش ، ناچیز

کد: پول+زوری خیلی بی ارزش و ناچیزه!

## condone

Phonetic	Synonym	Meaning
/kən'dəʊn/	pardon, excuse	نادیده گرفتن ، چشم پوشی کردن

کد: ۱:

condone = consideration + done ~ you do not consider STH anymore

کد: ۲: از کندن برگ درختان چشم پوشی کنید!



## trivial

Phonetic	Synonym	Meaning
/'trivial/	petty, worthless	بیهوده ، بی مزه

کد ۱: شوخی با پولهای تراول اصلا چیزه بامزه ای نیست!!  
 کد ۲: هنگام مسافرت (travel) از شوخی بی مورد پرهیز کنید!

## bizarre

Phonetic	Synonym	Meaning
/bi'zɑ:r/	fantastic, odd	عجیب و غریب ، شگفت انگیز

کد: از آدمهای عجیب غریب بزارم!  
 کد: تصور کنید چندتا بز میبینی که رفتند بالای درخت خیلی عجیبند به دوستت  
 میگی بزارو بزارو!!

## menial

Phonetic	Synonym	Meaning
/'mi:niəl/	degrading, humble	پست ، بی اهمیت ، حقیر

کد: آدمهایی که به بخاطر مال و منال دنیا بی خیال همه چی میشن آدمهای پستی  
 هستند!!!

## venerable

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈvenərəbəl/	respected, worshipped	محترم ، قابل احترام ، ارجمند

کد:

venerable==honourable

## extraneous

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪkˈstreɪniəs/	not belonging, foreign	نامربوط ، بی ربط

## ambiguous

Phonetic	Synonym	Meaning
/æmˈbɪɡjuəs/	undefined, vague, not specific	مبهم ، نامشخص

کد: I'm big in usa!!!

یعنی چی؟ حرفهای مبهم و نامشخص میزنی؟؟؟

## succinct

Phonetic	Synonym	Meaning
/sək'sɪŋkt/	concise, brief	مختصر ، موجز ، فشرده

کد: قبلا سکه ی سنت (cent) خیلی مختصر و فشرده بود!

## archaic

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɑ:r'keɪ-ɪk/	out of date	کهنه ، باستانی

کد: آرک ۱  
آرک ۱ اولین و باستانی ترین آرک جهان هست!

## emulate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'emjʊleɪt/	strive to equal, rival	همچشمی کردن ، رقابت کردن

کد: صد دفعه گفتم یه املت ساده درست کن انقدر چشم و هم چشمی نکن!

## facetious

Phonetic	Synonym	Meaning
/fə'si:ʃəs/	humorous, comical, witty	هیجان ، شوخ ، لوس

کد: فیس شیث!

Face + شیث قیافه ی شیث شوخ و هیجانی ست!

## rabid

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ræbɪd/	furious, mad, fanatical	بد اخلاق ، متعصب ، خشمگین

کد: یه سری خرگوشها (rabbit) هم خیلی دیگه بد اخلاقند که بهشون میگن rabid !

## salubrious

Phonetic	Synonym	Meaning
/sə'lu:briəs/	wholesome, healthful	سالم ، قابل احترام ، مفید

کد: سالی بی روس خیلی مفید و سالمیست واسه ایران! سال+بی+روس (روسیه)

## complacent

Phonetic	Synonym	Meaning
/kəm'pleisənt/	self-satisfied	مغرور ، تن آسا ، خود راضی

کد ۱: کم پلیسند که از خود راضی نبشند!  
کد ۲: کمپرسی ها خیلی به خودشون مغرورند!

## somber

Phonetic	Synonym	Meaning
/'sɑ:mbər/	sad, gloomy	غم انگیز ، افسرده

کد: some + بر و بر ! بعضیا میشینن برو بر نگات میکنن چون افسرده اند!

## debilitate

Phonetic	Synonym	Meaning
/dɪ'bɪlɪteɪt/	Weaken	ناتوان کردن ، ضعیف کردن

کد: ability رو در نظر میگیریم که میشه توانایی debility متضادشه میشه ناتوانی و در اینجا پسوند ate همانگونه که قبلا هم گفتیم فعل سازه.

## impetuous

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪm'petʃuəs/	Impulsive	بی پروا ، تند و شدید

کد: پتوی اصفهانیه رو بر میدارن با لحن تند و ناراحت میگه این پتو اس! مال من اس!

## occult

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ɑ:kʌlt/	supernatural, mysterious, secret	پوشیده ، نهانی ، سری

کد: اون کلت (اسلحه ی کلت)! با اون کلت آدم کشتی بزار سری و پوشیده بمونه به کسی نگو!

## discreet

Phonetic	Synonym	Meaning
/dɪ'skri:t/	prudent, careful	با احتیاط ، فروتن، محتاط

کد: دستگیره ات !!  
توی باز کردن دستگیره ات (دستگیره ی ماشین) همیشه با احتیاط باش!

## foment

Phonetic	Synonym	Meaning
/fəʊ'ment/	stir up, instigate	تحریک کردن ، بر انگیختن

کد: خیلی تحریک شدم برم فومنتون (شهر فومن شما)!

## glean

Phonetic	Synonym	Meaning
/gli:n/	collect, gather	جمع کردن ، خوشه چینی کردن

کد: وقتی زمین کشاورزی رو glean میکنن (خوشه چینی) clean میشه (تمیز /پاک)

## quarry

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kwɒri/	something hunted or pursued	شکار، شکار کردن ، منبع

کد: کوری؟؟؟؟ سریع اونجارو ببین شکارش کن اون شکار رو!

## slovenly

Phonetic	Synonym	Meaning
/'slʌvənli/	disorderly, carelessly	نامرتب ، ژولیده

کد: کشور اسلوونی اصلا معروف شده به کشوری که همه مردمش نامرتب اند!

## abjure

Phonetic	Synonym	Meaning
/əb'dʒʊər/	abstain from, renounce	سوگند شکستن ، برای همیشه ترک گفتن

کد ۱: مگه قسم نخوره بودی؟؟ سوگند شکستی و آجورو خوردی یا نه ترک کردی؟؟  
کد ۲: آب+جور.... مگه جور درمیاد که آب رو ترک کنی!؟

## reproach

Phonetic	Synonym	Meaning
/rɪ'prəʊtʃ/	rebuke, reprimand	سرکوفت ، سرزنش کردن

کد: بابات بهت میگه بچه همه شیرشو ریخت رو فرش! سرزنشش کن و سرکوفت بزن  
بهش!



## penitent

Phonetic	Synonym	Meaning
/'penitənt/	regretful, confessing guilt	توبه کار ، پشیمان

## evanescent

Phonetic	Synonym	Meaning
/,evə'nesənt,/	momentary, passing, fleeting	زودگذر ، گذرا ، ناپایدار

کد: حتی گروه ایونسس (گروه خواننده ی معروف خارجی) هم در این دنیا نمی ماند و پایدار نیست!

## tantamount

Phonetic	Synonym	Meaning
/'tæntəmaʊnt/	identical, equivalent	همپایه ، برابر ، معادل

کد: یه بچه که نوک زبونی حرف میزنی بهت میگه تنتا(چندتا)+month مساویه یه ساله!؟

## propensity

Phonetic	Synonym	Meaning
/prə'pensiti/	bent, inclination, disposition	گرایش ، میل ، رغبت

کد: proper+city

این روزا همه دنبال یه شهر درست و سالم اند و میل و رغبت دارن که تو همچین شهری زندگی کنند.

## wary

Phonetic	Synonym	Meaning
/'wəri/	watchful, shrewd	با احتیاط ، هوشیار ، با ملاحظه

کد: هر موقع نگرانی (worry) حواست به همه جا هست و هوشیاری (wary)

## allay

Phonetic	Synonym	Meaning
/ə'leɪ/	soothe, calm	آرام کردن ، از شدت چیزی کاستن

کد: all+lay

all lay and calm down!

دراز بکشید و آرام باشید همتون!

## deter

Phonetic	Synonym	Meaning
/dɪ'tɜːr/	discourage, hinder	بازداشتن ، ترساندن

کد: دکتر رفتن بچه هارو میترسونه!!!

Deter=doctor!

## connoisseur

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˌkɒːnə'sɜːr/	Expert	خبیره

کد: اگه دقت کرده باشین کمیسرها خیلی خبیره و ماهرنده!

## site

Phonetic	Synonym	Meaning
/saɪt/	Location	موقعیت ، جا ، مکان

## cumbersome

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kʌmbərsəm/	burdensome, unwieldy	سنگین ، مایه ی زحمت

کد: کمپ سام خیلی جای بدیه و کارش هم خیلی سنگینه!

## vigil

Phonetic	Synonym	Meaning
/'vɪdʒɪl/	wakeful watching	شب زنده داری ، احیا

کد: اگه میخوای شب زنده داری کنی آجیل بخور! آجیل و ویجیل!!!

## interrogate

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪn'terəgeɪt/	Question	تحقیق کردن ، بازجویی کردن

کد: اینتر + got

تیم اینتر رو خواستن که ازش بازجویی و تحقیق کنن!

## divulge

Phonetic	Synonym	Meaning
/daɪ'vʌldʒ/	reveal, disclose	منتشر کردن ، افشا کردن

کد: دیبا+لج!  
دیبا لج کرد و کتابشو منتشر کرد!

## fluctuate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'flʌktʃueɪt/	alternate, shift	بالا پایین رفتن ، نوسان داشتن

کد: فلاسک+چاییت رو تکون نده بالا پایین میشه میریزه!!!

## unmitigated

Phonetic	Synonym	Meaning
/ʌn'mɪtɪgeɪtəd/	as bad as can be	کاسته نشده ، تخفیف نیافته

کد: اثر حرفهای اون میتینگ ات (meeting) هنوز کم نشده !

## commodious

Phonetic	Synonym	Meaning
/kə'məʊdiəs/	spacious, large	جادار ، سودمند

کد: اصفهانیه بهت میگه این کمدی اس خیلی جادار و سودمند!

## antiquated

Phonetic	Synonym	Meaning
/'æntɪkwetəd/	out-of-date, obsolete	کهنه ، منسوخ ، قدیمی ، متروک

کد: این دیگه یه کلمه ی پر کاربرد در فارسیه چیزی که قدیمیه رو بهش میگن آنتیک!

## disheveled

Phonetic	Synonym	Meaning
/di'shevəld/	Disorderly clothing or hair	پریشان ، نامرتب ، آشفته

کد: dis+sheve(shave)

به شخصی که مرتب نیست بهش میگن ژولیده و نامرتب

## tenacious

Phonetic	Synonym	Meaning
/tɪ'neɪʃəs/	stubborn, tough	محکم ، چسبنده ، سفت، استوار

کد: تن+شیت رضایی!  
تن و بدن شیت خیلی محکم و سفته!

## facade

Phonetic	Synonym	Meaning
/fə'sa:d,/	superficial appearance, front	نمای سر در ، نمای خارجی

کد: فساد! نمای سر در خانه ای که به فساد تبدیل شده بود به طور کلی برجیده شد!

## asinine

Phonetic	Synonym	Meaning
/'æsinain/	stupid, silly	نادان ، ابله

کد: کسی که ۹ بار (nine) عاصی بشه و کاری نکنه واقعا ابله و نادانه!

## grimace

Phonetic	Synonym	Meaning
/gri'meis,/	facial expression of disgust	شکلک

کد: دوستت که اصفهانیه بهت می‌گه قیافت گریم اس یا اینکه ادا و شکلک در میاری؟؟؟

## calumny

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kæləmni/	slander, false accusation	رسوایی ، بدنامی

کد: کلام نیست (کلاه‌م نیست) رسوا شدم بدبخت و گرفتار شدم!

## pittance

Phonetic	Synonym	Meaning
/'pitəns/	small amount	مبلغ جزئی ، چندرغاز

کد: bit + انس! به مقدار جزئی همیشه دیگه ! bit = ذره/تکه



## fastidious

Phonetic	Synonym	Meaning
/fæ'stidiəs/	choosy, particular	سخت گیر ، باریک بین ، مشکل پسند

کد: اصفهانیه بهت می‌گه طرف فست فودی اس؟؟؟!! پست خیلی سخت گیر اس!!!

## noisome

Phonetic	Synonym	Meaning
/'nɔɪsəm/	unwholesome, foul	نامطلوب ، مضر

کد: نظام!

نظام دیکتاتوری واقعا مضره واسه جامعه و خیلی هم نامطلوبه!

## unkempt

Phonetic	Synonym	Meaning
/,ʌn'kempt/	neglected, untidy	ژولیده ، نامرتب

کد: اون کمپت خیلی نامرتبه! (اون کمپی که توش ساکن شدی خیلی نامرتبه)

## parable

Phonetic	Synonym	Meaning
/'pærəbəl/	a moralistic story	مثال ، تمثيل ، قیاس ، نمونه

کد: سعی کن هر مثالی که میاری بهش پروبال بدی تا ماندگار بشه تو ذهن!!

## whimsical

Phonetic	Synonym	Meaning
/'wɪmzɪkəl/	witty, humorous	وسواسی ، دهن بین ، غریب

کد: وام+زگیل!  
وامی که مثل زگیل بهت بچسبه وسواست میکنه و بهت میغن دهن بین!

## lampoon

Phonetic	Synonym	Meaning
/læm'pu:n/	Ridicule	کنایه ، هجو ، هجو کردن

کد: با کنایه به دوستت میگی طرف هر چی تو خونه بود اومد لمبوند و رفت!!

## countenance

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kaʊntɪnəns/	approve, tolerate	قیافه ، رخ ، تشویق کردن

count on us: کد: رو ما حساب کن تشویقت میکنیم!

## sanctimonious

Phonetic	Synonym	Meaning
/,sæŋktɪ'məʊniəs/	hypocritically religious	مقدس نما

کد: سنگ تی مانند مقدس است!

## equanimity

Phonetic	Synonym	Meaning
/,i:kwə'nɪmɪti/	self-control	متانت ، آرامی

کد: اکو نعمتی محیط آرامی به همراه متانت برای شما به ارمغان می آورد! (تبلیغات!!)

## effrontery

Phonetic	Synonym	Meaning
/i'frʌntəri/	Boldness	جسارت ، گستاخی ، خیرگی

کد:

for every discussion he comes to the FRONT and argues...In a rude manner.

## Nonentity

Phonetic	Synonym	Meaning
/nɒ'nentiti/	one of no importance	چیز غیر موجود ، چیز وهمی و خیالی

کد: این کلمه هم نیاز به کد نداره کافیه که تک تک بخونیمش non(e)+entity همونطوری که معنی entity رو میدونیم میشه وجود و حدس زدن کامل کلمه آسان میشود.

## Flabbergasted

Phonetic	Synonym	Meaning
/'flæbəgɑ:stɪd/	Astounded	مبهوت ، متحیر

کد: به طرف میگی جنس شلوارت چیه میگه فایبرگلاس!!!! مات و مبهوت میمونی!!

## debacle

Phonetic	Synonym	Meaning
/deɪ'ba:kəl,/	collapse, ruin	افتضاح ، سرنگونی

کد: دبه+کل! کل دبه ی آب رو ریخت و افتضاح به بار آورد!!!!

## vivacious

Phonetic	Synonym	Meaning
/vi'veɪʃəs/	gay, lively	خوشحال ، با نشاط ، سرزنده

کد: با خوشحالی میگی: ویوا + شیث!!!  
سر زنده باد شیث!!!  
Viva = زنده باد

## gaunt

Phonetic	Synonym	Meaning
/gɔ:nt/	haggard, thin	لاغر ، نحیف ، زنده

کد: گونه ات بره تو معلومه که لاغر میشی!

## mien

Phonetic	Synonym	Meaning
/mi:n/	bearing, appearance	سیما ، وضع ، قیافه

کد: مین رو جلوش منفجر کردن تا قیافش رو ببینن چه شکلی میشه!

## hirsute

Phonetic	Synonym	Meaning
/hɜ:r'su:t/	Hairy	مودار ، پرمو ، پشمالو

کد: کافیه اول کلمه رو hair بخونیم که میشه مو! حدس زدن معنی راحت تر میشه

## refute

Phonetic	Synonym	Meaning
/ri'fju:t/	prove wrong, disprove	رد کردن ، تکذیب کردن

کد: همون refuse که به معنای رد کردن و نپذیرفتن هست میشه!!

## pensive

Phonetic	Synonym	Meaning
/'pensɪv/	reflective, thoughtful	افسرده ، محزون

کد: چیزی که expensive (گرون) باشه آدمو افسرده میکنه و تو فکر میبره!

## whet

Phonetic	Synonym	Meaning
/wet/	stir up, stimulate	تیز کردن ، برانگیختن

کد: wet یعنی خیس whet یعنی برانگیختن!  
طرف رو wet (خیس) کردیم whet (عصبی) شد.

## stupor

Phonetic	Synonym	Meaning
/'stu:pər/	insensible condition, daze	خرفتی ، گیجی ، کند ذهنی

کد: همون stupid میشه که تقریبا تلفظشون نزدیکه به هم

## wince

Phonetic	Synonym	Meaning
/wɪns/	flinch, draw back	لگد پرانی ، لرزیدن ، رمیدن

کد: اونایی که وینستون میکشن (سیگار) آخرش به لرزیدن می افتند!

## genre

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ʒɑ:nrə/	a certain form or style in painting or literature	نوع ، دسته ، قسم ، جور

کد: این کلمه خیلی پرکاربرده در فارسی مثلا برای انواع فیلم ها و همچنین انواع موسیقی میتونیم بگیم ژانر

## candid

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kændɪd/	open, honest, frank	بی تزویر ، صاف و ساده، راستگو

کد: کاندیدایی که انتخاب میشن باید بی تزویر و راستگو و صاف و ساده باشن.



## unsavory

Phonetic	Synonym	Meaning
/ʌn'seivəri/	morally bad, disagreeable, offensive	بی مزه ، بد مزه ، ناخوشایند

کد: غذایی که تو اون ماشین سواری خوردیم (اون سواری) خیلی بی مزه و بدمزه بود.

## degrade

Phonetic	Synonym	Meaning
/di'greɪd/	lower, make contemptible	پست کردن ، تنزل کردن

کد: پیشوند de به معنای منفی کننده ی کلمه به کار میره و کلمه ی grade میدونیم که درجه است مثلا میگی درجشو آوردی پایین/شخصیتشو خورد کردی!

## venial

Phonetic	Synonym	Meaning
/'vi:niəl/	forgivable, pardonable	بخشیدنی ، قابل عفو

کد: دانیال و ونیال رو ببخش!

## epitome

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪ'pɪtəmi/	person or thing that represents the best	خلاصه، خلاص رئیس مطلب

## dexterity

Phonetic	Synonym	Meaning
/dek'steriti/	physical or mental skill	چابکی، چالاکی، تردستی

کد: فیلم دکستر رو دیده باشین میبینید نقش اولش خیلی زرنگ و باهوشه!

## grotesque

Phonetic	Synonym	Meaning
/grəʊ'tesk/	fantastic, strange, bizarre	عجیب غریب، بی تناسب، مضحک

کد: دوستت رفتارش عجیب غریب میشه یهو بهت می‌گه بیخیال کار شدم  
گور بابای task + گور! task

## compassion

Phonetic	Synonym	Meaning
/kəm'pæʃən/	kindness, sympathetic feeling	دلسوزی ، رحم ، شفقت

کد: کم پاشن! دارن دوستت رو خیس آب میکنند میای از روی دلسوزی میگی کم پاشین!

## repugnant

Phonetic	Synonym	Meaning
/ri'pʌgnənt/	repulsive, distasteful	مخالف ، زننده

## acme

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ækmi/	zenith, pinnacle, peak	اوج ، نقطه کمال

کد:

Like acne=high points on skin(pimple).Acme=Highest point in ones work

## copious

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kəʊpiəs/	plentiful, abundant, ample	فراوان ، تعداد زیاد

کد: چندتا کپی با هم میشه تعداد فراوان کپی !!!

## vehemently

Phonetic	Synonym	Meaning
/'vi:əmənt/	passionately, violently, eagerly	شدید ، باحرارت زیاد

## depict

Phonetic	Synonym	Meaning
/dɪ'pɪkt/	portray, picture, describe clearly	نمایش دادن به وسیله ی طرح و نقشه

کد:

Depicture!

## naive

Phonetic	Synonym	Meaning
/naɪ'ɪ:v/	unsophisticated, unworldly	ساده لوح ، ساده دل

کد: ساخت ناوهای جنگی توسط افراد ساده لوح و ساده دل صورت گرفت.

## perfidious

Phonetic	Synonym	Meaning
/pə'fɪdiəs/	false, treacherous	سست پیمان ، بدقول

کد: بدقولی پُر فایدس برا بدقول ها!!!!

## covet

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kʌvɪt/	wish, envy, want	طمع به چیزی داشتن ، میل به تملک چیزی کردن

کد: به آشناتون میگی گاو تو ازت گرفتن معلومه تمایل داری که بازم داشته باشی  
طمع داری بهش!!

## ingratiate

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪn'greɪʃieɪt/	charm, win confidence	خود شیرینی کردن ، مورد لطف قرار دادن

## penury

Phonetic	Synonym	Meaning
/'penjʊəri/	Poverty	فقر ، احتیاج ، تنگدستی

کد: غذای فقرا و محتاج ها نون و پنیری بیش نیست.

## ignominious

Phonetic	Synonym	Meaning
/,ɪgnə'mɪniəs/	disgraceful, humiliating	رسوا ، ننگ آور

کد: اگه+ناموس  
اگه+ناموس اش رو دوست داشت رسوایی به بار نمی آورد.

## confront

Phonetic	Synonym	Meaning
/kən'frʌnt/	come face to face with	مواجه شدن ، مقابله کردن ، روبرو شدن

کد: وقتی کنفرانس داری با خیلی چیزها باید مواجه بشی!

## antipathy

Phonetic	Synonym	Meaning
/æn'tɪpəθi/	unadorned, simple, hard	احساس مخالف، ناسازگاری

کد:

CAN REMEMBER IT AS OPPOSITE OF sympathy.

RHYMING n OPPOSITE WORDS -antipathy n sympathy

## servile

Phonetic	Synonym	Meaning
/'sɜ:rvəl/	submissive, slavish	پست ، چاپلوس

کد: خیلی از سروان های خارجی پست و چاپلوس اند!!

## volition

Phonetic	Synonym	Meaning
/və'lıʃən/	supportable, defendable	خواست ، اراده

کد: کسانی که اراده ندارند رو ولشون کن!

## sojourn

Phonetic	Synonym	Meaning
/'soʊdʒɜ:n/	temporary stay	موقتا اقامت کردن

کد: این کلمه توی تلفظ یه ذره متفاوت کدبندی میشه اقامت کردن موقتی هم در جاهای مختلف خیلی گرونه ( SO + گرون)

## austere

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɒ:'stɪr/	hate, distaste, dislike	سخت ، ریاضت کش

کد: استر! دوختن استری لباس برای خیاطها خیلی ریاضت کش و سخته!



## felicitous

Phonetic	Synonym	Meaning
/fɪ'liːsɪtəs/	Happy	شاد ، لذت بخش

## halcyon

Phonetic	Synonym	Meaning
/'hælsiən/	calm, peaceful	ایام خوب گذشته ، مرغ افسانه ای

کد: حال اساسیه!

ایام خوب گذشته حال اساسی به ادم میده!

## tenable

Phonetic	Synonym	Meaning
/'tenəbəl/	choice, willpower	نگاه داشتنی ، قابل مدافعه، قابل تصرف

کد: تن + پل (دانشمند)

تن و بدن بل دانشمند معروف میتونست نگه داشته شه ولی مدافعی نداشت که این

کارو بکنه براش!!!

## superfluous

Phonetic	Synonym	Meaning
/su:'pɜ:rfluəs/	surplus, excessive	زائد ، زیادی

کد:

when there is large(super) flow of water, it becomes  
EXCESSIVE / OVERABUNDANCE of water

## motivate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'mæʊtveɪt/	provoke, stimulate, inspire	انگیختن ، تحریک کردن

## rationalize

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ræʃənəlaɪz/	use or give a reason other than the real one	منطقی کردن ، عقلانی کردن

کد: روی شن ها لیز میخوری فکر میکنی منطقیه کارت؟؟!!

## therapy

Phonetic	Synonym	Meaning
/'θerəpi/	curing or healing process	درمان ، علاج ، معالجه

کد: تراپی مثل فیزیوتراپی/کانال تراپی/رادیوتراپی همشون یه نوع درمان هستند.

## nascent

Phonetic	Synonym	Meaning
/'næsənt/	provoke, stimulate, inspire	پیدایش ، در حال تولد

کد: همه بچه ها در حال پیدایش و هنگام تولد نازندا!

## iconoclast

Phonetic	Synonym	Meaning
/aɪ'kɒnəkɫæst/	attacker of beliefs, image-breaker	بت شکن

کد: آیکون کلاس بت شکنه!

## erudite

Phonetic	Synonym	Meaning
/'erʊdaɪt/	very scholarly	آموزنده ، دانشمندانه ، دانشمند

کد:

Are you a deity? Are you a deity; deities are gods and know it all.

## phobia

Phonetic	Synonym	Meaning
/'fəʊbiə/	strong dislike, persistent fear	ترس بیخود ، تشویش

کد: فوبیا=خوبیا! خوبیها باعث میشن ترس بیخود و استرس نداشته باشی!

## germane

Phonetic	Synonym	Meaning
/dʒɜːr'meɪn/	in close relationship to, appropriate	وابسته

کد: میگن که آلمانی ها (Germany) خیلی زود وابسته میشن!

## vertigo

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈvɜːrtɪɡoʊ/	Dizziness	سرگیجه ، دوران سر

کد: where+ too +go

وقتی که سرگیجه داری نمیدونی کجا بری دیگه!!

## conducive

Phonetic	Synonym	Meaning
/kənˈdjuːsɪv/	leading, helpful	سودمند ، موجب شونده

کد: save + کندو

نجات دادن یک کندو کار سودمند است!

## glib

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɡlɪb/	smooth of speech	روان ، سلیس ، چرب زبان

کد: قالبش خیلی روانه! (تفاوت در تلفظ)

## homogeneous

Phonetic	Synonym	Meaning
/hə'mɒdʒɪnəs/	uniform, same	هم جنس ، یک جور ، مشابه

کد: این لغت به راحتی کد گذاشته میشه کافیه تلفظش رو با همجنس مطابقت بدیم که معنیش هم هم جنسه!!

## malleable

Phonetic	Synonym	Meaning
/'mæliəbəl/	capable of being formed or shaped	چکش خور ، نرم و انعطاف پذیر

کد: many+able!  
خیلی (many) از فلزات قابلیت (able) چکش خوری دارند!!

## legerdemain

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˌledʒərdə'meɪn/	Deceptive adroitness, sleight of hand	تردستی ، شعبده بازی

کد: larger than main  
با تردستی و شعبده بازی میشه ی چیزی رو خیلی بزرگتر از اون چیزی که هست نشون داد!!

## trend

Phonetic	Synonym	Meaning
/trend/	general direction	تمایل ، گرایش

کد: تیرانداز ها تمایل به تیراندازی دارند!

## stagnant

Phonetic	Synonym	Meaning
/'stægnənt/	inactive, dull, motionless	بدون حرکت ، راکد، ایستا

کد: ایستک+نان بازاریش کساد و راکده!!

## fatal

Phonetic	Synonym	Meaning
/'feɪtl/	disastrous, deadly	کشنده ، مهلک ، مصیبت آمیز

کد: (فتل) فتحعلی شاه پادشاهی بود که دوران مصیبت آمیز و کشنده ای رو برای ایران به وجود آورد.

## passé

Phonetic	Synonym	Meaning
/pæ'seɪ/	old-fashioned, outmoded	کهنه ، قدیمی

کد: این درس که پاسه! چون قدیمیه خوندمش!

## procrastinate

Phonetic	Synonym	Meaning
/prə'kræstɪneɪt/	put off, delay	پشت گوش انداختن، به تاخیر انداختن

## facet

Phonetic	Synonym	Meaning
/'fæsit/	one side or view of person or situation	صورت کوچک ، شکل

کد: شباهتش با face



## foist

Phonetic	Synonym	Meaning
/fɔɪst/	pass as genuine, pass off slyly	جا زدن ، قالب کردن چیز تقلبی

کد: فایسا=وایسا جا نزن!!

## stigmatize

Phonetic	Synonym	Meaning
/'stɪgmətəɪz/	to mark with a disgrace	لکه دار کردن ، داغ ننگ زدن بر

کد: کسی که نمره ی چشم استیگماتیسم داره نباید مسخره کرد و لکه ی ننگ بهش زد.

## capitulate

Phonetic	Synonym	Meaning
/kə'pɪtʃəleɪt/	make terms, surrender	تسلیم شدن ، سر سپردن

کد: capi(captain)+too+late

توی کشتی بهتون حمله شده به کاپیتان میگی capi+too+late کاپیتان خیلی دیر شده باید تسلیم بشیم!

## audacity

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɔ: 'dæsiti/	daring, boldness	جسارت ، گستاخی ، بی پروایی

audio+city کد:

شهری که سرو صدا زیاد باشد گستاخی و جسارت هم زیاد

## tantalize

Phonetic	Synonym	Meaning
/'tæntəl-aɪz/	tease or torment by offering something good, but fail to deliver	کسی را دست انداختن، آزار دادن

کد: چند تا لایز (lies) تلفظ یه بچه که به جاش میگویند تانتلایز و بقیه رو دست  
میندازه!!

## retort

Phonetic	Synonym	Meaning
/rɪ 'tɔ:rt/	reply, answer	جواب متقابل، تلافی، تلافی کردن

کد: جواب متقابل رو روی تورت (تور بسکتبال) بده اگه جرات داری!

## reticent

Phonetic	Synonym	Meaning
/'tæsit/	not stated, implied, understood	ضمنی ، خاموش ، به آرامی و سکوت

کد:

tacit ~ take it; imagine you are giving permission to someone to take something from your room...But you didn't say it verbally but via your actions.

## chicanery

Phonetic	Synonym	Meaning
/ʃi'keɪnəri/	underhandednes, trickery	حیله بازی، ضد و نقیض گویی

کد:

She + کینه ای است و همش دنبال حیله بازی

## docile

Phonetic	Synonym	Meaning
/'dɑ:səl/	easy to manage	سر به راه ، تعلیم برادر

کد: سر به راه کردن و تعلیم برادرش دو سال طول کشید!

## saga

Phonetic	Synonym	Meaning
/'sa:gə/	heroic story	حماسه ، حماسه ی اسکاندیناوی

کد: اختراع دستگاه سگا (کنسول بازی بچه ها) حماسه ای برای مردم اسکاندیناوی بود!!!

## belated

Phonetic	Synonym	Meaning
/bɪ'leɪtɪd/	delayed, late	دیر شده ، از موقع گذشته

کد: کافیه جدا جدا بخونیمش be+late

## decrepit

Phonetic	Synonym	Meaning
/di'krepɪt/	worn out, broken down	سالخورده و فرتوت ، ضعیف و ناتوان

کد: در پیت!! سالخورگی و ضعیف شدن خیلی در پیت و مزخرفه!

## imperturbable

Phonetic	Synonym	Meaning
/,ɪmpər'tɜːbəbəl/	serene, steady, calm	آرام ، خونسرد ، ساکت

کد: آمپرت رو توی بابل تنظیم کن! وقتی رفتیم بابل خونسرد باش و آمپرت نزنه بالا!!  
آمپر+توی+بابل!

## vacillate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'væsileɪt/	fluctuate, hesitate	تردید داشتن ، دل دل کردن ، مردد بودن

کد: برای خرید اون وسیله مردد بودم!

## staunch

Phonetic	Synonym	Meaning
/staːntʃ/	firm, trusty, strong	وفادار ، بی شائبه

کد: استانکویچ وفادارترین مربی تیم ملی بوده!!

## opprobrium

Phonetic	Synonym	Meaning
/ə'prɒʊbrɪəm/	insult, scorn	رسوایی ، ننگ ، زشتی

کد: ابرهای بارانی! ببارید و این ننگ و زشتی را پاک کنید!

## Machiavellian

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˌmækiə'veliən/	not principled, governed by opportunity	وابسته به عقاید سیاسی ماکیاولی

## Unconscionable

Phonetic	Synonym	Meaning
/ʌn'kɒnʃənəbəl/	unreasonable, without conscience	خلاف وجدان ، بی وجدان

## Pandemonium

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˌpændɪˈmæʊniəm/	uproar, disorder	کاخ شیطان ، دوزخ ، مرکز دوزخ

کد: پند+مانی پند و نصیحت کردن مانی در دوزخ و کاخ شیطان برگزار میگردد!

## flay

Phonetic	Synonym	Meaning
/fleɪ/	scold harshly, strip off the skin	سخت انتقاد کردن ، پوست کندن از

کد: از پروازشون (fly) ایراد بگیر! (flay)

## demeanor

Phonetic	Synonym	Meaning
/diˈmi:nər/	bearing, conduct	رفتار ، سلوک ، وضع

کد: کافیه اینجوری بخونیدش!! the manner!!

## delineation

Phonetic	Synonym	Meaning
/di'li:ni:et/	description in words, sketch	طرح ، تصویر ، توصیف

کد: دلی + nation  
دلی (دل آرام) قوم خودشو توصیف کرد و به تصویر کشید!

## vindicate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'vɪndɪkeɪt/	justify, absolve	حمایت کردن از، پشتیبانی کردن

کد: win the case!  
وقتی توی یه قضیه برنده میشی صددرصد حمایت و پشتیبانی داشتی!

## heinous

Phonetic	Synonym	Meaning
/'heɪnəs/	hatefully evil	زشت ، شریر

کد: هی + نحس!  
هی پسر اون کار نحس و زشته انجام نده!



## turpitude

Phonetic	Synonym	Meaning
/'tɜːrpətʊ:d/	evil, wickedness, vileness	فساد ، پستی

کد: topper attitude!!!

کد ۲: تر+پتو!

پتوی ترت و خیست رو نیار، خونه به فساد و گند کشیده میشه!

## infraction

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪn'frækʃən/	Violation	تخلف ، شکستن

کد: این فوری اکشن! این اکشن فوری شما تخلف در قانون محسوب میشه!

## callous

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kæləs/	Unfeeling	پینه زدن ، بی حس، بی عاطفه

کد: روبرتو کارلوس خیلی بی عاطفه است و به خاطر بازی زیاد همه دست و پاش پینه زده!

## redress

Phonetic	Synonym	Meaning
/rɪ'dres/	to right a wrong	دوباره پوشیدن، جبران کردن

کد: کافیه جدا جدا معنیشو در بیاریم re به معنای دوباره و dress به معنای پوشیدن میباشد.

## vituperation

Phonetic	Synonym	Meaning
/vɪˌtju:pəreɪʃən/	abuse, blame	ناسزاگویی، توهین، سرزنش

کد: we + توپیدن! ما حسابی توپیدیم بهش و ناسزا گفتیم بهش!

## rhetoric

Phonetic	Synonym	Meaning
/'retərɪk/	use (sometimes exaggerated) of language	علم معانی بیان

کد:

Rhetoric = right oral skills. If you have the right oral skills, you can communicate well.

## clique

Phonetic	Synonym	Meaning
/kli:k/	small, exclusive group of people	دسته ، گروه ، محفل

کد: رو آیکون مای کامپیوتر کلیک کنی یه دسته و گروه میادا!

## extol

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪk'stəʊl/	praise highly	تحسین کردن ، ستودن

کد: عکس+توله ات (عکس توله ی سگ) قابل تحسین و ستودنه!!

## mentor

Phonetic	Synonym	Meaning
/'mentɔ:r/	tutor, counselor, coach	مربی ، معلم سرخانه

کد: مربی و معلم خوب در رو مانیتور میکنه تو ذهن!

## facile

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈfæsiəl/	easily accomplished or attained	آسان ، به آسانی قابل اجرا

کد: فسیل ها خیلی آسان به دست میان!

## cant

Phonetic	Synonym	Meaning
/kænt/	insincere or almost meaningless talk	زبان ویژه ، گوشه دار ، وارونه کردن

کد: اونایی که سیگار کنت مصرف میکنن از یه زبون خاص استفاده میکنن که برعکس همست!

## umbrage

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈʌmbriɪdʒ/	offense, resentment	نگرانی، سایه ، تاریکی

کد: اون + bridge

اون پل باعث دلخوری مردم شده چون همه جا سایه شده باید خراب شه!

## magnanimous

Phonetic	Synonym	Meaning
/mæg'næniməs/	noble, generous	سخاوتمند

کد: مگنه ناموس = مقنعه ناموسه! سخاوتمندی میاره!

## vilify

Phonetic	Synonym	Meaning
/'vɪlɪfaɪ/	malign, slander	بدگویی کردن از

## elucidate

Phonetic	Synonym	Meaning
/i'luːsɪdeɪt/	to make clear	روشن کردن ، توضیح دادن

کد: الو+صدا ت نمیا د واضح و روشن حرف بز ن و توضیح بده بهم!

## vapid

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈvæpɪd/	dull, uninteresting	بی مزه ، بی حس ، مرده

کد: ورپریده ی بی مزه!!!

## unwieldy

Phonetic	Synonym	Meaning
/ʌnˈwiːldi/	difficult to handle, bulky	سنگین ، گنده

کد: اونو ولش ده بابا! اون+ول+ده!!  
اونو ولش کن سنگین وزن و گندس!

## proximity

Phonetic	Synonym	Meaning
/prɒkˈsɪmɪti/	Nearness	نزدیکی ، مجاورت

کد: پُر اسکی+متری جنده نزدیک شما!?!!!

## lassitude

Phonetic	Synonym	Meaning
/'læsətju:d,/'	weakness, weariness	سستی ، رخوت ، بی میلی

کد: لاسی+توده! توده ی لاسی و سستی!

## vitate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'viʃiət/	destroy the use or value	فاسد کردن ، تباه ساختن

کد: wish he eat you!

چون همه جارو به فساد کشیدی و تباه کردی!

## augment

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɔ:g'ment/	increase, enlarge	افزودن ، زیاد کردن

کد: augment is opposite of segment

augment به معنای افزودن و زیاد کردنه و segment به معنای کوچک کردن و  
قطعه قطعه کردنه

## fatuus

Phonetic	Synonym	Meaning
/'fætʃuəs/	inane, foolish, silly	احمق ، بی شعور

کد: fat+us!

توی کشور us (آمریکا = USA) آمریکایی هایی که چاق (fat) هستند رو احمق میدونن!!

## contort

Phonetic	Synonym	Meaning
/kən'tɔ:rt/	twist violently	از شکل انداختن، ناهموار کردن

کد: اگه پول کنتورت (کنتور اب) رو پرداخت نکنی میان کنتور رو خراب میکنن و از شکلش میندازن!

## repertoire

Phonetic	Synonym	Meaning
/'repətwa:r/	works that an artist is ready to perform	فهرست نمایش های آماده برای نشان دادن

کد: این رپرها طوری فهرست نمایششون رو نشون میدن که انگار چه خبره!!



## imperceptible

Phonetic	Synonym	Meaning
/,ɪmpə'septɪbəl/	extremely slight or gradual	دیده نشدنی، غیر قابل مشاهده

## curry

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kʌ:ri/	to seek favor by flattery	کاری، زردچوبه هندی، مالیدن

کد: کاری! همون ادویه کاری هندی!

## pall

Phonetic	Synonym	Meaning
/pɑ:l/	become dull, cease to please	بیزار شدن، بی ذوق شدن

کد: اگه پول نداشته باشی از زندگیت بیزار میشی (pall)

## succulent

Phonetic	Synonym	Meaning
/'sʌkjʊlənt/	Juicy	آب دار ، شاداب ، پر طراوت

کد: سه کیلو یونانی(شیرینی) تازه و اب دار بخر!

## satiety

Phonetic	Synonym	Meaning
/sə'taɪəti/	surfeit, excess, fullness	سیری ، بی نیازی

کد: سه تا یتیم! اونا سه تا یتیمی بودند که بی نیاز بودند.

## intrinsic

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪn'trɪnsɪk,/	inherent, within itself	درونی ، ذاتی ، اصلی

کد: این کلمه رو باید با متضادش حفظ کنیم چون هم وزن هستند

intrinsic # extrinsic

درونی # بیرونی

## potpourri

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˌpɒtˈpʊəri/	mixture, melody	تنوع ، مخلوط و درهم

کد: انواع و اقسام مرهم رو روی پات هنگام پیری بزن! پات+پیری

## sanction

Phonetic	Synonym	Meaning
/'sæŋkʃən/	surfeit, excess, fullness	تصویب ، تایید رسمی

کد: به طور رسمی تایید و تصویب شد که مردم سنگ روی شن نریزند!!!  
سنگ+شن

## denote

Phonetic	Synonym	Meaning
/di'neɪt/	mean, show, indicate	علامت گذاردن ، معنی کردن

کد: مفهوم دینت رو معنی کن و علامت بزار براش!

## allude

Phonetic	Synonym	Meaning
/ə'lu:d/	suggest, hint	اشاره کردن ، گریز زدن به

کد: یه اشاره ای هم باید به افراده آلوده کرد!

## insidious

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪn'sɪdiəs/	treacherous, sly, seductive	توطئه ، دسیسه

کد: دوست اصفهانیت بهت می‌گه این سی دی اس! (CD) همون سی دی که توش پر از توطئست!!

## propriety

Phonetic	Synonym	Meaning
/prə'praɪəti/	correctness, suitability	نزاکت ، مراعات آداب نزاکت

کد: واژه ی proper رو میدونیم میشه درست و مناسب بنابراین از این کد استفاده میکنیم که برای درست (proper) بودن باید نزاکت (propriety) رو رعایت کرد!

## advent

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈædvent/	coming of an important event	ظهور

کد:

advent=ad + went "went" is the past tense of go."ad vent" is opposite of "go" which is "come".(ie) "arrival".

## impious

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈɪmpɪəs/	irreverent, lacking respect	بی دین، خدانشناس ، ناپرهیزگار

کد: این پایه است! پایه همه نوع خلاف! پس آدم بی دین و خدانشناسیه!

## proffer

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈprɑːfər/	offer for acceptance	پیشنهاد کردن ، پیشنهاد

کد: کار پروفسورها همیشه پیشنهاد دادن دیگه!

## spate

Phonetic	Synonym	Meaning
/speɪt/	rush, flood	سیل ، سیلاب

کد: اسبہات توی سیل گرفتار شدن!!

## shibboleth

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ʃɪbələθ/	slogan, pet phrase	امتحان ، آزمون

کد: بهش گفتن اگه امتحان رو قبول شدی واست یه شولت میخریم!!

## bogus

Phonetic	Synonym	Meaning
/'bʊɡəs/	fake, counterfeit	ساختگی ، جعلی ، قلابی

کد: اصفهانی بهت میگه این بوق اس؟؟؟ تو میگی نه یه چیز جعلیه و ساختگیه!  
(تفاوت در تلفظ)

## substantiate

Phonetic	Synonym	Meaning
/səb'stænjieɪt/	ratify, confirm	اثبات کردن با دلیل و مدرک

کد: سباستین+شیعه! سباستین باید ثابت کنه که شیعه شده!

## nutritive

Phonetic	Synonym	Meaning
/'nju:trɪtɪv /	having nourishing properties	مغذی ، غذایی

## raucous

Phonetic	Synonym	Meaning
/'rɔ:kəs/	shrill, harsh	خشن ، ناهنجار ، گوش خراش

کد: آهنگ راک خشن گوش میدی یه اصفهانی یهت میگه این راکس! خیلی خشن اس!

## quandary

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kwɒndəri/	dilemma, doubt	گیجی ، حیرت ، سرگردانی

کد: کم داری؟! چرا گیج میزنی?!!

## callous

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kæləs/	unfeeling, hardened	پینه زدن، بی حس ، بی عاطفه

کد: روبرتو کارلوس خیلی بی عاطفه است و به خاطر بازی زیاد همه دست و پاش پینه زده!

## expedient

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪk'spi:diənt/	fit, advisable	مناسب ، مقتضی

کد: ویندوز اکس پی دین و زندگیته از بس مناسبه!! اکسپی+دینت



## negligible

Phonetic	Synonym	Meaning
/'neglɪdʒɪbəl/	inconsiderable, trifling	قلیل ، ناچیز

کد: با دیدنش یاد ناقابل می افتیم!  
Negligible = ناقابل ، ناچیز

## comely

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kʌmli/	handsome, beautiful	خوب رو ، خوش منظر

کد: برعکس بروسلی، کاملی خیلی خوب رو و خوش منظره!!

## ennui

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɒn'wi:/	Boredom	بیزاری ، ملالت ، خستگی ، دلتنگی

کد: حسادت (envy) بیزاری و خستگی میاره (ennui)

## frenetic

Phonetic	Synonym	Meaning
/fri'netik/	frenzied, frantic	دیوانه ، شوریده ، آتشی

کد: تقریبا تو یه دسته معنایی قرار میگیرن این گروه: frenzy=crazy=frenetic

## artifice

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ɑ:tɪfəs/	strategy, trickery	استادی ، هنری ، اختراع

کد: کسی که art رو از روی face نشون میده اثری هنری خلق میکنه و استادی خودشو نشون میده!

## diversity

Phonetic	Synonym	Meaning
/daɪ'vɜ:sɪti/	change, variety	تنوع و گوناگونی

کد: دیوار+سیتی (city)  
اگه دقت کرده باشین دیوارهای شهر خیلی تنوع و گوناگونی دارند.

## qualm

Phonetic	Synonym	Meaning
/kwa:lm/	twinge of conscience	عدم اطمینان ، حالت تهوع

کد: وقتی که آرام نیستی (calm) انگار به یه چیزی اعتماد نداری و مطمئن نیستی دیگه !!

## expurgate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ekspəgeɪtɪd/	to remove objectionable parts or passages	حذف کردن ، تطهیر کردن

کد: ex پیشوندیه که در بعضی مواقع به معنی قبلی استفاده میشه مثلا: Ex friend یعنی دوست قبلی/سابق ولی دوستان این رو به همه جا ربط ندید... در این کلمه ما میتونیم برای کدسازی استفاده کنیم: ex + پارگی ات ! پارگی قبلی دستت بخیه خورد الان دیگه حذف شده و معلوم نیست...!!

## replenish

Phonetic	Synonym	Meaning
/ri'plenɪʃ/	to restock, fill again	دوباره پر کردن، باز پر کردن

## begrudge

Phonetic	Synonym	Meaning
/bi'grʌdʒ/	to be resentful or reluctant	غبطه خوردن ، مضایقه کردن

کد: اگه ماشینت بی گاراژ بمونه معلومه غبطه و حسرت میخوری!!

## artless

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ɑ:tləs/	naive, innocent	بی هنر، بی تزویر، ساده لوح

کد: art+less پسوند less کلمه را به صورت adjective و منفی در می آورد  
(less = بی/نه)

## gratuity

Phonetic	Synonym	Meaning
/grə'tju:iti/	Tip	پاداش ، انعام

کد:

"how 'grateful' of you!" you say this after having a tip

## manifest

Phonetic	Synonym	Meaning
/'mæɪnɪfɛst/	obvious, evident	آشکار ، واضح ، روشن

کد: معنی + fast  
معنی این کلمه (Fast) خیلی تابلو و واضحه دیگه!!

## delve

Phonetic	Synonym	Meaning
/delv/	to do research, dig	گودی ، حفره ، سوراخ کردن

کد: وقتی چاله رو دید دلش هُری ریخت!!

## capricious

Phonetic	Synonym	Meaning
/kə'prɪʃəs/	fanciful, whimsical	دمدمی مزاج ، هوس باز

کد: کبری+شیت  
ازدواج کبری و شیت سر هوس بازی و دمدمی مزاجی بود!!

## requisite

Phonetic	Synonym	Meaning
/'rekwɪzət/	Requirement	ضروری، بایسته، شرط لازم

کد: re+quiz+it

واجبه یه بار دیگه ازش کوئیز (آزمون) بگیری!!!

## roster

Phonetic	Synonym	Meaning
/'rɑːstər/	a list of names	صورت ، فهرست

کد: برای دیدن فهرست اصلی روی صفحه ی راستی (راست تر=roster) کلیک کنید!

## stunted

Phonetic	Synonym	Meaning
/'stʌntɪd/	held back or checked in natural growth	کوتاه

کد: اسی(اسماعیل) تنده ولی قدش کوتاه ست!!

## atrophy

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈætrəfi/	waste away	لاغر، لاغر کردن

کد: ۱: آدمهای عاطفی چون حرص بیشتر میخورن بیشترهم لاغر میشن!!  
کد: ۲: دوستهای اطرافم همه لاغرند!

## maim

Phonetic	Synonym	Meaning
/meɪm/	cripple, disable	صدمه ، جرح ، صدمه زدن

کد: اگه تو باغ وحش زیاد سر به سر میمون بزاری صدمه میزنه بهت!

## ameliorate

Phonetic	Synonym	Meaning
/əˈmi:liəreɪt/	relieve, improve	بهبتر کردن ، اصلاح کردن

کد: امیلی یو آر ایریت! (irate = خشمگین) خودتو اصلاح و بهتر کن!!

## cynic

Phonetic	Synonym	Meaning
/'sɪnɪk/	skeptic, pessimist	بد بین ، عیب جو

کد: ۳۰ نیک! ۳۰ تا کار نیک انجام بده تا بدبینی و عیب جویت حذف بشه!

## unctuous

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ʌŋktʃuəs/	affectedly emotional	چرب ، روغنی ، مداهنه آمیز

کد: اون چوبیس که روغنی و چرب است!

## benevolent

Phonetic	Synonym	Meaning
/, bi'nevələnt/	charitable, kindly	کریم ، نیک خواه ، خیر اندیش

کد: بانی (بانی مسجد) + voluntary !  
دقت کردین بانی های مسجد چقدر داوطلبانه توی همه کارها شریک میشن؟



## subservient

Phonetic	Synonym	Meaning
/səb'sɜ:viənt/	obsequious, servile	چاپلوس ، پست

کد: دقت کردین تا حالا صاحب سرویسهای دانشگاه (سلف سرویسها) چقدر چاپلوس اند؟!

## iniquity

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪ'nɪkwɪti/	wickedness, injustice	بی انصافی ، شرارت

کد:

Iniquity sounds like inequality ;lack of justice

فکر کنم دیگه همه equal و unequal رو بدونید چی میشه که با استفاده از این میتونیم معنی این کلمه رو به راحتی تشخیص بدیم!!

## largess

Phonetic	Synonym	Meaning
/lɑ:r'dʒes/	liberality, gift, gratuity	بخشش، انعام، سخاوت، آزادگی

کد: یه اصفهانی وقتی بهت میگه طرف لارجس! یعنی لارجه /بخشندس/ سخاوتمنده!

## criterion

Phonetic	Synonym	Meaning
/kraɪ'tɪəriən/	test, model, standard	ملاک ، معیار ، مقیاس

کد: باشگاه رفتن معیاری برای مصرف کراتین نیست!

## repent

Phonetic	Synonym	Meaning
/rɪ'pent/	desire to make amends, regret	اصلاح شدن، توبه کردن، پشیمان شدن

کد: rap+ant

مورچه ای که تیپ رپ میزد پشیمان شد از کار خودش و توبه کرد!

## mollify

Phonetic	Synonym	Meaning
/'mɒlɪfaɪ/	appease, pacify	آرام کردن ، فرو نشانیدن

کد: خودتو اصلاح کن modify و آرام باش mollify

## mercenary

Phonetic	Synonym	Meaning
/'mɜːrsənəri/	greedy, motivated by desire for gain	پولی ، مادی ، پولکی

کد: مرسی+نری! مرسی و ممنون ازت! اگه نری من به هیچ پولی احتیاج ندارم پولکی هم نیستم!

## pariah

Phonetic	Synonym	Meaning
/'pæriə/	social outcast	منفور

کد: پریا دختره منفوریه!

## aloof

Phonetic	Synonym	Meaning
/ə'luːf/	reserved	کناره گیر ، دور

کد: اون دوستانی که علافند همیشه کناره گیرند و دور از جمع اند!!

## pragmatic

Phonetic	Synonym	Meaning
/præg'mætɪk/	based on experience, practical	عمل گرا ، فضول ، عملی

کد: pragmatic=practical!

## vestige

Phonetic	Synonym	Meaning
/'vestɪdʒ/	evidence, trace	نشان ، اثر

کد: برای حفظ این کلمه میتونیم از کلمه ای استفاده کنیم که معنیش رو میدونیم: Investigate یعنی واریسی کردن/بررسی کردن خوب اونایی که در حال بررسی و واریسی هستند همیشه دنبال نشان و اثر میگردند مخصوصا واریس ها یا محققان!!

## guise

Phonetic	Synonym	Meaning
/gaɪz/	mien, appearance, manner	ماسک ، لباس مبدل

کد: کسی که با گاز کار میکنه باید ماسک بزنه و لباس مبدل بپوشه!!!

## nullify

Phonetic	Synonym	Meaning
/'nʌlɪfaɪ/	cancel, abolish	خنثی کردن، بی اثر کردن

کد: همه میدونن که نول خنثی است و این رو هم بدونیم که ify در این گونه موارد فعل سازه

## deluge

Phonetic	Synonym	Meaning
/'delju:dʒ/	Flood	گودی ، حفره ، حفر کردن

کد: دلوژ=دلر=دریل!! که کارش ایجاد حفرست!

## futility

Phonetic	Synonym	Meaning
/fju:'tɪlətɪ/	Uselessness	بیهودگی ، بی فایدهگی، پوچ

کد: این بار به شکل ظاهریش کد میدیم نه به تلفظ: فاطی+لاتی  
فاطی لاتی بیهودگی و کار پوچیه!  
کد:۲: این سری با توجه به تلفظ: few+تیلیتی!  
اونایی که غذای تیلیتی دوست ندارن زندگیشون به پوچی میگذره!!

## carnage

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kɑ:rɪdʒ/	Slaughter	قتل عام ، کشتار

کد:

f under aged people drive the car, there is a possibility that he may kill people or animals on the road.

## technology

Phonetic	Synonym	Meaning
/tek'nɒlədʒi/	applied science	تکنولوژی ، فناوری

کد: تکنولوژی

## libel

Phonetic	Synonym	Meaning
/'laɪbəl/	degradation by writing or publishing	افترا ، توهین ، متهم کردن

کد: یادتونه بچه بودید با یه کاغذ و چسب لیبل میزدید پشت دوستتون و یه چیزی مینوشتید یا توهین یا فحش و...!! عجب!!!

## defamatory

Phonetic	Synonym	Meaning
/di'fæmə,tɔ:ri/	damaging character by false reports	افترا آمیز ، رسوا کننده

کد: دیف (یا دیوید) موتوری رسوا کننده بود!

## plaintiff

Phonetic	Synonym	Meaning
/'pleɪntɪf/	complainant	خواهان ، شاکی ، مدعی

کد: تف انداختن از plane (هواپیما) همه رو شاکی میکنه!  
تف + plane

## canard

Phonetic	Synonym	Meaning
/kə'nɑ:rd/	a made-up sensational story	خبر دروغ

کد: can +hard--rumors can be hardly believed  
خبر دروغ به سختی باور مردم میشه دیگه!

## deprecate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'deprɪkeɪt/	express disapproval	بد دانستن، قبیح دانستن، ناراضی بودن

کد:

You can think of it as the opposite of appreciate (as in devalue against value). So lack of appreciation; ie, humiliation or belittling.

## reputed

Phonetic	Synonym	Meaning
/rɪ'pju:tɪd/	believed, thought, supposed	سابقه ، آوازه داشتن، شهرت داشتن

کد: اگه مشهور باشی راحت میتونی رو پات وایسی!

## frail

Phonetic	Synonym	Meaning
/freɪl/	weak, delicate	نازک ، سست ، نحیف

کد: فویل

ضخامت فویل و جنسش چجوریه؟! نازک و سست و نحیفه



## potent

Phonetic	Synonym	Meaning
/'pəʊtənt/	intense, strong, powerful	شخص توانا ، پادشاه

کد: برای حفظ این واژه میدونیم که potential همیشه همون پتانسیل و مربوط به نیروی درونی و این حرفا! پس باید اینم بدونیم که پادشاه یا شخصی تواناست همیشه اون انرژی و پتانسیل رو داره!  
اون دوستانی هم که معنیه potent رو میدونن به راحتی میتونن این کلمه رو حفظ کنن.

## excoriate

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪk'skɔ:riət/	criticize severely	تراشیدن ، پوست کردن از

کد: عکس ریه ات خیلی خرابه همه جاشو تراشیدن توی عکس!

## devout

Phonetic	Synonym	Meaning
/di'vəʊt/	sincere, religious	مذهبی ، دین دار

کد: اگه خلاف مذهب باشی افراد مذهبی دعوات میکنن !!

## diminutive

Phonetic	Synonym	Meaning
/di'mɪnjətɪv/	small, tiny	خرد ، کوچک

کد: مینیاتوری و کوچک!!

## profuse

Phonetic	Synonym	Meaning
/prə'fju:s/	abundant, overflowing	فراوان ، زیاد ، وافر

کد: پر+فیوز یا فراوان از فیوز!!

## dulcet

Phonetic	Synonym	Meaning
/'dʌlsɪt/	sweet or melodious to the ear	نوعی آلت موسیقی، خوش آهنگ، شیرین

## impromptu

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪm'prɑːmptuː/	offhand, spur of the moment	بی مطالعه ، فی البداهه

کد:

just remember prompt of in[promptu] that's it

## malevolent

Phonetic	Synonym	Meaning
/mə'levələnt/	ill-disposed, ill-intentioned	بد خواه ، بد نهاد

کد:

can malevolent = male +violent Violent males cause more harm to society than females

## wistful

Phonetic	Synonym	Meaning
/'wɪstfəl/	wishful, pensive, longing	آرزومند ، در انتظار، خیال اندیش

کد: west+full

تمام مردم شرق سرشار و پر از این آرزو هستند که برن غرب!!

## raiment

Phonetic	Synonym	Meaning
/'reimənt/	clothing, dress	جامه ، پوشاک

کد: ری مانتو یا مانتوی ری! جزئی از بهترین پوشاکه!

## brigand

Phonetic	Synonym	Meaning
/'brigənd/	bandit, robber	راهزن ، یاغی

کد: کاملاً مشخصه که راهزن ها و یاغی ها بی رگند!!

## corpulent

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kɔ:pjʊlənt/	excessively fat, fleshy, obese	فربه ، تنومند ، گوشتالو

کد:

sounds like opulent means rich wealthy. Rich people generally fat too.

## rail

Phonetic	Synonym	Meaning
/reɪl/	rail	ریل راه آهن ، نرده کشیدن ، توبیخ کردن، خط آهن

کد: ریل

## raconteur

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˌræknɒn'tɜːr/	a skilled storyteller	داستان سرا، قصه گوی زبر دست

کد: راک + in + تور! راک توی تورهایش که برگزار میکنه داستان و قصه میگه به همه!

## sullen

Phonetic	Synonym	Meaning
/'sʌlən/	grim, ill-humored	عبوس ، ترشرو

کد: سالن های مجالس از پذیرش افراد ترشرو و عبوس سرباز زدند!!

## rift

Phonetic	Synonym	Meaning
/rift/	an opening, a split	بریدگی، چاک ، چاک دادن

کد: با چاقو دستشو برید دستش چاک خورد و چایی از دستش ریخت (rift) !

## emissary

Phonetic	Synonym	Meaning
/'emisəri/	an agent	مامور سری ، فرستاده

کد: با معنی خودش میتونیم کد بسازیم: امی سری = مامور سری!

## ruminate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ru:mineit/	reflect upon, ponder	اندیشه کردن ، نشخوار کردن

کد: آخه جلوی شومنیه جای نشخوار کردن و فکر کردنه!؟

## taut

Phonetic	Synonym	Meaning
/tɒ:t/	on edge, keyed up, tense	سفت ، کشیده

کد: دیدن وقتی بچه داره تاتی تاتی میکنه و میخواد بلند شه چقدر سعی میکنه کشیده و سفت واسته؟!

## livid

Phonetic	Synonym	Meaning
/'lɪvɪd/	Pale	کبود ، سربی رنگ ، کوفته شده

کد: livid مخالف vivid !!  
تا وقتی آدمها زنده اند سرحال و قبراقد (vivid) ولی تا میمیرن کبود و کوفته میشن !! (livid)

## martinet

Phonetic	Synonym	Meaning
/,mɑ:rtɪ'net/	strict disciplinarian	سخت گیر ، با انضباط

کد: مارتینت آدم سخت گیر و با انضباطیه!!

## yen

Phonetic	Synonym	Meaning
/jen/	strong desire, strong longing	واحد پول ژاپن، میل، تمایل، اصرار

کد: خیلی از کشورها تمایل دارن واحد پولشون یین (واحد پول ژاپن) بشه!

## callow

Phonetic	Synonym	Meaning
/'kæləʊ/	inexperienced, youthful	خام، کال، بی تجربه

کد: شیرازی های عزیز معمولا به آخر کلمات "و" اضافه میکنند مثلا میخوان بگن کال (خام/نارس/بی تجربه) میگن کالو!!!

## bagatelle

Phonetic	Synonym	Meaning
/,bægə'tel/	a trifle	چیز جزئی و اندک

کد: با (نون) باگت + all یه ساندویچ جزئی و اندکی میشه درست کرد.



## appalled

Phonetic	Synonym	Meaning
/ə'pɔ:ld/	shocked, dismayed	ترساندن، وحشت زده کردن

کد: یکی از دوستانم (pal) خیلی وحشتناکه و آدمو میترسونه a+pal

## penchant

Phonetic	Synonym	Meaning
/'pentʃənt/	a strong leaning in favor	میل شدید ، علاقه ، ذوق

کد: خیلی ها علاقه دارن که (patient صبور) باشن و لی نمیتونن!  
patient=penchant

## decapitate

Phonetic	Synonym	Meaning
/di'kæpɪteɪt/	Behead	سر از تن جدا کردن ، سر بریدن

کد:

capitate(capital)->say head of country>so decapitate means  
dehead or behead

## termagant

Phonetic	Synonym	Meaning
/'tɜːrməɡənt/	a shrew, a scolding woman	داد و بیداد کن، سلیطه ، پتیاره

کد: ترمه+جن دیدی سلیطه بازی درآر!!  
ترمه خانوم جن دیدی داد و بیداد کن!

## ascertain

Phonetic	Synonym	Meaning
/,æ sə 'teɪn/	find out about, discover	ثابت کردن ، معلوم کردن

کد: اسیر+تن! خیلی راحت میشه ثابت کرد که آدمیزاد اسیره تنه!

## dormant

Phonetic	Synonym	Meaning
/'dɔːmənt/	asleep, resting	خوابیده ، ساکت

کد ۱: دور منو خط بکش و ساکت باش میخوام بخوابم!!  
کد ۲: سکوت برای درمانت خیلی خوبه!

## burgeoned

Phonetic	Synonym	Meaning
/'bɜ:rdʒənd/	grew, flourished	هدف ، رشد کردن

کد: بیرجند!

هدفت اینه که بری به سمت بیرجند برای دیدن یه گیاه عجیبی که داره اونجا رشد میکنه که همه رو متعجب کرده!

## potentate

Phonetic	Synonym	Meaning
/'pəʊtənteɪt/	ruler	شخص توانا، پادشاه ، سلطان

کد: برای حفظ این واژه میدونیم که potential همیشه همون پتانسیل و مربوط به نیروی درونی و این حرفا! پس باید اینم بدونیم که پادشاه یا شخصی تواناست همیشه اون انرژی و پتانسیل رو داره!

اون دوستانی هم که معنیه potent رو میدونن به راحتی میتونن این کلمه رو حفظ کن

## disseminate

Phonetic	Synonym	Meaning
/di'semineɪt/	scatter, spread	تخم کاشتن ، منتشر کردن

کد: این (this) + امانتی که ازم گرفتی رو همه جا رفتی پخشش کردی!؟!

## derived

Phonetic	Synonym	Meaning
/di'raiv/	received from a source, descended from	مشتق ، ماخوذ

کد: همون drive که ازش مشتق بگیری میشه derived !!!

## prerogative

Phonetic	Synonym	Meaning
/pri'rɒgətɪv/	an exclusive power or right	حق ویژه ، امتیاز مخصوص

کد:

remember "Interrogative" which means questioning by Investigation officers. So prerogative should be something opposite. so unquestionable

## nepotism

Phonetic	Synonym	Meaning
/'nepətɪzəm/	Favoritism towards relatives	خویش و قوم پرستی

کد: نه پارتیزم! نه+پارتی اونایی که میگن پارتی نه همونا قوم و خویش پرستند!

## dearth

Phonetic	Synonym	Meaning
/dɜ:rθ/	lack, scarcity	کمیابی و گرانی ، کمبود

کد: ۹۰ درصد مرگ مردم (death) جدیدا به خاطر گرانی و کمبوده (dearth)

## internecine

Phonetic	Synonym	Meaning
/,ɪntər'ni:sən/	mutually destructive, involving conflict in a group	قاتل خونین ، کشتار یکدیگر یا متقابل

کد: اینتر نسیم! اینترنشال نسیم که قاتل خونینه همه میشناسنش!

## tyro

Phonetic	Synonym	Meaning
/'taɪrəʊ/	novice, beginner	مبتدی ، نوچه ، تازه کار

کد: تازه کار یا نوچه ای که میره مکانیکی اولین کارش اینه که تایر و پنچرگیری کنه!!!

## sophistry

Phonetic	Synonym	Meaning
/ˈsɒfɪstri/	false reasoning or argument	سفسطه ، زبان بازی ، برهان تراشی

کد: همانند یه خیابون صاف (street+صاف) باش و زبون بازی و برهان تراشی نکن!

## factitious

Phonetic	Synonym	Meaning
/fækˈtɪʃəs/	artificial, sham	ساختگی ، مصنوعی ، دروغی

کد: فیک (fake = تقلبی) + تیشه!  
دوستت بهت می‌گه این تیشه ای که خریدی فیکه یا فیک تیشه اس!!

## encomium

Phonetic	Synonym	Meaning
/ɪnˈkɒmiəm/	high praise	ستایش ، ثنا

کد: این کامیون ها همشون پشتشون نوشته ستایش و ثناست!

## obloquy

Phonetic	Synonym	Meaning
/'ɒbləkwi/	dishonor, disgrace, shame	بدگویی ، ناسزاگویی ، افترا

کد: ابله+کوهی!!!

کسی که ابله و کوهی باشی همیشه از فحش و ناسزا استفاده میکنه دیگه!

## hyperbole

Phonetic	Synonym	Meaning
/haɪ'pɜːbəli/	exaggerated figure of speech	مبالغه ، اغراق ، گزارش گویی

کد: دوستت میگه که من هایپر+ (توپ=ball) دارم به اندازه ی کره زمین! میفهمی که  
داره اغراق میکنه.

## munificent

Phonetic	Synonym	Meaning
/mjuː'nɪfɪsənt/	Generous	بخشنده ، کریم ، سخاوتمند

کد: اونایی که میانه فیس (face) هستند همیشه سخاوتمند و بخشنده اند!

## prevarication

Phonetic	Synonym	Meaning
/pri'værɪkəɪt/	lying, deviation from the truth	حرف دو پهلوئی، دروغگویی

کد: پری دری وری نگو!

## charisma

Phonetic	Synonym	Meaning
/kə'rizmə/	quality of leadership inspiring enthusiasm	جذبہ ، گیرایی ، گیرش

کد: کاریز+ ما (چشمه ی آب ) کاریز ما خیلی جذبہ و گیرایی داره از بس پر آبه!

## genocide

Phonetic	Synonym	Meaning
/'dʒenəsəɪd/	planned destruction of an entire people	نسل کشی ، قتل و عام

کد: cide پسوندی است به معنای کشتن و در خیلی از کلمات کاربرد دارد.